



حج و عمره

در آینهٔ فقه مقارن

محمد علی مقدادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج و عمره در آینه فقه مقارن

نویسنده:

محمد علی مقدادی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	حج و عمره در آینه فقه مقارن
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	مقدمه
۲۴	وضو
۳۷	نماز
۳۹	اذان، اقامه
۴۴	اذان‌های سحر و صبح در مدینه منوره و مکه مکرمه
۴۷	الفاظ اذان
۵۰	اقامه
۵۱	الفاظ اقامه
۵۴	نماز
۵۹	نماز جماعت
۶۰	قرائت حمد اقتدا کنندگان
۶۳	نظم در صفوف نماز (تسویه صفوف)
۶۶	فاصله بین صفوف در نماز جماعت
۷۰	مأموم از امام جماعت، جلوتر قرار نگیرد
۷۲	خواندن آیه دارای سجده واجب در نماز جماعت اهل سنت
۷۵	کیفیت اقتدا در بین نماز جماعت
۷۸	اقتدا در غیر حالت قیام و رکوع
۸۰	عدم لزوم تجافی
۸۳	کیفیت نماز مسافر در نمازهای جماعت
۸۴	قصر و اتمام

- ۸۵ مسافت شرعی
- ۸۶ مقدار فرسخ نزد مذاهب اهل سنت
- ۸۷ مسافر، چگونه مقیم می‌شود؟
- ۸۹ سجده بر مهر
- ۹۴ عبور از مقابل نمازگزار
- ۹۷ اوقات نمازهای پنجگانه
- ۱۰۶ جمع بین دو نماز در سفر و حضر
- ۱۰۹ قرائت
- ۱۱۳ حکم قرائت بسم الله الرحمن الرحيم در نماز
- ۱۱۵ جهرو اخفات بسم الله الرحمن الرحيم در نماز
- ۱۱۷ آیا بسم الله الرحمن الرحيم آیه‌ای از سور قرآنی است؟
- ۱۱۹ رکوع
- ۱۲۰ ذکر رکوع
- ۱۲۳ طولانی بودن قیام بعد از رکوع
- ۱۲۷ ذکر سجده
- ۱۲۹ تشهد
- ۱۳۱ کیفیت تشهد
- ۱۳۵ اشاره بانگشت سبابه در تشهد
- ۱۳۸ علت طولانی شدن تشهد اهل سنت
- ۱۴۲ سلام نماز
- ۱۴۶ تکبیر، بعد از سلام نماز
- ۱۴۹ قنوت
- ۱۵۴ تکتف
- ۱۵۸ آمین

- ۱۶۰ خارج نشدن از مسجد هنگام نماز
- ۱۶۲ نماز تحیت مسجد
- ۱۶۴ تأکید بر حضور مؤمنین در نماز جماعت
- ۱۶۸ اقتدا به شخص مخالف در فروع
- ۱۷۱ سلفیه نماز جماعت را واجب می‌دانند
- ۱۷۴ خوابیدن در مسجد
- ۱۷۶ خوردن و آشامیدن در مسجد
- ۱۷۸ حکم نماز در داخل کعبه معظمه
- ۱۸۰ حکم نماز میت در مسجد الحرام و سایر مساجد
- ۱۸۱ حکم خواندن نماز در جلوی قبر مطهر پیامبر خدا (ص) و امامان
- ۱۸۲ حکم خواندن نماز در قبرستان
- ۱۸۴ آیا خواندن نماز در قبرستان حرام است؟
- ۱۸۷ نحوه خواندن دعا در مسجد النبی (ص) و حرم بقیع
- ۱۹۰ حج و عمره
- ۱۹۲ عمره
- ۱۹۴ ارکان عمره
- ۱۹۶ شرایط وجوب حج
- ۱۹۸ ماه‌های حج
- ۱۹۹ ارکان حج
- ۲۰۱ انواع حج
- ۲۰۸ نظریات مذاهب اسلامی درباره حج‌گزاری اهالی مکه
- ۲۱۰ کدام افضل است؟ حج تمتع، حج قران، حج افراد
- ۲۱۳ اعمال عمره تمتع
- ۲۱۶ احرام قبل از میقات

۲۱۹	محرمات إحرام کفاره‌ها
۲۳۲	واجبات حج
۲۳۵	طواف قدوم
۲۳۷	اضطباع و زَمَل برای مردان
۲۴۰	نماز طواف و وجوب ادای آن نزد مقام ابراهیم (ع)
۲۴۵	حکم بیتوته شب نهم ذی‌الحجه در سرزمین منا
۲۴۸	وقوف در مشعر الحرام
۲۵۰	آیا قربانی در حج افراد و حج‌قران
۲۵۰	لازم است؟
۲۵۲	ترتیب اعمال روز دهم ذی‌الحجه (عید قربان)
۲۵۵	زمان رمی در روز دهم
۲۵۶	محرمات باقیمانده پس از حلق یا تقصیر در روز دهم
۲۶۰	اعمال مکرمه پس از اعمال روز دهم در منا
۲۶۳	اوقات رمی جمرات در ایام تشریق
۲۶۳	(روزهای ۱۲۱۱۱۰ ذی‌الحجه)
۲۶۶	طواف وداع
۲۶۸	حائض و طواف وداع
۲۶۹	لزوم وجود مَحْرَم برای زن مستطیع
۲۷۲	قرص جلوگیری برای ادای حج و عمره
۲۷۳	حائض، می‌تواند طواف کند
۲۷۸	طواف وداع در عمره مفرده
۲۸۰	توصیه‌های مهم و ضروری
۲۸۲	زیارت قبور
۲۸۶	زیارت قبر رسول خدا (ص)

۲۹۰ فهرست منابع

۲۹۹ درباره مرکز

حج و عمره در آینه فقه مقارن

مشخصات کتاب

سرشناسه: مقدادی، محمدعلی، - ۱۳۳۵
 عنوان و نام پدیدآور: حج و عمره در آینه فقه مقارن/ محمدعلی مقدادی
 مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۴.
 مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص. جدول.
 شابک: ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۶۳۵-۸۱-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فاپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۱۰] - ۳۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: فقه تطبیقی.
 موضوع: حج.
 موضوع: حج عمره.
 رده بندی کنگره: BP۱۶۹/۷/م۷-ح۳ ۱۳۸۴
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۲۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۵۷۹-۸۴
 ص: ۱

مقدمه

سفر به حرمین شریفین و زیارت خانه خدا و حرم مطهر نبوی، از آرزوهای دیرین هر مسلمان و زیباترین لحظات زندگی هر زائر دلباخته است؛ سفری که سرشار از معنویت، توفیق و رستگاری است.

در این سفر، زمینه و فضای فراهم می‌شود تا خاطرات تلخ و شیرین تاریخ صدر اسلام؛ دیگر بار در ذهن‌ها زنده شده و حوادث و مشکلات سال‌های آغازین مرور شود و بدین وسیله راهکار مؤثری فراروی انسان مسلمان قرار گیرد تا نسبت به کینه‌توزی‌ها و ترفندهای دشمنان شناخت پیدا کند و بی‌تفاوت از برابر آنها نگذرد.

اسلام همواره به حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان توصیه کرده و بر آن تأکید و پافشاری نموده است. در قرآن کریم، احادیث رسول خدا (ص) و روایات اهل بیت شواهد بسیاری در این باره وجود دارد که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

حج و عمره در آینه فقه مقارن، ص: ۶

۱. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (۱)

۲. وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (۲)

۳. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (۳)

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

«لَا تَزْجَعُوا بَعْدِي كُفْرًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ».

۵. (۴) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

«مَثَلُ الْمُسْلِمِينَ فِي تَوَادِهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى».

۶. (۵) مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ الْكِنْدِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ:

«إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَنَا بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُنُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْمْ إِلَيْهِ زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا صَلُّوا فِي

ص: ۲

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲- سوره انفال، آیه ۴۶.

۳- سوره حجرات، آیه ۱۰.

۴- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۸. المجموع، ج ۱۹، ص ۱۵۵. سبل السلام، ج ۲، ص ۲۱۴. وکنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۳۴.

۵- مختارات من الأحادیث النبویة، ص ۷۵۳.

ص: ۷

عَسَائِرِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْهُمْ ..
 (۱) ۷. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَأْسِنَادُهُ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ:

خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ، صِلُوا فِي مَسَاجِدِهِمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَالْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا
 فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ وَإِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ
 فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ»

(۲) ۸. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ:

«أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ لَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَىٰ أَكْتَاْفِكُمْ فَتَدُلُّوْا.

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ثُمَّ قَالَ: عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاحْضَرُوا جَنَائِزَهُمْ وَاشْهَدُوا لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَصِلُوا مَعَهُمْ
 فِي مَسَاجِدِهِمْ حَتَّىٰ يَكُونَ التَّمْيِيزُ وَتَكُونَ الْمُبَايَعَةُ مِنْكُمْ وَمِنْهُمْ» (۳)

۱- الكافي، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲- وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۴۳۰.

۳- همان، ج ۸، ص ۳۰۱.

ص: ۸

همانگونه که پیشتر اشاره شد، سفر حج و عمره، سفری معنوی است و لازمه حفظ کردن روح معنویت در چنین سفری، سوزاندن ریشه‌های اختلاف و هر آن چیزی است که موجب تشتت آرا و پراکندگی افکار می‌شود. آری، باید برای حفظ وحدت و برادری در میان مسلمانان گامهای بلندتری برداشت.

آنان که به وحدت و سربلندی اسلام می‌اندیشند، همواره این پرسش را در ذهن خود دارند که چگونه می‌توان موارد اختلاف را شناخت و به وحدت آرمانی دست یافت؟

اکنون ما در این مجموعه، کوشیده‌ایم راهکارهای مناسب برای رسیدن به این هدف مقدس ارائه کنیم و زائران را با رایج‌ترین موارد اختلاف فقهی میان شیعه امامیه و اهل سنت آشنا سازیم.

در این نوشته تنها به مواردی می‌پردازیم که زائر بیت‌الله‌الحرام، در مساجد و اماکن و زیارتگاهها با آن مواجه می‌گردد و لازم است با تدبیر و درست اندیشیدن، مانع بروز نزاع، درگیری، اهانت و تنش شود.

روشن است که اقتدار جهانی اسلام و وحدت امت، از آرزوهای بزرگ آحاد مسلمانان جهان است که قرآنکریم، پیامبر خدا (ص)، امامان معصوم و پیشوایان مذاهب اسلامی بر آن توصیه کرده‌اند.

حج و عمره در آینه فقه مقارن،

ص: ۹

مصلحان بزرگ در طول تاریخ اسلام تلاش‌های گوناگونی برای رسیدن به این آرمان مقدس انجام داده و در جهت رفع عوامل اختلاف، گام‌هایی را برداشته‌اند.

برای رسیدن به چنین هدفی باید از آرا و نظریات همدیگر آگاه شده، مطالعاتی در کتب فقهی یکدیگر داشته باشیم. و در این میان، آگاهی از «فقه مقارن» بسیاری از موانع وحدت را برطرف می‌سازد.

«فقه مقارن» دانشی است که با گردآوری آرا و فتاوی‌های مذاهب مختلف شیعه و اهل سنت و ارائه واقع‌بینانه آنها به صورت تطبیق یه‌هم‌چون چراغی پر نور عمل می‌کند که به پاره‌ای از جهالتها و تعصبها پایان داده و شیعیان و اهل سنت را در یک فضای آگاهانه و واقع‌بینانه قرار می‌دهد تا با حفظ آداب یکدیگر، روابط برادرانه اسلامی خویش را مستحکم کنند، با تعاون و همکاری‌های صمیمانه به شهد گوارای وحدت و اقتدار دست یابند.

اجرای این خط مشی، سفارش امام جعفر صادق (ع) پیشوای بزرگ شیعیان بود که آن را به صحابی و شاگرد فاضل خود «معاذ بن مسلم نحوی» توصیه کرد و از این که وی فتاوی‌های اهل سنت را نیز فراگرفته و حتی فتاوا را به آنان تعلیم می‌دهد حج و عمره در آینه فقه مقارن،

ص: ۱۰

استقبال نمود و فرمود: «تو این خط مشی را اجرا کن، من خودم هم چنین روشی را انجام می‌دهم».

عَنْ مَعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ النَّحْوِيِّ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ لِي:

«بَلِّغْنِي أَنْكَ تَقْعُدُ فِي الْمَسْجِدِ وَتُفْتِي النَّاسَ! قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، وَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عِنْدَكَ قَبْلَ أَنْ أُخْرَجَ. إِنِّي أَقْعُدُ فِي الْمَسْجِدِ فَيَجِيءُ الرَّجُلُ يَسْأَلُنِي عَنِ الشَّيْءِ، فَمَاذَا عَرَفْتَهُ بِالْخِلَافِ لَكُمْ أَخْبِرْتَهُ بِمَا يَفْعَلُونَ، وَيَجِيءُ الرَّجُلُ أَعْرَفُهُ بِحَبِّكُمْ وَمَوَدَّتِكُمْ فَأَخْبِرُهُ بِمَا جَاءَ عَنْكُمْ وَيَجِيءُ الرَّجُلُ لَمَّا أَعْرَفُهُ وَلَمَّا أَدْرَى مِنْهُو؟ فَأَقُولُ: (جَاءَ عَنْ فُلَانٍ كَذَا وَعَنْ فُلَانٍ كَذَا) فَأَدْخُلُ قَوْلَكُمْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ. قَالَ: فَقَالَ (ع) لِي: إِصْنَعْ كَذَا فَإِنِّي كَذَا أَصْنَعُ»

(۱) دانشوران متعددی در طول تاریخ اسلام و تشیع، پرچم این رسالت را بر دوش گرفته و آثار گرانقدری را در فقه مقارن به یادگار گذاشتند.

فقه مقارن چیست؟

فقه مقارن برای گردآوری آرای مختلف در مسائل فقهی به کار می‌رود و بر مبنای واحد بدون آنکه موازنه‌ای ایجاد کند و یا داوری نماید؛ تمامی آرای فقهی در یک موضوع و تحت یک عنوان را جمع‌آوری می‌کند.

ص: ۱۱

«فقه مقارن» یا «علم الخلاف»؟

تعریف دیگری در این باره وجود دارد که به چگونگی کار دانشمندان و بزرگان پیشین نزدیک تر می باشد و آن جمع آوری آرای فقهی و ترجیح بعضی از ادله بر بعض دیگر در هر مسأله و در نهایت؛ داوری در موضوع مورد بحث است. این روش، فقه مقارن نیست بلکه «علم الخلاف» است و همین نکته را می توان به عنوان فرق بین فقه مقارن و علم الخلاف معرفی کرد.

علم الخلاف به این صورت تعریف شده است: «علم یقتدر به علی حفظ الأحكام الفرعیة المختلف فیها بین الأئمة، أو هدمها بتقریر الحجج الشرعیة وقوادح الأدلة».^(۱) فوائد فقه مقارن

۱. حرکت در مسیر رفع اختلافات طائفه‌ای و ایجاد وحدت رویه بین مبانی فقهی مذاهب اسلامی با معرفی منابع و ادله فقهی.
۲. ایجاد روح تلاش و فعالیت و غلبه بر تعصبات خشک و دوری از اختلافات در سایه کارهای علمی.

۱- دراسات فی الفلسفة الاسلامیة، تفتازانی، ص ۱۲۷.

ص: ۱۲

۳. آفرینش راهکار نو در سایه تضارب آرای فقهی و گشودن راه جدید در راستای استنباط احکام شرعی و مبانی فقه اسلامی.
۴. رسیدن به واقع فقه اسلامی از نزدیک‌ترین راه و سالم‌ترین آن. این روش امکان وقوعی ندارد مگر آنکه آرای مختلف عرضه شود و پس از آنکه موضوع بندی شد در معرض قضاوت دیگران قرار گیرد.

روش تحقیق ما

کارهای این مجموعه به روشی که پیشتر آمد، انجام گرفته است؛ یعنی فقط به گردآوری آرای مختلف در مسائل فقهی با موضوع بندی و بر مبنای واحد و بدون آنکه موازنه‌ای ایجاد شود و یا داوری صورت گیرد، پرداخته شده است. هدف تدوین این کتاب، آشنایی زائران حرمین شریفین با مواردی است که در این سفر مشاهده می‌کنند، و هیچ‌گونه اطلاعی درباره آنها ندارند.

در این نوشتار سعی شده از منابع معتبر تمامی مذاهب چهارگانه اهل سنت و نیز از منابع معتبر فقهی شیعه امامیه استفاده شود و پس از ترجمه و تنظیم و مقابله لازم با ذکر منابع و مصادری که مورد مراجعه قرار گرفته است، برای

ص: ۱۳

استفاده و بهره‌برداری خوانندگان فرهیخته و گرامی، در اختیار آنان قرار گیرد و از آنجا که وهابیون پیروان مذهب حنبلی هستند، نظریات ویژه آنان در این کتاب تحت عنوان «سلفیه» مطرح خواهد شد.

روشن است که میدان تحقیق در خصوص مباحث فقه مقارن؛ دارای ابعاد مختلفی است و با هدف مورد نظر تدوین‌گر مرتبط است؛ از این رو، گاهی فقط اکتفا به نقل حکم می‌شود و گاهی افزون بر ارائه حکم، مستند آن هم می‌آید.

فقه مقارن همواره میدان بزرگ و مجال واسعی دارد. مراجعه کنندگان گرامی و کسانی که بنا دارند در این میدان، با مجال افزون‌تر تأمل کنند، کتب مورد استفاده در این نوشتار؛ می‌تواند منابع مناسبی برای آنان باشد.

البته کتابهایی (۱)

به نام «فقه مقارن» تدوین و چاپ شده است که بین آنها از لحاظ اتقان و اعتبار، تفاوت‌هایی وجود داشته و مطالعه هر کدام فوایدی دارد.

۱- الفقه علی المذاهب الخمسة، محمدجواد مغنیه. الفقه علی المذاهب الأربعة، عبدالرحمن الجزیری. الخلاف، شیخ طوسی.

ص: ۱۴

با اینکه فقه مقارن یک نوع روش و راهکار است و با مطالعه و تحقیق در کتب مختلف می‌توان به نتیجه دست یافت؛ لیکن کتابهای فقه مقارن توان آن را دارند که برای محققان راهکار مناسب و گسترده در پژوهش ارائه کنند.

در پایان از همه عزیزان و دوستان بزرگواری که حقیر را در تدوین و تهیه و تنظیم این کتاب یاری داده‌اند، به ویژه از برادران گرامی: جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدعلی قاضی‌عسکر و جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدحسن زمانی صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

ص: ۱۵

وضو

قبل از وارد شدن در بیان فتاوا و بیان کیفیت وضو، لازم است چارچوب بحث وضو را مشخص کنیم تا رسیدن به نتیجه آسان‌تر باشد.

وضو بر اساس نظریه فقهای اسلام عبارت است از:

نیت، شستن صورت، شستن دست راست و دست چپ در محدوده آرنج و نوک انگشتان، مسح سر، مسح و یا شستن دو پا (با اختلاف نظریه تشیع و تسنن) ...

شیعه امامیه: وضو عبارت است از شستن صورت از بالای پیشانی تا پایین چانه، و از جهت عرضی، مابین انگشت ابهام (شست) و انگشت وسطی. (۱) و شستن دستها از آرنج تا نوک انگشتان و مسح جلوی سر بوسیله رطوبت باقیمانده در دست، و مسح روی دو پا از سر انگشتان تا برآمدگی روی پاها.

دلیل فقهی کیفیت وضو گرفتن، آیه شریفه و روایات اهل بیت است که به طور مفصل وضوی صحیح را حکایت کرده‌اند. مسح نمودن روی پاها اجماع فقهای شیعه امامیه می‌باشد؛ بعلاوه در روایتی از امام امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است: آنچه در قرآن نازل شده است مسح پا بوده است نه

ص: ۱۶

شستن آن. (۱) و نیز در روایتی، ابن عباس وضوی رسول خدا (ص) را چنین توصیف کرده است:

«... رسول خدا (ص) بر روی دوپای خود مسح کرد». (۲)

اما آیه شریفه وضو: یا ایها الذین آمنوا إذا قمتم إلى الصلاة فاغسلوا وجوهکم وأیدیکم إلى المرافق وامسحوا برؤوسکم وأرجلکم إلى الکعبین (۳)

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) ثابت شده است که کلمه (إلی) در إلی المرافق بمعنای (مع) است یعنی دستها با آرنج شسته شود نه اینکه دستها تا آرنج شسته شود. (۴) اما در باره مسح پاها که مورد اختلاف بین تشیع و تسنن است، شیعه امامیه طبق نص آیه شریفه، مسح روی پاها را واجب می‌داند و جمله وأرجلکم چه به اعراب «جر» قرائت شود که این نظریه ابن کثیر، ابی عمرو، حمزه و عاصم بر اساس روایت ابی بکراست. و یا به اعراب «نصب» قرائت شود که نظریه نافع، ابن عامر، کسائی و عاصم به روایت حفص می‌باشد که موافق متن قرآن رائج فعلی است. به

۱- وسائل الشیعه، باب ۲۵ از ابواب وضو، ح ۸-۷.

۲- جواهر الکلام، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳- سوره مائده، آیه ۶.

۴- جواهر الکلام، ج ۲، ص ۱۶۰.

ص: ۱۷

هر حال دلالت بر «وجوب مسح» می‌کند، زیرا بر اساس قول اول (اعراب جر) کلمه وأرجلکم عطف بر لفظ برؤوسیکم است و بر اساس قول دوم (اعراب نصب) کلمه وأرجلکم عطف بر محل برؤوسکم می‌شود که اعراب محل، همان اعراب نصب می‌باشد. (۱) مذاهب چهارگانه اهل سنت می‌گویند: شستن پاها لازم است. (۲) نیت در باور شیعه امامیه نیت، شرط صحت هر عبادت است.

شیعه امامیه، مالکیه، شافعیه، حنابله: نیت در وضو از واجبات و شرط صحت آن است. (۳) حنفیه: نیت شرط صحت وضو نیست بلکه نیت در وضو سنت است تا آنکه عبادت محسوب شود (۴). نیت فقط برای جلب ثواب شرط در وضو است بعضی گفته‌اند بدون نیت هم ثواب دارد. (۵) ص ۱۱۶۲ صورت

۱- مستمسک العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۷۳۳۷۲.

۲- الموطأ، مالک بن انس، ج ۱، ص ۱۸.

۳- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۱، ص ۱۶۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، مبحث وضو.

۴- حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۱۱۴.

۵- همان

ص: ۱۸

شیعه امامیه: حدی که از صورت در وضو باید شسته شود عبارت است از: بالای پیشانی از محل رویش موی سر تا پایین چانه. و در مورد عرض صورت؛ آنچه که از سیمای انسان بین دو انگشت شست و انگشت وسطی واقع شود. حنفیه، شافعیه، حنابله: طول صورت از محل رویش موی سر تا محل اجتماع محاسن و چانه. و در مورد عرض صورت از گوش تا به گوش.

مالکیه: شستن سفیدی بین عذار (قسمتی از صورت که در آن موی درازی می‌روید که محاذی گوش است و بین آن و گوش؛ سفید است (۱)) و گوش لازم نیست. (۲) مسح تمام سر با دو دست سه بار، اول قسمت جلوی سر، سپس دو دست تا پشت سر کشیده شود، آنگاه دستها را به طرف جلوی سر برگرداند تا آنجایی که مسح سر را شروع کرده بود، سپس شستن دو پا. (۳) مذهب مالکیه با نظریه اهل سنت در سایر موارد موافق است. (۴)

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۳۹۱۵، چاپ دانشگاه تهران.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۷۳، چاپ بیروت.

۳- الموطأ، مالک بن انس، ج ۱، ص ۱۸.

۴- همان؛ و کتاب الخلاف، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۰، مسأله ۲۳.

ص: ۱۹

۳-دستها

شستن تمام دست‌ها با دو مرفق نزد مذاهب پنجگانه واجب است.

شیعه امامیه: واجب است دستها از آرنج تا نوک انگشتان شسته شود.

مذاهب اهل سنت: واجب است دستها با دو آرنج شسته شود. (۱) شروع شستن دستها از انگشتان سنت می‌باشد. البته برخی شافعی‌ها

معتقدند که اگر آب وضو از بالا بریزد مانند شیر آب، بهتر است شستن دستها از آرنج شروع شود. (۲) ۴ مسح سر

شیعه امامیه: مسح به بعض سر واجب است و باید از رطوبت باقی مانده دستها مسح کشید. از رطوبت جدید نباید استفاده شود. افضل

مسح بمقدار سه انگشت بسته است ولی به مقدار یک انگشت هم کافی است.

مالکیه: مسح تمام سر واجب است. مسح تمام سر با دو دست سه بار، اول قسمت جلوی سر، سپس دو دست تا پشت سر کشیده شود،

آنگاه دستها را به طرف جلوی سر برگرداند تا آنجایی که مسح سر را شروع کرده بود، سپس شستن دو پا. (۳)

۱- فقه السنه، سید سابق، ج ۱، ص ۴۳؛ المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۱۰۷؛ وفتح العزیز، ج ۱، ص ۳۴۶.

۲- مسائل من الفقه المقارن.

۳- الموطأ،

ص: ۲۰

شافعیه: همین که مسح کردن صدق کند کافی و مجزی است، همچنین شافعی مسح سر را با یک انگشت اجازه داده است.

(۱) حنفیه: در یک فتوا می‌گویند: یک سوم سر با سه انگشت، مسح شود.

فتوای دیگر: یک چهارم سر با سه انگشت مسح شود. (۲) حنابله: در یک فتوا می‌گویند: مسح تمام سر واجب است.

فتوای دیگر آنها: مسح بعض سر (جلوی سر) کافی و مجزی است. (۳)

۵- مسح پاها و یاشستن پاها

شیعه امامیه: مسح دو پا از نوک انگشت شست تا بلندی روی پا و یا تا مفصل.

رسول خدا (ص) چگونه وضو می‌گرفت؟

در این باره توجه خوانندگان گرامی را به نحوه وضوی رسول خدا (ص) که توسط فرزند بزرگوارش امام باقر (ع) نقل شده است

جلب می‌کنم:

۱- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲- الخلاف، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۲۱۱.

۳- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۱، ص ۱۹۲.

ص: ۲۱

عَلَى عَنِ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «أَلَا أَحْكِي لَكُمْ وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟ فَقُلْنَا: بَلَى فَدَعَا بِتَعْبٍ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ مَاءٍ ثُمَّ وَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ حَسَرَ عَنْ ذِرَاعَيْهِ ثُمَّ غَمَسَ فِيهِ كَفَّهُ الْيُمْنَى ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا إِذَا كَانَتْ الْكَفُّ طَاهِرَةً ثُمَّ غَرَفَ فَمَلَأَهَا مَاءً فَوَضَعَهَا عَلَى جَبِينِهِ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَسَدَلَهُ عَلَى أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ ثُمَّ أَمَرَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَظَاهِرِ جَبِينِهِ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ غَمَسَ يَدَهُ الْيُسْرَى فَغَرَفَ بِهَا مِلَأَهَا ثُمَّ وَضَعَهُ عَلَى مِرْفَقِهِ الْيُمْنَى وَ أَمَرَ كَفَّهُ عَلَى سَاعِدِهِ حَتَّى جَرَى الْمَاءُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِهِ ثُمَّ غَرَفَ بِيَمِينِهِ مِلَأَهَا فَوَضَعَهُ عَلَى مِرْفَقِهِ الْيُسْرَى وَ أَمَرَ كَفَّهُ عَلَى سَاعِدِهِ حَتَّى جَرَى الْمَاءُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِهِ وَ مَسَحَ مَقَدَّمَ رَأْسِهِ وَ ظَهَرَ قَدَمَيْهِ بِيَلِّهِ يَسَارِهِ وَ بَقِيَّةَ بِلِّهِ يُمْنَاهُ قَالَ: وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): إِنَّ اللَّهَ وَ تَرَى يُحِبُّ الْوُتْرَ فَقَدْ يُجْزِئُكَ مِنَ الْوُضُوءِ ثَلَاثُ غُرَفَاتٍ وَاحِدَةً لِلْوَجْهِ وَ اثْنَتَانِ لِلذَّرَاعَيْنِ وَ تَمْسُحُ بِيَلِّهِ يُمْنَاكَ نَاصِيَةَ يَتِّكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ بِلِّهِ يَمِينِكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُمْنَى وَ تَمْسُحُ بِيَلِّهِ يَسَارِكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُسْرَى قَالَ زُرَّارَةُ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) سَأَلَ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَنْ وَضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَحَكَى لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ».

(۱)

۱- الكافي، ج ۱، ص ۲۵، باب صفة الوضوء.

ص: ۲۲

مذاهب چهارگانه اهل سنت: شستن هر دو پا واجب است.

لازم به یادآوری است که بعضی از اصحاب رسول خدا (ص) همانند حضرت امام امیرالمؤمنین علی (ع) و ابن عباس و انس و جوب مسح پا را قائل هستند (۱). و نیز افرادی از بزرگان ادبیات عرب چونان سیبویه و اخفش قائل به مسح پا هستند و تعدادی از فقهای اهل سنت امثال جبائی، محمد بن جریر طبری و حسن بصری قائل به تخییر بین مسح پا و شستن آن می‌باشند. (۲) مالکیه: شستن صورت سه بار، شستن دو دست هر کدام دوبار تا مرفق، مسح تمام سر با دو دست سه بار، اول قسمت جلوی سر، سپس دو دست تا پشت سر کشیده شود، آنگاه دستها را به طرف جلوی سر برگرداند تا آنجایی که مسح سر را شروع کرده بود، سپس شستن دو پا. (۳) سلفیه: واجبات وضو شش مورد است:

۱. شستن صورت. مضمضه و استنشاق از توابع شستن صورت است و واجب می‌باشد.

۱- فتح الباری، ابن حجر، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۱، ص ۲۰۹.

۳- الموطأ، مالک بن انس، ج ۱، ص ۱۸.

ص: ۲۳

۲. شستن دو دست راست و چپ تا آرنج.
۳. مسح کشیدن به همه سر. مسح دو گوش هم که از توابع سر می‌باشند واجب است.
۴. شستن دو پا حتی برآمدگی پا واجب است.
۵. ترتیب.
۶. موالات.

مبطلات وضو نیز شش مورد است:

۱. هر آنچه از عورت قُبُل و دُبُر خارج شود.
۲. هر چیز نجس از بدن خارج شود.
۳. هر چیزی که عقل را زایل کند.
۴. مسح نمودن عورت وضو را باطل می‌کند.
۵. خوردن گوشت شتر وضو را باطل می‌کند.
۶. ارتداد. (۱) شیعه امامیه: نواقض وضو در فقه شیعه امامیه عبارت از:
غائط، بول، منی، خارج شدن باد و خوابی که بر انسان غلبه کند به طوری که آگاهی نداشته باشد و گوش نشنود. (۲)

۱- الدروس المهمه، عبدالعزیز بن باز، ص ۱۰.

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۰۰.

ص: ۲۴

درباره نواقض وضو به روایتی در همین خصوص اشاره می‌کنیم:

عَلَى بَنِّ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

«قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ وَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا يَنْقُضُ الْوُضُوءَ؟ فَقَالَا: مَا يَخْرُجُ مِنْ طَرْفَيْكَ الْأَسْفَلَيْنِ مِنَ الدُّبْرِ وَ الدَّكْرِ غَائِطٌ أَوْ بَوْلٌ أَوْ مَنِيٌّ أَوْ رِيحٌ وَ النَّوْمُ حَتَّى يُذْهَبَ الْعَقْلُ وَ كُلُّ النَّوْمِ يُكْرَهُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تَسْمَعُ الصَّوْتِ»

(۱) مضمضه و استنشاق

شیعه امامیه: یکی از مستحبات وضو مضمضه و استنشاق است. هر یک از مضمضه و استنشاق با سه مشت آب و سه مرتبه انجام می‌شود.

البته بایک مشت آب هم کفایت می‌کند. (۲) البته مضمضه و استنشاق در غسل جنابت نیز از مستحبات شمرده شده است. (۳) حنفیه،

شافعیه، مالکیه: مضمضه و استنشاق در وضو سنت است و واجب نیست. (۴)

۱- الکافی، ج ۳، ص ۱۰.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۹۹؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۰۵.

۴- أم، شافعی، ج ۱، ص ۳۶؛ حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۹۸؛

حاشیه دسوقی، ج ۱، ص ۶۷؛ بداية المجتهد، ج ۱، ص ۴۰.

ص: ۲۵

حنابله: مضمضه و استنشاق در وضو مستحب است، مگر آنکه روزه دار باشد. (۱) سلفیه: مضمضه و استنشاق از توابع شستن صورت است و واجب می‌باشد. (۲)

خواب

شیعه امامیه: یکی از مبطلات وضو در فقه شیعه امامیه؛ خواب است، خوابی که بر عقل غلبه کند و به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود. (۳) امام باقر و امام صادق (ع) در روایتی همین مطلب را تأیید فرمودند: «... وَالنَّوْمُ حَتَّى يُذْهَبَ الْعَقْلَ وَكُلُّ النَّوْمِ يُكْرَهُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تَسْمَعُ الصَّوْتِ». (۴)

۱- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۸۶.

۲- الدروس المهمه، بن باز، ص ۹.

۳- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۰۰.

۴- الکافی، ج ۳، ص ۳۶.

ص: ۲۶

مالکیه، حنابله: اگر خواب در حال نشسته طولانی شود وضو را باطل می‌کند. (۱) حنفیه، شافعیه: خواب در حال نشسته وضو را باطل نمی‌کند. (۲) سلفیه: خواب یکی از نواقض و مبطلات وضو است. (۳) اهل سنت یک فرع فقهی در همین خصوص دارند و آن حکم به خواب رفتن فردی است که در حال انتظار اقامه نماز است، آیا وضوی او باطل می‌شود یا خیر؟ حکم فقهی چنین است: خوابی که به صورت دراز کش باشد مبطل وضو است ولی اگر خواب به صورت نشسته باشد وضو را باطل نمی‌کند. (۴)

۱- الموطأ، ج ۱، ص ۲۲. عن مالک بن نافع: إن ابن عمر كان ينام جالساً، ثم يصلّي

ولا يتوضأ؛ المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۱۶۷؛ المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۷۸.

۲- أمّ، شافعی، ج ۱، ص ۲۷؛ حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۱۵۲؛

المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۷۸.

۳- فتاوی المرأة، بن باز، ص ۳۰.

۴- المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۷۸؛ المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۱۶۷.

نیل الأوطار، شوکانی، ج ۱، ص ۲۴۴.

ص: ۲۸

نماز

ص: ۳۰

اذان، اقامه

اذان

اذان در لغت به معنای اعلام کردن و آگاهی دادن است و در اصطلاح شرع مقدس اسلام، چند جمله ذکر است که برای آگاهی دادن و اعلام نمودن وقت نماز به مردم خوانده می‌شود. اذان یکی از عبادات مهم در شریعت مقدس اسلام به شمار می‌آید. اذان در هنگام فرارسیدن وقت نمازهای یومیه گفته می‌شود. اذان و اقامه از مستحبات مؤکده هستند. (۱) اذان از سال اول هجرت و در مدینه منوره تشریح شد.

۱- العروۃ الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۱.

ص: ۳۱

علت تشریح اذان

شیعه امامیه:

درباره علت تشریح اذان؛ شیعه امامیه می‌گویند: جبرئیل (ع) اذان را از سوی خداوند متعال بر رسول خدا (ص) نازل کرد. (۱) اهل سنت:

اهل سنت معتقدند که عبدالله بن زید در عالم رؤیا فردی را مشاهده کرد، آن فرد اذان را به عبدالله بن زید یاد داد. عبدالله بن زید جریان خواب خود را برای رسول خدا (ص) نقل کرد. آن حضرت این گونه اطلاع رسانی برای وقت نماز را پسندیدند و دستور دادند گفته شود. این چنین اذان در شرع مقدس اسلام استقرار یافت. (۲) همچنین در صحیح مسلم و صحیح بخاری از انس نقل کرده است: هنگامی که به جمعیت مسلمانان افزوده شد این مطلب مطرح گردید که چگونه اوقات نماز را به اطلاع مردم برسانند؟ بعضی پیشنهاد کردند آتش افروخته شود.

۱- الفقه علی المذاهب الخمسه، محمد جواد مغنیه، کتاب الصلاة، ص ۷۱.

۲- همان؛ وفتح الباری، ابن حجر، ج ۲، ص ۶۶.

ص: ۳۲

بعضی دیگر گفتند ناقوس نواخته شود. لیکن رسول خدا (ص) به بلال حبشی دستور دادند که اذان و اقامه بگوید. (۱)

آیا اذان واجب است یا مستحب؟

مذاهب اسلامی درباره حکم اذان اختلاف نظریه دارند.

شیعه امامیه: اذان سنت است و برای نمازهای واجب؛ گفتن اذان مستحب مؤکد می‌باشد، هم برای مردان و هم برای زنان. (۲)

شافعیه، حنفیه: اذان سنت است و مستحب مؤکد می‌باشد. (۳) حنابله: اذان فقط در پنج وقت نماز برای مردان واجب کفایی است. (۴)

اذان در وطن واجب است نه در سفر.

مالکیه: اذان واجب کفایی است و این وجوب فقط در اماکنی می‌باشد که در آن جا نماز جمعه برپا می‌شود. پس اگر

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۱۱، چاپ استانبول.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۱.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۱۳.

۴- همان.

ص: ۳۳

ساکنان آن منطقه اذان را ترک کنند بایستی با آنان مبارزه کرد تا اجرای اذان را به انجام برسانند. (۱) سلفیه: اذان و اقامه برای نمازهای واجب پنج‌گانه، واجب کفایی است. (۲) اذان و اقامه برای زنان مشروع نیست. (۳) اذان و اقامه برای مردان واجب است. (۴)

۱- الفقه علی المذاهب الخمسه، محمد جواد مغنیه، مبحث نماز، صص ۷۲۷۱.

۲- فتاوی‌اللجنة الدائمة، ج ۶، ص ۷۵، فتاوی شماره ۶۹۱۴.

۳- کتاب فتاوی‌المرأه، بن باز، ص ۴۱.

۴- همان، فتاوی ابن عثیمین، ص ۵۵.

ص: ۳۴

مسائلی چند درباره اذان

۱ هنگامی که اذان گفته می‌شود، مستمعین سکوت را مراعات کنند.

۲ روایات اهل بیت و نیز فتوای فقیهان بر استحباب تکرار اذان از سوی شنونده تأکید دارد. پس بهتر است این تکرار به صورت آهسته انجام شود. (۱) ۳ شنونده اذان؛ بهتر است در تکرار حیصلات:

حَى عَلَى الصَّلَاةِ

حَى عَلَى الْفَلَّاحِ

حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ در اذان، حوقله بگوید: لَأَحْوَلَ وَ لَأَقْوَهُ إِلَّا بِاللَّهِ. (۲) ۴ گفتن اذان و اقامه از کسی که داخل مسجد می‌شود و در آن مسجد اذان و اقامه گفته شده است، ساقط می‌شود. (۳) ۵ در گفتن اذان، داشتن طهارت شرط نیست. پس اذان را می‌توان بدون وضو گفت.

۱- العروه الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۶.

۲- همان، ج ۱، ص ۶۰۷.

۳- همان، ص ۶۰۴.

اذان‌های سحر و صبح در مدینه منوره و مکه مکرمه

زائران گرامی در سحرگاهان زیبای مدینه منوره و مکه مکرمه سه اذان می‌شنوند که درحقیقت دو اذان و یک اقامه می‌باشد. ۱ اذان اول: حدود یک ساعت قبل از طلوع فجر اذان اول گفته می‌شود. این اذان را اذان شب (۱) یا اذان تهجد می‌گویند. با این اذان مسلمانان آگاه می‌شوند تا برای نماز شب یا آماده شدن برای ادای نماز صبح از خواب برخیزند. ۲ اذان دوم: به فاصله یک ساعت از اذان اول، اذان دوم که همان اذان صبح است گفته می‌شود. در اذان صبح اهل سنت؛ جمله‌ای اضافه وجود دارد که به نام «تثویب» (۲) معروف است، این جمله عبارت است از «الصلاة خیر من النّوم» یعنی: نماز از خواب بهتر است. با شنیدن این جمله که در سایر اذان‌ها نیست؛ نمازگزار متوجه می‌شود که این اذان، اذان صبح است. یاد آوری این نکته لازم

۱- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبه الزحیلی، کتاب الصلاة، مبحث اذان و اقامه.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۱، ابواب اذان.

ص: ۳۶

است که در فقه شیعه این گونه تثویب (زیاده) مشروعیت ندارد. (۱) مالک بن انس در کتاب «موطأ» قصه داخل شدن جمله: «الصلاة خیرٌ مِنَ النَّوْمِ» را چنین آورده است:

برای من این خبر نقل شده است که اذان گوی عمر بن الخطاب برای اذان صبح نزد او آمد تا فرارسیدن وقت نماز صبح را به وی ابلاغ نماید، اما مشاهده کرد عمر در خواب است. مؤذن گفت: «الصلاة خیرٌ مِنَ النَّوْمِ»

از آن پس عمر به مؤذن دستور داد که این جمله را در اذان صبح قرار دهد. (۲) مذاهب چهارگانه اهل سنت برمستحب بودن تثویب «الصلاة خیرٌ مِنَ النَّوْمِ» اتفاق نظریه دارند.

لیکن ابن رشد در کتاب «بدایه‌المجتهد» گفته است: «علما ذکر کرده‌اند که این جمله نباید در اذان گفته شود، زیرا این جمله جزء اذان سنت پیامبر خدا (ص) نیست. این مطلب را امام شافعی هم گفته است و علت اختلاف این است که آیا این

۱- الینابیع الفقهیه، ج ۳، ص ۴۱۶.

۲- الموطأ، مالک بن انس، ج ۱، ص ۷۲.

ص: ۳۷

جمله در زمان پیامبر خدا (ص) گفته شده یا در زمان عمر بن الخطاب؟»^(۱) همچنین ابن قدامه حنبلی در کتابش چنین نوشته است: «اسحاق گفت: مردم این جمله الصلاة خیرٌ مِنَ التَّوْمِ را تازه به وجود آورده‌اند. و ابوعلی گفت: اهل علم از گفتن جمله تشویب کراهت دارند. تشویب همان چیزی است که وقتی عبدالله ابن عمر آن را شنید به عنوان اعتراض از مسجد خارج شد.^(۲) ۳ اقامه: معمولاً با فاصله زمانی بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه بین اذان و اقامه این فاصله زمانی در نمازهای پنجگانه مختلف است تکبیر گو با گفتن اقامه، برپاشدن نماز جماعت را اعلام می‌دارد.

بین اقامه اهل سنت و اقامه شیعه امامیه، در حذف یا تکرار جملات؛ تفاوت‌های وجود دارد که در بخش بیان فصول اذان و اقامه، توضیح داده شده است.

زائران محترم توجه داشته باشند هنگام شنیدن صدای اذان با هیچ فردی صحبت نکنند؛ اگر زائران دقت بفرمایند بعضی از مسلمانان در حالی که به قرائت قرآن مشغولند، به

۱- بدایه‌المجتهد، ج ۱، ص ۱۰۳، چاپ ۱۹۳۵ م.

۲- المغنی، ابن قدامه، ج ۱ ص ۴۰۸، چاپ سوم.

ص: ۳۸

مجرد شنیدن اذان دست از قرائت قرآن بر می‌دارند و به احترام اذان سکوت می‌کنند. گفتیم روایات اهل بیت و نیز فتوای فقیهان بر استحباب تکرار بندهای اول اذان از سوی شنونده تاکید دارد و بهتر است این تکرار به صورت آهسته انجام شود.

الفاظ اذان

تعداد جملات اذان ونحوه ترتیب وتکرار آن در فقه مذاهب چهار گانه اهل سنت وفقه شیعه امامیه دارای تفاوتهایی است، که به عنوان مثال در فقه شیعه امامیه اذان دارای ۱۸ جمله می‌باشد. در ذیل به بیان تفصیلی اذان در فقه مذاهب اسلامی توجه فرمایید:

ص: ۳۹

اللَّهُ أَكْبَرُ ۴ مرتبه نزد تمامی مذاهب به جز مالکیه که گفته‌اند دوبار گفته شود.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۲

مرتبه نزد تمامی مذاهب.

أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ۲

مرتبه نزد تمامی مذاهب.

أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَوَلِيَّ اللَّهِ ۲ مرتبه گرچه شیعه امامیه هم آن را جزء اذان واقامه نمی‌دانند اما مشهور امامیه گفتن آن را رجاءاً توصیه کرده‌اند.

حَىٰ عَلَى الصَّلَاةِ ۲ مرتبه نزد تمامی مذاهب.

حَىٰ عَلَى الْفَلَاحِ ۲ مرتبه نزد تمامی مذاهب (۱) طبق نظریه اهل سنت در اذان صبح بعد از «حَىٰ عَلَى الْفَلَاحِ» مستحب است

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۱۲،

ص: ۴۰

حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ۲ مرتبه فقط نزد شیعه امامیه. مذاهب اهل سنت آن را اصلاً نمی‌گویند.
اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه نزد تمامی مذاهب.
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۱ مرتبه نزد اهل سنت، و ۲ مرتبه نزد شیعه امامیه. (۱)

۱- همان؛ الخلاف، شیخ طوسی ره، ج ۱، ص ۸۳.

ص: ۴۱

اقامه

اقامه عبارت است از اعلام کردن به نمازگزاران که نماز در حال آغاز است، و در غیر نماز جماعت، فرد نمازگزار قبل از آغاز نماز، اقامه را می‌خواند.

تعداد جملات اقامه و نحوه ترتیب و تکرار آن در فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت و فقه شیعه امامیه دارای تفاوت‌هایی است که در ذیل به بیان تفصیلی اقامه در فقه مذاهب اسلامی می‌پردازیم:

شیعه امامیه: اقامه دارای ۱۷ فصل است و براساس ترتیب اذان گفته می‌شود. فقط از چهار تکبیر اول، دو تکبیر گفته می‌شود و بعد از جمله: *حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ*، دو بار *قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ* گفته می‌شود و ذکر *لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ* یک مرتبه می‌باشد. مذاهب اهل سنت: بین مذاهب اهل سنت تفاوت‌هایی در اقامه وجود دارد که ملاحظه خواهید کرد. (۱)

ص: ۴۲

الفاظ اقامه

اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه نزد تمامی مذاهب به جز حنفیه که گفته اند چهار بار گفته شود.
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۱ مرتبه نزد شافعیه، مالکیه و حنابله ولی نزد شیعه امامیه و حنفیه دوبار گفته می شود
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ۱ مرتبه نزد شافعیه، مالکیه و حنابله ولی نزد شیعه امامیه و حنفیه دوبار گفته می شود

ص: ۴۳

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيَّ اللَّهِ ۲ مرتبه فقط امامیه مستحب می‌داند و جزء اقامه نیست.
 حَى عَلَى الصَّلَاةِ ۱ مرتبه نزد شافعیه، مالکیه و حنابله ولی نزد شیعه امامیه و حنفیه دوبار گفته می‌شود.
 حَى عَلَى الْفَلَاحِ ۱ مرتبه نزد شافعیه، مالکیه و حنابله ولی نزد شیعه امامیه و حنفیه دوبار گفته می‌شود.
 حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ۲ مرتبه فقط نزد شیعه امامیه؛ مذاهب اهل سنت اصلاً آن را نمی‌گویند.
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ ۲ مرتبه نزد تمامی مذاهب به جز مالکیه که یک بار گفته‌اند.
 اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه نزد تمامی مذاهب
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۱ مرتبه نزد تمامی مذاهب. (۱)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۲۳؛
 و کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه، مبحث اذان و اقامه.

ص: ۴۵

ارکان، واجبات، مبطلات

نماز

شیعه امامیه:

ارکان نماز: ارکان نماز پنج تاست:

۱. نیت. ۲. قیام. ۳. تکبیره الاحرام. ۴. رکوع. ۵. سجود. (۱) واجبات نماز: یازده عمل از واجبات نماز شمرده شده است:

۱. نیت

۲. قیام

۳. تکبیره الاحرام

۴. رکوع

۵. سجود

۶. قرائت

۷. ذکر

۸. تشهد

۹. سلام

۱- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی ره، ج ۱، فصل فی أفعال الصلاة.

ص: ۴۶

۱۰. ترتیب

۱۱. موالات. (۱) مبطلات نماز

یازده عمل نماز را باطل می‌کند:

۱. حدث اکبر و اصغر (۲) ۲. تکفیر (دست بسته نماز خواندن، تکتف) عمداً نماز را باطل می‌کند.

۳. انحراف بدن از جهت قبله

۴. صحبت نمودن عمدی ولو دو حرف باشد

۵. قهقهه عمدی ولو اضطراراً مبطل نماز است، اما در صورت سهو مبطل نیست

۶. گریه عمدی برای دنیا

۷. هرکاری که شکل نماز را به هم می‌زند

۸. خوردن و آشامیدن

۹. گفتن عمدی «آمین» پس از فاتحه‌الکتاب

۱- العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲- حدث اکبر مثل جنابت، حیض و نفاس، که برای انجام مجدد یک عمل عبادی مثل نماز؛ باید محدث به حدث اکبر غسل انجام دهد. حدث اصغر به عملی گفته می‌شود که وضو را باطل می‌کند.

ص: ۴۷

۱۰. شک در عدد رکعات نمازهای سه رکعتی و دو رکعتی و نیز شک در دورکعت اول نمازهای چهار رکعتی
 ۱۱. زیاد کردن و یا کم کردن اجزاء نماز، اگر آن جزء از ارکان نماز باشد چه عمداً و چه سهواً نماز را باطل می‌کند و اگر رکن
 نباشد فقط در حال عمد مبطل است. (۱) سلفیه:

سلفیه برای نماز ارکان و واجباتی ذکر کرده‌اند که با توجه به ضرورت آشنا شدن با فقه آنان؛ مواردی را نقل می‌کنیم:

ارکان نماز

۱. قیام، در صورت قدرت و توانایی

۲. تکبیره الإحرام

۳. قرائت فاتحه‌الکتاب

۴. رکوع

۵. قیام بعد از رکوع

۶. سجده (هفت موضع از بدن روی زمین باشد)

۷. سر از سجده بلند کردن

۱- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۸۶، ۱۹۰.

ص: ۴۸

۸. جلسه استراحت بین دو سجده

۹. طمأنینه در تمامی افعال نماز

۱۰. مراعات ترتیب

۱۱. تشهد آخر

۱۲. نشستن برای خواندن تشهد آخر

۱۳. صلوات بر پیامبر (ص)

۱۴. گفتن دو سلام در آخر نماز.

واجبات نماز

۱. تمامی تکبیرات در نماز، به جز تکبیره الإحرام که رکن می‌باشد

۲. گفتن: «سمع الله لمن حمده» برای امام جماعت و کسی که نماز فرادا می‌خواند

۳. گفتن: «ربنا و لك الحمد» برای تمامی نمازگزاران

۴. گفتن: «سبحان ربی العظیم» در رکوع

۵. گفتن: «سبحان ربی الأعلى» در سجده

۶. گفتن: «رب اغفر لی» بین دو سجده

۷. خواندن تشهد اول

۸. جلوس برای خواندن تشهد اول.

ص: ۴۹

مبطلات نماز:

۱. صحبت عمدی

۲. خنده

۳. خوردن

۴. آشامیدن

۵. کشف عورت

۶. انحراف زیاد از جهت قبله

۷. کار بیهوده و پشت سرهم؛ در نماز انجام شود

۸. طهارت زائل شود. (۱)

۱- الدروس المهمه، بن باز، صص ۶ ۹.

ص: ۵۰

نماز جماعت

شیعه امامیه: نماز جماعت از مستحبات مؤکده است. (۱) حنفیه: نظریه راجح در مذهب حنفیه وجوب نماز جماعت است یا لااقل مستحب مؤکد است که در حکم واجب می‌باشد و روی همین اساس علمای این مذهب تصریح کرده‌اند کسی که نماز جماعت را ترک کند فاسق است و باید تعزیر شود. (۲) مالکیه: مستحب است.

اکثر شافعیه: مستحب است. (۳) اقلیت شافعیه: بنا بر قول صحیح تر، نماز جماعت واجب کفایی است و شافعی در کتاب «أمّ» می‌گوید: اجازه نمی‌دهم

کسی که توانایی حضور در نماز جماعت را دارد، آن را ترک کند. (۴)

۱- العروه الوثقی، ج ۱، ص ۷۶۲.

۲- حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۴۹۳.

۳- الفقه علی المذاهب الخمسه، کتاب الصلاه، مبحث نماز جماعت.

۴- مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۶. أمّ، شافعی، ج ۱، ص ۱۸۰.

ص: ۵۱

حنابله: واجب عینی است. شرکت در نماز جماعت بر هر فردی که توانایی دارد واجب است و اگر ترک کند گناه کرده ولی نماز فرادای او صحیح است. (۱) سلفیه: اگر کسی نمازهای یومیه را بدون عذر در مسجد به جماعت نخواند، کافر نمی‌شود، ولی چون ترک واجب (ترک نماز جماعت) کرده؛ گناهکار است. (۲)

قراأت حمد اقتدا کنندگان

شیعه امامیه: بر اقتدا کننده واجب است در نماز ظهر و عصر (نمازهای اخفاتی) و نیز در نماز مغرب و عشا و صبح (نمازهای جهریه) اگر صدای امام جماعت را می‌شنود، قراأت حمد و سوره را ترک کند ولی اگر در نمازهای جهریه صدای امام جماعت را نمی‌شنود ولو به صورت همهمه مستحب است آرام قراأت کند. (۳) شافعیه: در نماز ظهر و عصر مأموم نیز حمد و سوره بخواند و در نمازهای صبح و مغرب و عشا که حمد و سوره را امام جماعت

۱- الفقه علی المذاهب الخمسه، کتاب الصلاه، مبحث نماز جماعت.

۲- فتاوی اللجنة الدائمہ، ج ۷، ص ۲۸۵، فتاوی شماره ۱۵۹۱.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۰.

ص: ۵۲

بلند می‌خواند؛ متابعت نکند (نخواند) ولی بر مأوم واجب است سوره فاتحه‌الکتاب را در تمام رکعات بخواند. (۱) حنفیه: مأوم در هیچیک از نمازها در قرائت از امام متابعت نکند (نخواند) بلکه از ابوحنیفه نقل شده است که قرائت مأوم در نماز جماعت معصیت است. (۲) مالکیه: در نمازهای ظهر و عصر؛ مأوم نیز واجب است قرائت کند ولی در نمازهای صبح و مغرب و عشا نباید حمد و سوره را قرائت نماید. (۳) حنابله، سلفیه: واجب است بر امام جماعت و هم بر مأوم، سوره فاتحه‌الکتاب را در تمامی رکعات نماز قرائت کنند؛ و این قرائت سوره حمد از واجبات رکنیه است و مراعات و وجوب آن بر هر نمازگزار امام جماعت، مأوم و منفرد لازم می‌باشد. البته مستحب است امام جماعت در رکعت سوم و چهارم نماز ظهر، علاوه بر قرائت فاتحه‌الکتاب، مقداری سوره بخواند. (۴)

۱- أمّ، شافعی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲- شرح المهدّب، نووی، ج ۳، ص ۳۶۵.

۳- المجموع، نووی، ج ۳، ص ۳۶۵؛ والفقہ علی المذاهب الخمسة، مبحث نماز جماعت.

۴- کتاب فتاوی اللجنه الدائمہ، بن باز، ج ۶، ص ۳۹۰.

نظم در صفوف نماز (تسویه صفوف)

شیعه امامیه:

منظم بودن صفوف نماز گزاران، اعتدال آن، پر کردن جاهای خالی صفهای جلو، قرار گرفتن شانه‌ها در کنار هم و محاذات یکدیگر، از مستحبات نماز جماعت است. (۱) مذاهب چهارگانه اهل سنت:

مذاهب چهارگانه اهل سنت برای نظم صفهای نماز اهمیت فراوان قائل هستند و هنگام اقامه نماز، صفهای نماز را از صف اول منظم کرده و کامل می‌کنند و شانه‌ها و پاها را در یک ردیف قرار می‌دهند و معتقدند که اگر بین دو نفر جای خالی باشد شیطان حضور پیدا خواهد کرد، و لذا بر این باورند فردی که در صف بعدی قرار گرفته فوراً جای خالی صف جلوی خود را پر کند. حتی امام جماعت، قبل از گفتن تکبیره‌الایحرام و وارد شدن به نماز، به طرف نماز گزاران بر می‌گردد و پس از مشاهده صف نماز؛ با ادای جملائی از قبیل: اِسْتَوُوا، اِعْتَدِلُوا، سَوُّوا صُفُوفَكُمْ، وَلَا تَخْتَلِفُوا، سَوُّوا صُفُوفَكُمْ فَإِنَّ تَسْوِيَةَ

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۰۴.

ص: ۵۵

الصُّفُوفِ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ، و ... به زبان عربی دستور می‌دهد صفها را منظم کنید.

حنابله: اگر نماز گزار به تنهایی در پشت یک صف قرار بگیرد که آن صف هنوز جا دارد و پر نشده است، نماز جماعت او باطل است. اما اگر با افراد دیگر در صفی باشند که صف جلوی آنها جا دارد، نماز در این صف بعدی کراهت دارد. (۱) بعضی از فقهای اهل سنت نظم صفوف را واجب می‌دانند. (۲) اما اکثریت علمای اهل سنت؛ منظم ساختن صفهای نماز جماعت را مستحب می‌دانند و اگر در صفهای جماعت جای خالی بماند، مکروه می‌دانند. (۳) در روایتی از نعمان بن بشیر چنین آمده است: «رسول خدا (ص) صفهای نماز ما را منظم می‌کرد؛ آنگاه که ما منظم می‌ایستادیم، تکبیرة الإحرام می‌گفت». (۴) سلفیه: دوفتوای متعارض دارند:

- ۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۹.
- ۲- مانند ابن حزم اندلسی، المحلّی، مبحث نماز جماعت.
- ۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۹؛
نیل الأوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۱۸۸
- ۴- سنن أبی داود؛ نیل الأوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۱۸۷.

ص: ۵۶

۱ تسویه صفوف ومحاذات قرار گرفتن پاها و شانه‌های نمازگزاران، واجب است. وجایز نیست دریک صف فضای خالی بماند و بین افراد یک صف، فاصله‌ای وجود داشته باشد. (۱) به همین جهت است که وقتی شما در صف قرار می‌گیرید مأموم کنار شما سعی می‌کند پایش را به پای شما بچسباند.

۲ تسویه صفوف و قرار گرفتن شانه‌های نمازگزاران در یک خط، سنت است. (۲)

۱- کتاب فتاوی‌ اللجنه الدائمه، بن باز، ج ۸، ص ۱۴.

۲- همان.

فاصله بین صفوف در نماز جماعت

شیعه امامیه: لازم است بین امام جماعت و مأوم حائل و مانعی وجود نداشته باشد و اتحاد مکانی نیز موجود باشد و صفوف جماعت به هم متصل باشند. پس اگر مانعی باشد که نمی‌گذارد مأوم امام جماعت یا صفهای جلو را مشاهده کند در این صورت نماز جماعت صحیح نیست. البته وجود حائل و نصب پرده بین صف مردها و زنها در نماز جماعت اشکال ندارد و نماز زن در پشت پرده و حائل صحیح است. (۱) فقهای شیعه درباره اتصال صفوف نماز جماعت چنین نوشته‌اند:

مأومین باید با امام جماعت مرتبط باشند و ارتباط آنها یابدون واسطه است که بین امام و مأوم نباید بیش از یک گام فاصله باشد یعنی از محل سجده مأوم تا محل ایستادن امام یا با واسطه سایر مأومین است که از جلو یا سمت راست یا چپ باید این ارتباط برقرار باشد و بین نماز گزار

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۷؛

الفرقه علی المذاهب الخمسة، مبحث نماز جماعت.

ص: ۵۸

وصف جلو یا کسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد بیش از یک گام فاصله نباشد. (۱) اکنون توجه خوانندگان گرامی را به روایاتی چند در این خصوص جلب می‌کنم:

۱. قال أبو جعفر (ع): «ينبغي أن يكون الصفوف تامّة متواصله بعضها من بعض...» (۲).

۲. قال أبو عبد الله الصادق (ع): «أتموا الصفوف إذا وجدتم خللاً ولا يضرّك أن تتأخّر إذا وجدت ضيقاً في الصف...» (۳). قال أبو عبد الله الصادق (ع): «قال أمير المؤمنين (ع): قال رسول الله (ص): لا تكوننّ في العيكل [العشکل، خل] قلت: وما العيكل؟ قال: أن تصلّي خلف الصفوف وحدك فإن لم يمكن الدخول في الصف قام حذاء الامام أجزاءه، فإن هو عاند الصف فسد عليه صلاته» (۴).
در خصوص نماز جماعت، شرائط دیگری نیز در فقه شیعه امامیه آمده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- توضیح المسائل مراجع، مسأله ۱۴۳۶ ۱۴۳۵.

۲- الکافی، ج ۳، ص ۳۸۵.

۳- تهذیب، ج ۳، ص ۲۸۰.

۴- همان، ج ۳، ص ۲۸۲.

ص: ۵۹

محل استقرار امام جماعت بالاتر از محل ایستادن مأمومین نباشد.

مأموم از امام جماعت فاصله نداشته باشد. (۱) شافعیه: اگر بین امام و مأموم فاصله بیش از ۳۰۰ ذراع ۱۵۰ متر نباشد، اشکالی ندارد و جماعت صحیح است، بشرطی که حائلی مانند پرده یا دیوار نباشد. (۲) حنفیه: اگر فردی در خانه‌اش به امام جماعت مسجدی که چسبیده به خانه‌اش است، اقتدا کند و فقط دیواری حائل باشد، اقتدای او به امام جماعت آن مسجد صحیح است.

مالکیه: اختلاف مکان امام جماعت و مأموم مانع از صحت اقتدا نیست. بنابراین جاده، رودخانه، جوی آب یا دیوار، مانع جماعت نیست؛ بشرطی که مأموم از حال امام جماعت آگاه باشد. (۳) حنابله: مراعات اتصاف صفوف در مسجدی که بزرگ است لازم نیست. پس اگر در آخر مسجد صف بسته شود و وسط مسجد خالی باشد، در حالی که امام جماعت و چند صف در

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۸۷۷۷.

۲- مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۲۵۰.

۳- الفقه علی المذاهب الخمسة، مبحث نماز جماعت.

ص: ۶۰

اول مسجد باشند، این نوع اقتدا صحیح است. اگر نماز گزار امام جماعت و یا صف جلو را نبیند، ولی صدای تکبیر را بشنود، می‌تواند به این نماز جماعت بپیوندد و اقتدا کند. (۱) لازم به توضیح است که طبق فتوای مراجع عظام تقلید، شرکت در نماز جماعت اهل سنت در مکه و مدینه لازم و خوب است و آنچه آنان در نماز جماعت عمل می‌کنند از قبیل طولانی بودن فاصله صفوف موجب بطلان نماز نمی‌شود زیرا آنها طبق فقه مذهب خویش، صحیح عمل می‌کنند و طبق نظریه حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و برخی از مراجع عظام دیگر؛ این نماز جماعت نیاز به اعاده ندارد و صحیح و مجزی است. (۲)

۱- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۲، ص ۳۸ ۳۹، چاپ رحلی، بیروت، لبنان.

۲- مناسک حج محشی، استفتاءات جدید شماره ۲۰، ص ۵۵۸؛

همان، ص ۵۱۵؛ استفتاءات ویژه حج، ص ۴۱.

مأموم از امام جماعت، جلوتر قرار نگیرد

تمامی مذاهب اسلامی در این حکم اجماع دارند که فرد اقتدا کننده نباید جلوتر از امام جماعت بایستد. بنابراین زائران بیت‌الله‌الحرام و مدینه منوره به نکات ذیل دقت فرمایند:

۱. در فضای بیرونی مسجد النبی (مقابل حرم بقیع، بین الحرمین) اقتدا کننده از صف متصل به داخل مسجد جلوتر نایستد، زیرا در این صورت جلوتر از امام جماعت قرار می‌گیرد و نماز او اشکال دارد؛ چنانکه تابلوهای مخصوص نیز در آنجا نصب کرده‌اند.
۲. نماز جماعت مسجد الحرام از ویژگی خاصی برخوردار است؛ چون نماز در آن مکان مقدس به صورت استداره (دایره‌ای) اقامه می‌شود؛ و ملاک، دیوار کعبه است یعنی اگر امام جماعت در فاصله یک متری کعبه است، فرد

ص: ۶۲

اقتداکننده می‌بایست عقب‌تر از امام قرار بگیرد و لو در مقابل امام جماعت باشد. البته به فتوای بعضی از مراجع عظام، نماز جماعت در مسجد الحرام که به صورت استداره‌ای برگزار می‌شود، مجزی نیست؛ که در این صورت باید اقتداکننده پشت سر امام جماعت به نماز بایستد. (۱) البته حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص فرموده‌اند: کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است، با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد. (۲)

پس معلوم گردید به هر حال، مأموم نباید از امام جماعت جلوتر قرار گیرد. (۳)

۱- مناسک حج محشی، مسأله: ۱۳۳۶، ص ۵۱۶.

۲- همان.

۳- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۸۷۷.

خواندن آیه دارای سجده واجب در نماز جماعت اهل سنت

گاهی اوقات در نماز جماعت صبح روز جمعه در مدینه منوره و مکه مکرمه امام جماعت سوره‌ای را که در آن آیه دارای سجده واجب است، می‌خواند (سوره ألم سجده) و پس از قرائت آیه مزبور با گفتن «اللّٰهُ أَكْبَرُ» به سجده می‌رود و پس از انجام سجده، قیام می‌کند و سوره را ادامه می‌دهد. این عمل طبق نظریه علمای اهل سنت جایز است و خللی به صحّت نماز آنان وارد نمی‌کند. بعضی از نمازگزاران که توجه به آیه سجده‌دار ندارند، به خیال اینکه امام جماعت می‌خواهد به رکوع برود به رکوع می‌روند و با اضافه نمودن رکن، نماز خود را باطل می‌کنند. در این باره فقهای شیعه امامیه نظریاتی دارند که به صورت مفصل در مناسک حج محشی چاپ نشر مشعر تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۵۴ ۵۵۶ آمده است.

ص: ۶۴

شیعه امامیه: فقهای شیعه خواندن سوره‌های دارای سجده واجب را سور عزائم در نمازهای فریضه جایز نمی‌دانند. پس هرگاه نماز گزار عدم جواز را فراموش کرد و آن را خواند، و یا در حال نماز آن را شنید، هنگامی که به آیه سجده رسید با ایما و اشاره سجده کند و پس از فراغ از نماز، سجده را انجام دهد. (۱) مراجع عظام تقلید، وظیفه شیعیان را که همان تبعیت و صحت نماز است در مناسک بیان کرده‌اند؛ ولی اگر نماز گزار رکوع اضافه کند، می‌بایست نماز خود را اعاده نماید. (۲) سلفیه: مستحب است امام جماعت در رکعت اول نماز صبح روز جمعه سوره ألم سجده را قرائت کند و در رکعت دوم سوره هل أتى را بخواند. (۳) شایان ذکر است که وهابیان انجام سجده تلاوت را واجب نمی‌دانند بلکه می‌گویند: سجده تلاوت مستحب مؤکد است و سزاوار نیست ترک شود. پس اگر انسان به آیه سجده مرور کرد، سجده کند و فرقی نیست بین این که خودش قرائت کند

۱- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲- مناسک حج محشی، استفتاءات جدید شماره ۱۶، ص ۵۵۵.

۳- فتاوی اللجنه الدائمه، بن باز، ج ۶، ص ۴۱۸، فتاوی شماره، ۶۲۷۸

ص: ۶۵

و یا در نماز جماعت باشد؛ سجده برای آیه سجده‌دار وجوب ندارد و اگر انسان عمداً ترک کند گناه نکرده است. (۱)

۱- کتاب فتاوی المرأة، بن عثیمین، ص ۴۹

کیفیت اقتدا در بین نمازجماعت

شیعه امامیه: اگر نماز گزار در رکعت دوم به نماز جماعت برسد؛ چنانچه در فاصله بین فاتحه‌الکتاب تا رکوع اقتدا نماید رکعت اول او حساب می‌شود.

اقتدا در رکعت سوم و یا چهارم در حال رکوع نیز رکعت اول اقتدا کننده محسوب می‌شود، سپس نماز گزار در افعال با امام جماعت متابعت می‌کند. فقط در رکعت دوم خودش، باید حمد را بخواند و اگر وقت بود سوره را هم بخواند.

اقتدا از آغاز رکعت سوم و یا چهارم و قبل از رکوع جایز است لیکن اقتدا کننده باید حمد را بخواند ولی اگر وقت نبود صبر کند و در حال رکوع امام جماعت؛ به او اقتدا کند. (۱) شافعیه: آنچه مأموم با امام خوانده اول نمازش حساب کند نه آخرش؛ پس اگر رکعتی از نماز مغرب را با امام جماعت درک کرد، آن را رکعت اول نمازش حساب کند؛ سپس بعد از سلام امام جماعت، برای رکعت دوم برخیزد و رکعت دوم را

۱- توضیح المسائل مراجع، مسأله: ۱۴۴۰ تا ۱۴۴۲.

ص: ۶۷

فردا بخواند و تشهد را انجام دهد سپس رکعت سوم را بخواند؛ این آخر نماز او حساب می‌شود. (۱) سلفیه: اگر کسی در نماز چهاررکعتی توانست دو رکعت را با امام جماعت بخواند، صحیح آن است که وی اول نمازش را با دو رکعت آخر امام جماعت انجام داده، و باید دو رکعت باقیمانده را به‌طور فردا بخواند. و این دو رکعت، آخر نماز او خواهد بود. (۲)

حنفیه، مالکیه، حنابله: مأموم، در هر قسمت از نماز که به امام جماعت اقتدا می‌کند، عدد رکعت نمازش همانند امام جماعت محسوب می‌شود. پس اگر رکعت سوم را در نماز مغرب با امام جماعت درک کرد آن را رکعت سوم خودش هم محاسبه کند؛ سپس بعد از سلام امام، یک رکعت بخواند و در پایان، رکعت دیگری بیاورد و حمد و سوره در آن بخواند. خلاصه نماز گزار در این نماز، رکعت سوم خودش را بر دو رکعت اول مقدم داشته است، آنچه که با امام جماعت خوانده است آخر نمازش بوده و آنچه را بعد از امام جماعت

۱- فتح الوهاب، ج ۱، ص ۱۱۸؛ والفقہ علی المذاهب الخمسة، مبحث نماز جماعت.

۲- فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۷، ص ۳۲۱.

ص: ۶۸

خوانده‌است اول نمازش می‌باشد که قضا می‌کند و باتشهد و سلام از نماز فارغ می‌شود. (۱)

۱- حاشیه ابن عابدین، ج ۱، صص ۵۰۴-۴۹۹؛ بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۳۷؛
الفرقه علی المذاهب الخمسه، مبحث نماز جماعت.

اقتدا در غیرحالت قیام و رکوع

شیعه امامیه: هر گاه بخواهد فضیلت نماز جماعت را درک کند، اگر پس از رسیدن به جماعت، مشاهده کرد امام جماعت در حال تشهد است؛ باید پس از نیت و گفتن تکبیرة الاحرام بنشیند و امام جماعت را در حال تشهد درک کند؛ آنگاه پس از سلام امام بایستد و رکعت اول را با خواندن حمد و سوره ادامه دهد؛ در این صورت او فضیلت نماز جماعت را درک کرده است ولو رکعتی از نماز او به حساب نمی‌آید. (۱) مذاهب اهل سنت: مذاهب اهل سنت و جمود متابعت را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند به مجردی که مأموم به نماز جماعت رسید، بدون درنگ اقتدا کند تا مخالفت با امام جماعت نکرده باشد. (۲)

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲- حاشیه ابن عابدین، ج ۱،

ص: ۷۰

محمد بن ادريس شافعی در این باره گفته است: مأموم هنگامی می‌تواند یک رکعت جماعت را درک کند که قبل از برخاستن امام جماعت از رکوع، وی را درک کرده باشد. (۱)

سلفیه: کسی که فقط به تشهد اخیر امام جماعت رسید، ثواب نماز جماعت را بدست آورده لیکن برای او یک رکعت نماز به حساب نمی‌آید؛ وی درک کننده نماز جماعت نبوده است. (۲)

۱- أمّ، شافعی، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲- فتاوی اللجنه الدائمہ، بن باز، ج ۷، ص ۳۲۱، فتاوی شماره ۷۳۷۱.

ص: ۷۱

عدم لزوم تجافی

در نماز جماعت اهل سنت

تجافی عبارت است از نیم‌خیز نشستن فردی که در بین نماز جماعت به آن پیوسته است، در حالی که امام جماعت مشغول خواندن تشهد یا سلام است.

در نماز جماعت اهل سنت تجافی اصلاً وجود ندارد؛ زیرا طبق نظریه حنابله، مالکیه و حنفیه هرگاه مأموم در بین نماز به امام جماعت اقتدا کند، نمازش را با امام جماعت به پایان می‌برد و باقیمانده را خودش انجام می‌دهد. لذا در مورد مسأله اقتدا در فقه اهل سنت، تبعیت محض مطرح است. (۱) لازم به توضیح است شیعیان در زمانی که در نماز جماعت اهل سنت شرکت می‌کنند اگر در بین نماز به مسجد رسیدند، از انجام عمل تجافی خودداری نمایند و فقط همانند آنان در حال

۱- الفقه علی المذاهب الخمسه، مبحث نماز جماعت.

ص: ۷۲

تشهد، جلوس کنند؛ در این صورت نماز جماعت آنان صحیح و مجزی می‌باشد.

در این خصوص استفتائی از حضرت امام خمینی (قدس سره) و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی شده است که توجه خوانندگان گرامی را به متن استفتاء و پاسخ آن جلب می‌کنم:

سؤال هر گاه برای تحبیب قلوب و وحدت مسلمین در نماز جماعت برادران اهل تسنن شرکت کنیم که قهراً نماز، فاقد جزء یا شرط یا همراه با مانع باشد؛ با فرض اینکه اضطرار و ضرورتی نیست و مکلف می‌تواند در مکان دیگر یا زمان دیگر بدون هیچ اشکالی به طریق شیعه نماز بخواند. و همچنین در تقیه در موضوعات، مثل وقوف در عرفات در روزی که قاضی اهل سنت حکم کرده، با اینکه شک دارد یا یقین به خلاف دارد آیا وقوف با برادران اهل تسنن مجزی است؟

جواب حضرت امام خمینی (قدس سره): صحیح است و اعاده و قضا ندارد و تبعیت در موافق لازم است. (۱) مقام معظم رهبری مدظله‌العالی: نماز با آقایان صحیح و مجزی است هر چند بتواند در جای دیگر آزادانه نماز بخواند و تبعیت از

ص: ۷۳

حکم قاضی در تعیین موقف و روز عید و اکتفا به چنین وقوف اشکال ندارد و صحیح و مجزی است. (۱)

۱- همان، ص ۴۱.

کیفیت نماز مسافر در نمازهای جماعت

شیعه امامیه: بر مسافر واجب است که نمازهای چهار رکعتی را در سفر دور رکعتی بخواند و فرق نمی‌کند مسافر به امام جماعت مقیم اقتدا کند، یا مقیم به امام جماعت مسافر اقتدا نماید. به هر حال مسافر می‌بایست نیت قصر کند و نمازش را شکسته بخواند. (۱)

مذاهب اهل سنت: اگر مسافر به امام جماعت مقیم اقتدا کند بر او لازم است که نمازش را همانند مقیم تمام بخواند. (۲)

۱- الخلاف، شیخ طوسی ره، ج ۱ ص ۲۰۸.

۲- أم، شافعی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۰۸، ۱۹۸؛ حاشیه ابن عابدین،

ج ۱، ص ۶۲۶؛ الموطأ، مالک بن انس، ج ۱، ص ۱۴۹؛ الفقه علی المذاهب

ص: ۷۵

قصر و اتمام

تمامی مذاهب اسلامی در این حکم اجماع دارند که نماز شکسته فقط به نمازهای چهار رکعتی اختصاص دارد و در سفر دو رکعتی خوانده می‌شود.

لیکن تفاوتی بین آرای آنان است که آیا قصر در سفر «عزیمت» است یعنی ترک آن جایز نیست یا «رخصت» است که ترک نماز شکسته جایز باشد؛ یعنی مسافر مخیر شود بین انجام نماز به صورت قصر و یا اتمام یکی را انتخاب کند.

شیعه امامیه، حنفیه: «عزیمت» است و قصر متعین می‌باشد. (۱) حنابله، مالکیه، شافعیه: «رخصت» است؛ بنابراین مسافر اختیار دارد نمازش را تمام بخواند یا شکسته بجا آورد. (۲)

۱- مستمسک العروة الوثقی، ج ۶، ص ۱۳؛ بدائع الصنائع، ابوبکر الکاظمی،

ج ۱، ص ۹۱؛ المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲- أمّ، شافعی، ج ۱، ص ۲۰۸.

ص: ۷۶

مسافت شرعی

شیعه امامیه: فرد مقیم پس از هشت فرسخ مسافت طولی و دور شدن از وطن خود و یا مجموع رفت و برگشت او هشت فرسخ شود، مسافر می‌شود. (۱)

حنفیه: مسافت به طول ۲۴ فرسخ، فرد مقیم را مسافر می‌کند. و در کمتر از آن، نماز تمام است و شکسته نمی‌شود. حنابله، مالکیه، شافعیه: با مسافت به طول ۱۶ فرسخ، فرد مقیم، حکم مسافر را پیدا می‌کند. (۲) بنابراین مسافت شرعی طبق نظریه مذاهب اسلامی به شرح زیر است:

شیعه امامیه: ۴۵ کیلومتر.

حنابله، مالکیه، شافعیه: ۸۰ کیلومتر و ۶۴۰ متر.

سلفیه: ۸۰ کیلومتر. (۳) حنفیه: ۱۰۷ کیلومتر و ۵۲۰ متر.

۱- به نظریه فقهی حضرت امام خمینی، مسافت شرعی ۲۲ / ۵

کیلومتر رأس ۴ فرسخ است

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۳، شروط القصر

۳- کتاب فتاوی‌اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۸، ص ۹۰.

ص: ۷۷

مقدار فرسخ نزد مذاهب اهل سنت

فرسخ، واژه‌ای معرب از فارسی فرسنگ است و مقدار آن سه میل می‌باشد. (۱)

بر اساس گزارش صاحب کتاب فقه السنه، معروف آن است که فرسخ سه میل می‌باشد.
میل: ۱۷۴۸ متر است و مقدار فرسخ عبارت است از:
۵ کیلومتر و ۵۴۱ متر ۵۵۴۱ متر. (۲)

- ۱- سبل السلام، ج ۲، ص ۳۹.
- ۲- فقه السنه، سید سابق، ج ۱، ص ۲۸۴.
- والفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۳، شروط القصر.

مسافر، چگونه مقیم می‌شود؟

شیعه امامیه: اگر مسافر قصد اقامت ده روز متوالی در مکانی غیر از وطن خود نماید، حکم فرد مقیم را پیدا می‌کند و باید نمازهای خود را چهاررکعتی بخواند. (۱) حنفیه: اگر مسافر قصد اقامت پانزده روز متوالی در مکانی غیر از وطن خود نماید، حکم فرد مقیم را پیدا می‌کند و باید نمازهای خود را چهاررکعتی بخواند. (۲) شافعیه، مالکیه: اگر مسافر قصد اقامت چهار روز متوالی در مکانی غیر از وطن خود نماید، حکم فرد مقیم را پیدا می‌کند و باید نمازهای خود را چهاررکعتی بخواند. (۳) حنابله: اگر مسافر در مکانی غیر از وطن خود به مقداری بماند که بیش از بیست نماز از فرائض یومیه بر او واجب شود، باید نمازها را چهاررکعتی بخواند. (۴)

۱- الخلاف، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۵۷۳.

۲- بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۱۶۳؛ المجموع، ج ۴، ص ۳۶۴.

۳- همان.

۴- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۲، ص ۲.

ص: ۷۹

سلفیه: مسافری که قصد دارد در شهری بیش از چهار روز بماند، نماز او تمام است. اما اگر قصد او اقامت کمتر از چهار روز باشد، نماز را شکسته بخواند. (۱)

۱- کتاب فتاوی‌اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۸، ص ۹۵.

ص: ۸۰

سجده بر مهر

تمامی مذاهب اسلامی بر این باورند که در حال نماز، سجده بر زمین واجب است و بر اساس روایت نبوی (ص) که فرمودند: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا».

یعنی: برای من زمین، محل سجده نمودن و نیز پاک کننده قرار داده شده است. (۱) پس سجده نمودن بر خاک؛ بدون تردید صحیح می‌باشد.

امام صادق (ع) در روایتی فرمود: «خدای تبارک و تعالی به رسول خدا (ص) شریعت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی را عطا کرد ... و زمین را برای او محل سجده و پاک کننده قرار داد». (۲) رسول خدا (ص) فرمود: «پروردگار من، مرا بر انبیاء به چهار چیز فضیلت داد: ۱. برای همه مردم رسول شدم.

۱- صحیح مسلم، کتاب المساجد، ح ۵۲۱؛

صحیح بخاری، کتاب التیمم ح ۳۳۵.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۹.

ص: ۸۱

۲. زمین، برای من و امتم محل سجده و پاک کننده قرار داده شد؛ پس هر جا فردی از امت من خواست نماز بگذارد، محل سجده و نیز پاک کننده در اختیار او قرار دارد... (۱) ابن عباس در روایتی چنین می گوید: پیامبر خدا (ص) بر سنگ سجده می نمود. (۲) جابر بن عبدالله انصاری گفت: همراه با رسول خدا (ص) نماز ظهر را می خواندم، به سبب گرمای زیاد، به اندازه یک مشت، سنگ به دست می گرفتم تا سرد شود؛ سپس بر آن سجده می کردم. (۳) عیاض بن عبدالله قرشی می گوید: پیامبر خدا (ص) مردی را دید که بر گوشه عمامه اش سجده می کرد. پیامبر خدا (ص) با دست به وی اشاره کردند عمامه خود را بالا بکش و اشاره به پیشانی او نمودند. (۴) در سالهای نخستین طلوع اسلام و حتی تا چندین قرن بعد، سجده نمودن بر زمین و حصیر، کاری همیشگی و عادی بوده است؛ ولی گهگاهی به جهت گرمای زیاد و عذر و عدم

۱- السجود علی الأرض، الشیخ علی الأحمدی ره، ص ۳۸.

۲- سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۲؛ سنن ابی داود ج ۱، ص ۱۴۳؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۱۶۳.

۳- سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴- سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

ص: ۸۲

توانایی و اضطرار، نماز گزاران به لباس خود به طور ناچار سجده می کردند.

نووی چنین نقل می کند: ابوحنیفه و جمعی از فقهای اهل سنت قائل به جواز سجده بر لباس هستند. (۱) لذا به روایتی استدلال شده که در آن سجده نمودن بر لباسی که نماز گزار پوشیده است جایز می باشد. روایت چنین است: «هنگامی که با پیامبر خدا (ص) نماز می خواندیم بر اثر گرمای زیاد گوشه لباسمان را در جای سجده قرار می دادیم». (۲) از آن هنگام که فرش و قالی که از مواد نفتی و غیر گیاهی تهیه شده، جای حصیر را گرفت؛ علمای اهل سنت به طور مطلق و بدون در نظر گرفتن اضطرار، به جواز سجده بر هر نوع فرش و قالی و ... فتوا دادند.

از اوزاعی استاد ابوحنیفه نقل شده است که او هرگاه قصد مسافرت داشت تکه‌ای خاک سفت شده (کلوخ) از شهر مدینه با خود بر می داشت تا بر آن سجده کند. علت این کار را از او سؤال کردند. وی پاسخ داد: بهترین قطعه از زمین،

ص ۸۳

۱- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۲؛ ص ۲۶۸.

۲- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۹.

ص: ۸۳

زمینی است که رسول خدا (ص) در آن مدفون شده است؛ دوست دارم که سجده من برای خداوند بر روی خاک مدینه باشد. (۱)

با توجه به عدم آشنایی اهل سنت نسبت به تربت حضرت سید الشهداء (ع) و سوء برداشت افراد مغرض، که گفته‌اند شیعه به «بت» سجده می‌کند و نیز با توجه به فتوا بر عدم جواز استفاده از مهر در آن فضاها، و نیز فتوای حضرت امام خمینی (قدس سره) و مقام معظم رهبری و دیگر فقیهان عظام بر جواز سجده نمودن بر فرش در مساجد مکه و مدینه، لازم است از سجده نمودن به مهر و تسبیح و دستمال کاغذی و ... در مسجدالنبی و مسجدالحرام و سایر مساجد عربستان اجتناب و خودداری شود.

متن فتوای امام خمینی (قدس سره) و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در خصوص سجده بر فرش:

حضرت امام خمینی (قدس سره): در مسجدالنبی (ص) سجده کردن بر روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست درجائی که سنگ است نماز بخواند ... (۲) س ۱۰۹: هنگام شرکت در نماز جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی یا سایر مساجد مکه و مدینه آیا می‌توان بر

۱- هذه هي الشيعة، العلامة باقر شريف القرشي، ص ۲۶۷، ۲۷۰.

۲- مناسك حج محشى، ص ۵۱۵، مسأله ۱۳۳۴، چاپ ۱۳۸۲.

ص: ۸۴

فرش سجده کرد یا نه؟ و در صورتی که بر فرش سجده نماید آیا اعاده آن لازم است یا نه؟
مقام معظم رهبری مدظله‌العالی: در نماز جماعت با آقایان، سجده بر فرش مانع ندارد و نماز صحیح و مجزی است و اعاده یا قضا ندارد. (۱)

۱- استفتاآت ویژه حج، ص ۴۰.

عبور از مقابل نمازگزار

شیعه امامیه: عبور از مقابل نمازگزار مکروه است چنانکه نماز خواندن در مکانی که افراد از مقابل او عبور می‌کنند نیز مکروه می‌باشد؛ اما نه بر عبور کننده حرام است و نه بر نمازگزار حرام است، بلکه مستحب است نمازگزار حائل و مانعی پیش روی خود قرار دهد، و اگر خوب یاریسمانی هم باشد کافی است. (۱) تمامی مذاهب چهار گانه اهل سنت عبور نمودن از مقابل نمازگزار را حرام می‌دانند. حتی حنفیه و مالکیه می‌گویند: بر نمازگزار حرام است در جایی نماز بخواند که محل عبور مردم از مقابلش باشد. این حرمت در زمانی است که بتواند جای مناسبی را انتخاب کند. ولی حنابله می‌گویند: مکروه است اگر نمازگزار جایی را که محل عبور باشد برای نماز انتخاب کند، و از حائل و مانع هم استفاده نماید. (۲)

۱- توضیح المسائل مراجع، ص ۵۲۳؛ و کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه، مبحث نماز.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۹۱، چاپ بیروت.

ص: ۸۶

حنابله، مالکیه، حنفیه: عبور از مقابل نمازگزار حرام است، بدون فرق بین اینکه حائل و مانعی در مقابل وی وجود داشته باشد یا حائلی نباشد. (۱) شافعیه: اگر نمازگزار از حائل استفاده کرده باشد عبور از مقابل او با وجود حائل و مانع نه حرمتی دارد و نه کراهتی. (۲) درباره عدم جواز عبور از مقابل نمازگزار، روایاتی از طرق اهل سنت نقل شده است؛ از جمله این روایت که مالک بن انس چنین نقل نموده است: «اگر مشغول نماز هستید اجازه ندهید کسی از مقابل شما عبور کند. او را از خود دور کنید. اگر عبور کننده اصرار ورزید تا از مقابل شما عبور کند، با او به جنگ و ستیز برآید، قطعاً او شیطان است». (۳) سلفیه: عبور نمودن از مقابل نمازگزار حرام است و فرق نمی‌کند مانعی مقابل نمازگزار باشد یا نباشد. (۴)

۱- همان.

۲- همان.

۳- الموطأ، مالک بن انس، ج ۱، ص ۱۵۴.

۴- کتاب فتاوی اللجنه الدائمه، بن باز، ج ۷، ص ۸۲.

اوقات نمازهای پنجگانه

اهل سنت نمازهای واجب را در پنج وقت می‌خوانند و شیعه امامیه نیز قائل به پنج وقت است، لیکن جمع بین نماز ظهر وعصر و نیز مغرب وعشا را مطلقاً جایز می‌داند، هم در سفر و حضر و در همه حال، که مجموعاً سه وقت می‌شود. (۱)

در فقه شیعه امامیه افضل، خواندن نماز در اول وقت است و آن را از مستحبات مؤکده ذکر کرده‌اند. (۲) مرحوم علامه حلی چنین نگاشته است: «واعلم أن لكل صلاة وقتين، أول وآخر، فالوقت الأول وقت الفضيلة والآخر وقت الاجزاء». (۳) در این خصوص به روایاتی چند توجه فرمائید:

قال الإمام أبو جعفر الباقر (ع): «أحب الوقت إلى الله عز وجل أوله حين يدخل وقت الصلاة فإن لم تفعل فإنك في وقت منها حتى تغيب الشمس». (۴)

۱- الخلاف، شیخ طوسی ره، ج ۱، ص ۵۸۸.

۲- منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۶۲.

۳- المنتهی، ج ۴، ص ۳۶.

۴- المعتمر، ج ۲، ص ۳۱.

ص: ۸۹

قال الإمام أبو عبدالله الصادق (ع): «إذا زالت الشمس دخل وقت الظهر والعصر جميعاً إلّا أن هذه قبل هذه ثم أنت في وقت منهما جميعاً حتى تغرب الشمس»^(۱).

برای آشنایی با اوقات نمازهای پنج‌گانه توجه شما را به مطالب ذیل جلب می‌کنم:

وقت نماز صبح

شیعه امامیه، حنفیه، شافعیه، حنابله:

نظر فقهی مذاهب اسلامی مزبور بر آن است که وقت شرعی نماز صبح از طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید می‌باشد، مگر مذهب مالکیه.

مالکیه: برای نماز صبح دو وقت است:

۱. اختیاری: از طلوع فجر تا هنگامی که هوا بمقداری روشن شود که چهره‌ها شناخته شود.

۲. اضطراری: از زمان شناختن چهره‌ها تا طلوع خورشید. (۲) وقت نماز ظهر و عصر

۱- وسائل الشیعه، أبواب المواقیات، باب ۳، ح ۵.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۰۳، چاپ بیروت؛

الفقه علی المذاهب الخمسة، مغنیه، مبحث نماز.

ص: ۹۰

شیعه امامیه: وقت ویژه نماز ظهر از ابتدای وقت ظهر (زوال خورشید) تا زمانی است که بتوان نماز ظهر را در آن وقت بجا آورد. اما وقت ویژه نماز عصر هنگامی است که در آخر روز فقط به مقدار یک نماز عصر وقت باقی باشد. در بین این دو زمان که به وقت ویژه معروف‌اند، وقت مشترک نماز ظهر و عصر قرار دارد. به همین جهت فقهای شیعه فرموده‌اند: جمع بین نماز ظهر و عصر در وقت مشترک جایز است.

البته بعضی از فقهای اهل سنت نیز جمع بین نماز ظهر و عصر را مطلقاً جایز می‌دانند. (۱) مذاهب چهارگانه اهل سنت می‌گویند: وقت نماز ظهر از آغاز زوال خورشید تا زمانی است که سایه هر چیزی به اندازه خودش شود و هنگامی که سایه طولانی‌تر شد، وقت نماز ظهر تمام شده است.

شافعیه، مالکیه: این وقت برای شرائط عادی است، اما در صورت اضطرار، وقت نماز ظهر تا نزدیک غروب توسعه پیدا می‌کند. البته حنفیه و شافعیه قائلند: وقت نماز عصر آن زمانی است که طول سایه هر چیزی از اندازه خودش افزون‌تر شود؛ این وقت تا غروب ادامه دارد.

۱- کتاب إزالة الخطر عن جمع بین الصلاتین فی الحضر.

ص: ۹۱

مالکیه همچنین قائلند: نماز عصر نیز دو وقت دارد:

۱. اختیاری: از آغاز افزون شدن سایه هر چیزی بیش از اندازه خودش تا هنگامی که زرد رنگ شود.

۲. اضطراری: از آغاز زرد رنگ شدن خورشید تا غروب آفتاب. (۱) وقت نماز مغرب و عشا

شیعه امامیه: وقت نماز مغرب و عشا چنین است:

وقت مخصوص نماز مغرب از آغاز غروب شرعی است (از بین رفتن قرمزی ناحیه مشرق) تا به اندازه‌ای که بتوان نماز مغرب را خواند.

وقت مخصوص نماز عشا هنگامی است که تنها وقت خواندن یک نماز عشا از پایان نیم اول شب (قبل از نیمه شب به مقدار یک نماز عشا) بیشتر باقی نباشد و بین این دو وقت مخصوص، وقت مشترک است و فقهای شیعه امامیه اجازه داده‌اند در این دو وقت مشترک بین دو نماز مغرب و عشا را جمع کنند و دو نماز را پشت سر هم بخوانند.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۰۱، چاپ بیروت؛

و کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة، مغنیه.

ص: ۹۲

همه مذاهب اهل سنت آغاز وقت نماز مغرب را از لحظه غروب خورشید می‌دانند، اما اختلاف اندکی با هم دارند: شافعیه، حنابله: وقت فریضه مغرب از آغاز پنهان شدن خورشید است تا هنگامی که قرمزی ناحیه مغرب به پایان برسد. حنفیه: هنگامی که سیاهی افق غربی آشکار گردید، وقت نماز مغرب به پایان رسیده است. اما وقت نماز عشا از زمان غائب شدن شفق آغاز می‌شود و تا طلوع فجر صادق ادامه خواهد داشت. (۱) مالکیه: وقت نماز مغرب کوتاه است: از آغاز غروب آفتاب فقط به مقدار وضو و اذان و انجام نماز فرصت است و در حال اختیار تأخیر انداختن جایز نیست؛ لکن در حال اضطرار، وقت نماز مغرب تا طلوع فجر ادامه دارد. (۲)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۰۲، چاپ بیروت.

۲- همان.

ص: ۹۴

اوقاتی که نماز خواندن جائز نیست

شیعه امامیه: همین که مؤذن «قد قامت الصلاة» را گفت، خواندن نماز مستحبی کراهت (۱) دارد، بلکه از زمان آغاز اقامه نماز، خواندن نماز مستحبی مکروه است. (۲) البته زمانی که خواندن نماز در آن حرام باشد، در فقه شیعه امامیه اصلاً وجود ندارد.

حنفیه: اگر در اوقات نهی شده (۳) نماز مستحبی بخواند، کراهت تحریمی دارد؛ اما نماز باطل نمی‌شود لیکن واجب است نماز را قطع نماید و در اوقاتی که جایز است آن نماز را بخواند. (۴)

شافعیه: در پنج وقت خواندن نماز مستحبی مکروه است:

۱. بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب.

۲. از طلوع آفتاب تا ارتفاع آن بمقدار طول یک نیزه.

۳. بعد از نماز عصر.

۱- البته در فقه شیعه امامیه کراهت در عبادات به معنای ثواب کمتر است.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۰۴.

۳- در ادامه بحث با تعدادی از اوقاتی که نماز خواندن در آن جایز نمی‌باشد، آشنا خواهید شد.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۸۹، چاپ بیروت.

ص: ۹۵

۴. هنگام زرد شدن خورشید تا غروب.

۵. هنگامی که خورشید در وسط آسمان قرار گرفته است تا زوال. (۱) مالکیه: هنگام ادای نماز واجب یومیه، خواندن هر نمازی حرام است. مالکیه در مورد اوقاتی که خواندن نماز مستحبی مکروه است با مذهب شافعیه موافق‌اند.
حنابله: خواندن نماز مستحبی در سه وقت حرام است:

۱. از طلوع فجر تا طلوع آفتاب.

۲. از نماز عصر تا غروب.

۳. هنگامی که خورشید در وسط آسمان قرار گرفته است تا زوال خورشید. (۲) توصیه می‌شود زائران گرامی در حرمین شریفین در این اوقات نماز نخوانند و از کارهایی که موجب اهانت و انگشت‌نما شدن است به شدت پرهیز نمایند؛ خصوصاً از خواندن نماز، پس از نماز صبح، و نیز پس از نماز عصر اجتناب نمایند.

۱- همان.

۲- همان.

جمع بین دو نماز در سفر و حضر

شیعه امامیه: جمع بین دو نماز ظهر و عصر، و نیز جمع بین دو نماز مغرب و عشا به طور مطلق جایز است، چه در حال سفر باشد و چه در غیر سفر. (۱) در این خصوص روایاتی از رسول خدا (ص) و اهل بیت در مصادر اهل سنت و نیز شیعه امامیه آمده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

از ابن عباس روایت شده است که چنین گفت: «آیا می‌خواهید به شما خبر دهم که رسول خدا (ص) در سفر چگونه نماز می‌خواند؟ هرگاه زوال خورشید می‌شد و او در منزلش بود، بین نماز ظهر و عصر جمع می‌کرد (آنگاه سفر را آغاز می‌نمود). و هرگاه قبل از زوال خورشید (قبل از ظهر) مسافرت می‌کرد، نماز ظهر را تأخیر می‌انداخت تا در وقت نماز عصر، بین نماز ظهر و عصر را جمع کند». (۲) در صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

۱- الخلاف، شیخ طوسی ره، ج ۱، ص ۵۸۸.

۲- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۸؛ سنن بیهقی، ج ۳، ص ۱۶۳.

ص: ۹۸

«رسول خدا (ص) بین نماز ظهر و عصر را جمع کرد و با یک اذان و دو اقامه در هنگام زوال خورشید، نماز ظهر و عصر را با هم بجا آورد». (۱)

سلفیه: جایز نیست فرد مقیم، بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را جمع کند. بلکه واجب است نماز ظهر را در وقت خودش، و نماز عصر را در وقت مخصوص خودش بخواند. اما در مورد مریض و مسافر و نیز هنگامی که باران می‌بارد، جایز است بین دو نماز واجب جمع شود. (۲) مالکیه، شافعیه، حنابله: جمع بین نمازهای ظهر و عصر و بین نماز مغرب و عشا در سفر جایز می‌باشد، بدون فرق بین اینکه جمع بین نماز مغرب و عشا در هنگام مغرب اتفاق بیفتد و یا اینکه خواندن نماز مغرب و عشا تأخیر بیفتد و یا جمع بین نماز مغرب و عشا در وقت نماز عشا باشد. (۳) حنفیه: جمع بین نماز ظهر و عصر و یا نماز مغرب و عشا به خاطر عذر مسافرت به هیچ وجه جایز نیست. (۴)

۱- الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۳۷۹؛ وسائل‌الشیعه، کتاب الصلاة، باب ۳۲ از ابواب مواقیت.

۲- کتاب فتاوی اللجنه الدائمه، بن باز، ج ۸، صص ۱۳۴۱۳۳.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۴۹۹، چاپ بیروت.

۴- همان، ص ۵۰۲.

ص: ۱۰۰

قرائت

الف حمد (فاتحه‌الکتاب)

شیعه امامیه: قرائت فاتحه‌الکتاب در دو رکعت اول هر نمازی واجب است و در رکعات سوم و چهارم، نماز گزار مخیر است بین قرائت فاتحه‌الکتاب و خواندن تسیحات اربعه تسیح فقط به این جملات منحصر است: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**. (۱) حنفیه: در نمازهای واجب، سوره فاتحه‌الکتاب واجب نشده است، بلکه نماز گزار هر مقدار از قرآن را بخواند کافی است، به دلیل سخن خداوند متعال: **فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ** (۲) یعنی: هر مقدار از قرآن را توانستید بخوانید. (۳) قرائت (خواندن قرآن) در دو رکعت اول نمازها واجب است، اما در رکعت سوم مغرب و رکعت سوم و چهارم نمازهای ظهر و عصر و عشا نماز گزار اگرخواست می‌تواند قرآن قرائت

۱- تحریر الوسيله، حضر تا ما مخمینی، ج ۱، ص ۱۶۷؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، مغنیه، مبحث نماز.

۲- سوره مزمل، آیه ۲۰.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۴۸، چاپ بیروت.

ص: ۱۰۱

کند و اگرخواست تسبیح بگوید و اگرخواست ساکت باشد. (۱) حنابله، مالکیه، شافعیه: قرائت فاتحه‌الکتاب در تمامی رکعات نمازها واجب است. (۲) سلفیه:

در تمامی رکعت‌های نماز، قرائت فاتحه‌الکتاب یکی از ارکان نماز است؛ این مطلب درخصوص امام جماعت و منفرد (کسی که نماز را فرادا می‌خواند) می‌باشد. قرائت حمد برای مأموم واجب است ولی رکن نیست؛ اما خواندن سوره سنت است و مستحب می‌باشد. (۳) بسوره

شیعه امامیه: واجب است در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه یک سوره کامل پس از قرائت سوره حمد خوانده شود. البته در بعضی از حالات مانند تنگی وقت، ترس، ضرورت و...، نخواندن سوره جایز می‌باشد. (۴)

- ۱- الفقه علیا لمذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۴۹، چاپ بیروت؛ و شرح المهدب، نووی، ج ۳، ص ۳۶۱.
- ۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۴۷، چاپ بیروت.
- ۳- کتاب فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۶، ص ۳۹۰.
- ۴- تحریر الوسيله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۶۴.

ص: ۱۰۲

حنابله، مالکیه، حنفیه: یکی از مستحبات نماز، خواندن مقداری از قرآن کریم است که بعد از قرائت حمد و آمین خوانده می‌شود و لازم نیست یک سوره کامل قرائت شود بلکه سه آیه از یک سوره را قرائت کند کافی است. (۱) شافعیه: سوره مستحب است و افضل آن که یک سوره کامل خوانده شود؛ لیکن اگر آیه‌ای بزرگتر از یک سوره کوچک را قرائت کرد مثلاً آیه آمن الرسول ... از سوره بقره را خواند، این افضل است از خواندن سوره کوچکی مثل سوره قریش یا سوره فیل. (۲) سلفیه: پس از آمین مقداری از قرآن را قرائت کند. (۳) خواندن سوره در نماز جماعت برای مأموم سنت است و مستحب می‌باشد. (۴)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۶۶، چاپ بیروت.

۲- همان.

۳- صفة صلاة النبی، بن باز، ص ۴.

۴- کتاب فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۶، ص ۳۹۰.

حکم قرائت بسم الله الرحمن الرحيم در نماز

شیعه امامیه: لازم است در هنگام قرائت فاتحه‌الکتاب، بسم الله الرحمن الرحيم نیز قرائت شود؛ زیرا جزء سوره حمد است و ترک آن جایز نیست. (۱) شافعیه: بسم الله الرحمن الرحيم آیه‌ای از سوره فاتحه‌الکتاب است و واجب است که خوانده شود و اگر نمازگزار بسمله را نخواند، نمازش باطل است. (۲) حنفیه، حنابله: مستحب است بسم الله الرحمن الرحيم به صورت آهسته قرائت شود، نه اینکه با صدای بلند و آشکار باشد. (۳) البته از حنابله نیز نقل شده است که اگر نمازگزار قرائت بسمله را ترک کرد و قرائت فاتحه‌الکتاب را آغاز نمود، در این صورت قرائت بسمله از او ساقط می‌شود و برای خواندن بسمله باز نگردد. (۴)

۱- تحریر الوسيله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۶۵؛

والفقه علی المذاهب الخمسة، مغنیه.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۷، چاپ بیروت.

۳- همان، ص ۲۷۶ ۲۷۷، چاپ بیروت.

۴- همان، ص ۲۷۷، چاپ بیروت.

ص: ۱۰۵

مالکیه: مکروه است در نمازهای واجب یومیه بسم الله الرحمن الرحيم قرائت شود، چه نماز جهریه باشد مثل نماز صبح، مغرب و عشاء و چه نماز اخفاتیه باشد مثل نماز ظهر و عصر، ولی در نمازهای مستحبی جایز است هنگام قرائت فاتحه‌الکتاب، بسمله گفته شود. (۱) البته از مالکیه نیز نقل شده است که اگر نماز گزار خواست برای خروج از اختلاف بین مذاهب اهل سنت بسمله را بخواند، مستحب است آن را به صورت آهسته بخواند. (۲) سلفیه: درباره وجوب قرائت بسمله در آغاز فاتحه‌الکتاب، بین علما اختلاف است. صحیح آن است که بسمله در تمام نمازها به صورت آهسته قرائت شود. (۳)

۱- همان، ص ۲۷۶.

۲- همان، ص ۲۷۷.

۳- کتاب فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۶، ص ۳۷۹.

جهرو اخفات بسم الله الرحمن الرحيم در نماز

شیعه امامیه: بر مردان مستحب است که در نمازهای واجب یومیه ظهر وعصر بسمله را به صورت جهر قرائت کنند. اما بسمله در نمازهای صبح، مغرب وعشا واجب است همانند حمد وسوره در دو رکعت اول به صورت جهر قرائت شود. (۱) شافعیه: واجب است نماز گزار بسمله را در نماز جهر به صورت آشکار و در نماز اخفاتی به صورت آهسته قرائت کند. (۲) مالکیه: در نمازهای یومیه قرائت بسمله در اول فاتحه‌الکتاب مکروه است و اگر نماز گزار خواست بخواند، مستحب است آن را به صورت آهسته بخواند. (۳) حنفیه، حنبله: قرائت بسمله سنت است و باید به صورت آهسته در همه نمازهای یومیه قرائت شود. (۴)

۱- تحریر الوسيله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۶۶.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ۲۷۷، چاپ بیروت.

۳- همان، ص ۲۷۷-۲۷۶، چاپ بیروت.

۴- همان، چاپ بیروت.

ص: ۱۰۷

سلفیه: صحیح آن است که بسمله در نمازهای جهریه به صورت آهسته قرائت شود. درباره وجوب قرائت بسمله در آغاز فاتحه‌الکتاب، بین علما اختلاف است. (۱)

۱- کتاب فتاوی اللجنه الدائمه، بن باز، ج ۶، ص ۳۷۹.

آیا بسم الله الرحمن الرحيم آیه‌ای از سور قرآنی است؟

مذاهب اسلامی درباره این موضوع به طور مفصل بحث کرده‌اند، به ویژه اهل سنت در این باره بحث‌های طویل‌الذیل دارند. اکنون با نظریات آنان آشنا می‌شویم.

شیعه امامیه: ۱. هر سوره دارای یک بسم الله الرحمن الرحيم مستقل است و بسمله جزئی از هر سوره قرآنی به حساب می‌آید و لازم است بسمله در آغاز تمامی سوره‌ها قرائت شود به جز سوره توبه براءة (۱). ۲. لازم است نمازگزار قبل از قرائت بسمله، سوره‌ای را که قصد دارد بخواند، تعیین نماید و در صورت عدم تعیین، نماز او دچار اشکال می‌شود. (۲) شافعیه: بسمله از قرآن است و آیه‌ای کامل از اول

هر سوره می‌باشد مگر سوره براءة (۳) قرائت بسمله در اول فاتحه الكتاب واجب است و حکمش حکم فاتحه الكتاب می‌باشد؛ لذا بر نمازگزار لازم است بسمله را در نمازهای جهریه

۱- تحریر الوسيله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲- همان.

۳- المجموع، نووی، ج ۳، ص ۳۳۴.

ص: ۱۰۹

به صورت آشکار، و در نمازهای اخفاتیه به صورت آهسته قرائت کند. (۱)

حنفیه، مالکیه: بسمله در اوائل سوره‌های قرآن از آیات قرآنی نیستند. (۲) حنابله: علمای این مذهب در یک جا با قول شوافع هماهنگ هستند و درجائی دیگر گفته‌اند که بسمله فقط آیه‌ای از سوره حمد است ولی در سایر سوره‌ها چنین نیست. (۳) سلفیه: بسمله از قرآن است و یکی از آیات قرآن محسوب می‌شود و در آغاز قرائت هر سوره خوانده شود. (۴)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۷، چاپ بیروت.

۲- المجموع، نووی، ج ۳، ص ۳۳۴؛ سبل السلام، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۵۲۲؛ المجموع، نووی، ج ۳، ص ۳۳۴.

۴- کتاب فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۶، ص ۳۸۱.

ص: ۱۱۰

رتوع

تمام مذاهب اسلامیرتوع در رکعات نماز را واجب میدانند ولی در مقدار واجب رتوع (خم شدن) و سکون و استقرار لازم در حال رتوع، اختلاف نظریه دارند.

شیعه امامیه: رتوع یکی از واجبات نماز می‌باشد و رکن است، یعنی ترک نمودن عمدی و یا سهوی رتوع، نماز را باطل می‌کند. لازم است نمازگزار به‌طور متعارف خم شود تا دست‌ها به آسانی به زانوان برسد و لازم است ذکر رتوع در حال سکون و استقرار بدن قرائت شود. (۱) شافعیه، حنابله: نماز گزار در رتوع بایستی به مقداری خم شود تا کف دستهای وی به زانوان برسد و نیز سکون و استقرار واجب است. (۲) حنفیه: رتوع همان خم شدن است و سکون و استقرار واجب نیست. (۳) مالکیه: قراردادن دستها بر روی زانوان مستحب است و سنت نیست. (۴)

۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۶۴ ۶۶۵.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۰، چاپ بیروت

۳- همان.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۸۰، چاپ بیروت.

ص: ۱۱۱

ذکر رکوع

شیعه امامیه: ذکر رکوع واجب است و گفتن مطلق ذکر مجزی است یعنی هر لفظی را که دارای ذکر الهی باشد، گفتن آن به عنوان ذکر جائز است. لیکن احتیاط آن است ذکر کبرا را یک بار بگوید و آن جمله: «سبحان ربی العظیم و بحمده» است، یا سه بار ذکر صغرا را بر زبان جاری کند، ذکر صغرا این جمله است: «سبحان الله». و اگر بخواهد افزون تر احتیاط را مراعات کند، ذکر کبرا را یک بار بگوید ولی بهتر از آن گفتن سه بار است. (۱) حنا بله: ذکر رکوع واجب است و صیغه آن: «سبحان ربی العظیم» می باشد. (۲) مالکیه: ذکر رکوع مستحب است و لفظ مشخصی ندارد ولی افضل گفتن: «سبحان ربی العظیم» است. (۳)

۱- تحریر الوسيله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۹، چاپ بیروت؛ والفقه علی المذاهب الخمسة.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۹، چاپ بیروت.

ص: ۱۱۲

حنفیه: عمل به سنت فقط با گفتن سه بار: «سبحان ربّی العظیم» در حال رکوع محقق می‌شود و اگر کمتر از سه بار قرائت شود، سنت حاصل نشده است. (۱) شافعیه: عمل به سنت فقط با گفتن لفظی که در آن تسبیح باشد حاصل می‌گردد، اگر چه افضل آن است که در حال رکوع

جمله: «سبحان ربّی العظیم» قرائت شود. (۲) سلفیه: واجب است در حال رکوع هنگامی که بدن آرام می‌گیرد بگوید: «سبحان ربّی العظیم» و افضل آن است که سه بار یا بیشتر تکرار کند و مستحب است این جمله را نیز بگوید: «سبحانک اللهم ربنا وبحمدک، اللهم اغفر لی». (۳)

۱- همان.

۲- همان.

۳- الدروس المهمّة، بن باز، ص ۷؛ صفه صلاة النبی، بن باز، ص ۴.

ص: ۱۱۴

طولانی بودن قیام بعد از رکوع

۱) آیا قیام بعد از رکوع واجب است؟

شیعه امامیه:

قیام بعد از رکوع واجب است ولی رکن نیست یعنی اگر نماز گزار قیام بعد از رکوع را عمداً ترک کند و به سجده برود، نمازش باطل است. (۱) حنفیه:

از حنفیه درباره قیام بعد از رکوع دو قول نقل شده است:

۱ قیام بعد از رکوع واجب نیست. (۲) وجوب قیام بعد از رکوع، و این قیام بعد از رکوع از واجبات نماز است ولی از فرائض نماز نیست، بدین معنا که اگر نماز گزار قیام بعد از رکوع را ترک کند، نمازش باطل نمی‌شود؛ ولی گناه صغیره انجام داده است. (۳)

۱- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲- همان.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۳، چاپ بیروت.

ص: ۱۱۵

بنا بر نقل وهب الزحیلی، صحیح همین قول است و به این مطلب متأخرین از علمای حنفیه، از جمله کمال بن همام تصریح کرده‌اند. (۱) حنابله، شافعیه: قیام بعد از رکوع از واجبات نماز است و اگر نماز گزار این قیام را انجام ندهد نمازش باطل است. (۲) سلفیه: قیام بعد از رکوع از ارکان نماز است. (۳) چرا قیام بعد از رکوع اهل سنت طولانی است؟

احادیث فراوانی در کتب فقهی و روایی اهل سنت آمده‌است که دلالت بر مشروعیت طولانی نمودن قیام بعد از رکوع دارد. این احادیث دلالت بر استحباب دعاهایی که در این حالت قرائت می‌شود نیز دارد. اکنون یکی از دعاهایی که اهل سنت در حال قیام بعد از رکوع می‌خوانند، ملاحظه فرمائید.

سلفیه:

۱- الفقه الإسلامی وأدلته، وهب الزحیلی، ۱: ۶۵۸.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۵۳، چاپ بیروت؛ و نیلا لأوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۲۸۰۲۸۱.

۳- الدروس المهمة، بن باز، ص ۶.

ص: ۱۱۶

«سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه، ملء السموات وملء الأرض، وملء ما شئت من شيء بعد».

(۱) البته سلفیه گفتن «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» را برای امام جماعت و نمازگزار فرادا واجب می دانند و واجب است مأمومین، جمله: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» را در حال قیام بعد از رکوع بگویند. (۲) چنانکه خواندن این دعا را مستحب می دانند:

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلءَ السَّمَوَاتِ وَمِلءَ الْأَرْضِ، وَمِلءَ مَا بَيْنَهُمَا، وَمِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ، أَهْلِ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ، لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيتَ، وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ (۳) مِنْكَ الْجَدُّ». (۴)

۱- صفه صلاة النبي، بن باز، ص ۴.

۲- الدروس المهمة، بن باز، ص ۶.

۳- الجَدُّ، به فتح جیم، به معنای عظمت و غنا و حظ و بهره آمده است.

۴- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۲۷۹.

ص: ۱۱۸

ذکر سجده

شیعه امامیه: ذکر سجده واجب است و گفتن مطلق ذکر مجزی است یعنی هر لفظی که دارای ذکر الهی باشد، گفتن آن به عنوان ذکر جائز است. لیکن احتیاط آن است ذکر کبرا را یک بار بگوید و آن جمله: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» است، یا سه بار ذکر صغرا را بر زبان جاری کند، ذکر صغرا این جمله است: «سُبْحَانَ اللَّهِ». و اگر بخواهد افزون تر احتیاط را مراعات کند، ذکر کبرا را یک بار بگوید ولی بهتر از آن گفتن سه بار است. (۱) حنا بله: ذکر سجده واجب است و صیغه آن عبارت است از گفتن یک بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» و ما زاد بر یک بار مستحب است. (۲) مالکیه: ذکر سجده مستحب است و لفظ مشخصی ندارد ولی افضل گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» است. (۳)

۱- تحریر الوسیله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۹، چاپ بیروت.

۳- همان.

ص: ۱۱۹

حنفیه: عمل به سنت فقط با سه بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» در حال سجده محقق می‌شود و اگر کمتر از سه بار بگوید سنت حاصل نشده است. (۱) شافعیه: عمل به سنت با گفتن لفظی که در آن تسبیح باشد حاصل می‌گردد اگرچه افضل آن است که در حال سجده «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» گفته شود. (۲) سلفیه: واجب است در حال سجده، هنگامی که بدن آرام می‌گیرد؛ بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى». و افضل آن است که سه بار یا بیشتر تکرار کند و مستحب است این جمله را نیز بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ (۳)

۱- همان.

۲- همان.

۳- الدروس المهمة، بن باز، ص ۷؛ صفة صلاة النبي، بن باز، ص ۴.

ص: ۱۲۰

تشهد

اهل سنت به تشهد، تحیات نیز می‌گویند؛ زیرا در اول تشهد عبارت (التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ) را می‌خوانند.

تشهد در نماز بر دو قسم است:

۱ تشهد اول؛ در رکعت دوم نماز ظهر، عصر، مغرب و عشا.

۲ تشهد آخر نماز؛ که بعد از آن سلام نماز است.

اما تشهد اول:

شیعه امامیه، حنابله: تشهد اول در رکعت دوم نماز، واجب است.

مالکیه، شافعیه، حنفیه: تشهد در رکعت دوم مستحب است و واجب نیست. (۱) سلفیه: تشهد اول از ارکان نماز نیست ولی واجب

است. (۲) اما تشهد دوم:

شیعه امامیه، شافعیه، حنابله: تشهد در آخر نماز، واجب است.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۵، چاپ بیروت.

۲- الدروس المهمة، بن باز، ص ۷.

ص: ۱۲۱

حنفیه: تشهد اخیر واجب است و فرض نیست یعنی با ترک آن نماز باطل نمی‌شود. (۱) مالکیه: تشهد آخر نماز، مستحب است و واجب نیست. (۲) سلفیه: تشهد اخیر از ارکان نماز است. (۳)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۵، چاپ بیروت.

۲- همان؛ و بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۱۲۵.

۳- الدروس المهمة، بن باز، ص ۶.

ص: ۱۲۲

کیفیت تشهد

شیعه امامیه:

صیغه تشهد نزد شیعه امامیه عبارت است از:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

شایان ذکر است که جمله:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» از توابع تشهد می‌باشد و از جملات ویژه سلام نماز نیست. (۱) مستحب است قبل از

شروع تشهد جمله: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ» ویا «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ»

گفته شود. (۲)

حنفیه:

صیغه تشهد نزد حنفیه عبارت است از:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ»

۱- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۵۹۰.

ص: ۱۲۳

الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». (۱) مالکیه:

صیغه تشهد نزد مالکیه عبارت است از:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، الزَّكِيَّاتُ لِلَّهِ، الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». (۲) شافعیه:

صیغه تشهد نزد شافعیه عبارت است از:

«التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ». (۳) حنابله:

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۵، چاپ بیروت.

۲- همان، صص ۲۵۶-۲۵۵، چاپ بیروت.

۳- أم، شافعی، ج ۱، ص ۱۴۰.

ص: ۱۲۴

صیغه تشهد نزد حنابله عبارت است از:

«التحيات لله، والصلوات والطيبات، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ». (۱) سلفیه:

صیغه تشهد نزد سلفیه چنین است:

«التحيات لله، والصلوات والطيبات، السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، ألسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، اللهم صل على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميدٌ مجيد، وبارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميدٌ مجيد». (۲) سلفیه
هیچنین قائلند که خوب است نماز گزار در تشهد آخر این فقرات را نیز اضافه کند:

- ۱- الفقه على المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۶، چاپ بیروت؛
والفقه على المذاهب الخمسة.
- ۲- فتاوی اللجنة الدائمة، ج ۷، ص ۱۴؛ الدروس المهمة، بن باز، ص ۷۶.

ص: ۱۲۵

«أعوذ بالله من عذاب جهنم، و من عذاب القبر، و من فتنه المحيا و الممات، و من فتنه المسيح الدجال، اللهم أعني على ذكرك و شكرك و حسن عبادتك، اللهم إني ظلمت نفسي ظلماً كثيراً، و لا يغفر الذنوب إلا أنت، فاغفر لي مغفرةً من عندك و ارحمني، إنك أنت الغفور الرحيم» (۱)

۱- همان، ص ۷.

اشاره بانگشت سبابه در تشهد

در کتب فقهی اهل سنت آمده است که مستحب است نماز گزار در حال خواندن تشهد، با سبابه دست راست خود اشاره کند و عده‌ای گفته‌اند: هم اشاره کند و هم حرکت دهد. (۱)

مالکیه: مستحب است نماز گزار در حال تشهد انگشت سبابه را به طرف راست و چپ حرکت دهد.

حنفیه: فقط هنگام پایان تشهد، با انگشت سبابه دست راست خود اشاره کند؛ به این روش که وقتی «لا إله» می‌گوید انگشت سبابه را بالا- بیاورد و هنگام گفتن «إِلَّا اللَّهُ» انگشت را پایین بیاورد. (۲) حنابله: فقط هنگام ذکر نام خدا و دعا با انگشت سبابه اشاره کند و حرکت ندهد. (۳)

بیهقی می‌گوید: مقصود از حرکت انگشت سبابه، فقط اشاره کردن به وسیله آن است؛ نه اینکه حرکت انگشت را تکرار کند.

۱- الفقه علیا لمذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۶۵، چاپ استانبول.

۲- همان.

۳- همان.

ص: ۱۲۷

شافعیه: تمام انگشتان دست راست خود را جمع کند مگر انگشت سبابه که با اشاره و نگاه به انگشت سبابه، فقط در زمان گفتن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اشاره انجام شود و آن را حرکت ندهد. (۱) ابن رسلان می گوید: حکمت اشاره به انگشت آن است که معبود، سبحانه و تعالی واحد است؛ تا آنکه نماز گزار در وحدانیت خداوند سبحان، بین توحید در قول، توحید در فعل و توحید در اعتقاد راجع کند. (۲) سلفیه: مستحب است نماز گزار، هنگامی که مشغول تشهد اول و دوم می شود؛ با انگشت سبابه اشاره کند و در دعاهای تشهد، آن را حرکت دهد. (۳) شیعه امامیه: اشاره به انگشت سبابه در حال تشهد جائز نیست و این عمل از مختصات فقه اهل سنت است و در فقه شیعه امامیه مشروعیت ندارد.

در بین علمای شیعه امامیه، فقط ابن جنید (۴) که به داشتن نظریات شاذ و منحصر به فرد شهرت دارد، از وی نقل شده که قائل به این عمل می باشد. (۵)

۱- همان.

۲- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۲، صص ۳۱۸ ۳۱۹.

۳- الدرر السالمه، بن باز، ص ۸؛ کتاب فتاوی المرآة، بن باز، بحث تشهد.

۴- أبوعلی اسکافی، از علمای کهن شیعه، متوفای ۳۸۱ هجری.

۵- مستند الشیعه، محقق نراقی ره، ج ۵، ص ۳۹۲.

ص: ۱۲۹

علت طولانی شدن تشهد اهل سنت

اهل سنت در تشهد علاوه بر شهادتین، سلام، صلوات و دعا نیز دارند که همین باعث شده است تا تشهد آنان طولانی گردد. البته لازم به یادآوری است که شیعه امامیه در تشهد، فقط شهادتین و صلوات بر محمد و آل محمد را واجب می‌داند. الف صلوات در تشهد آخر

حنفیه، مالکیه: مستحب است در تشهد، بر رسول خدا (ص) درود فرستاده شود و افضل چنین است: (اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد كما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم، وبارک علی محمد وعلی آل محمد كما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم فی العالمین إنک حمید مجید.) (۱) حنابله: صلوات بر رسول خدا (ص) در تشهد اخیر واجب است و افضل آن است که بگوید: اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد كما صلیت علی ابراهیم إنک حمید مجید، وبارک علی

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، صص ۲۶۷۲۶۶،

چاپ استانبول.

ص: ۱۳۰

محمد و علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم إنک حمید مجید (۱) شافعیه: صلوات بر رسول خدا (ص) در تشهد اخیر واجب است و افضل آن است که بگوید: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کماصلیت علی ابراهیم إنک حمید مجید، و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم إنک حمید مجید (۲) متأخرین از شافعیه به کلمات محمد و ابراهیم؛ لفظ سیدنا (را اضافه کرده اند:

سیدنا محمد، سیدنا ابراهیم. (۳) ب دعا در تشهد آخر

حنفیه: مستحب است نماز گزار همانند الفاظ قرآن دعا کند مثلاً بگوید: اللهم انی ظلمت نفسی ظلماً کثیراً وانه لا یغفر الذنوب إلا أنت فاغفر لی مغفره من عندک و ارحمنی إنک أنت الغفور الرحیم (۴).

۱- همان.

۲- أم، شافعی، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، صص ۲۶۶-۲۶۷، چاپ استانبول.

۴- همان، ۲۶۷-۲۶۸.

ص: ۱۳۱

مالکیه: افضل آن است این دعا در تشهد اخیر خوانده شود: اللهم اغفر لنا ولوالدینا ولأئمتنا ولمن سبقنا بالإیمان مغفرة عزمًا اللهم اغفر لنا ماقدّمنا وماأخّرنا وماأسررنا وماأعلّنا، وماأنت أعلم به منّا، ربّنا آتنا فی الدنیا حسنةً و فی الآخرة حسنةً وقنا عذاب النار .)

(۱) شافعیه: افضل آن است دعایی که از پیامبر خدا (ص) رسیده است در تشهد اخیر بخواند مثلاً بگوید: اللهم اغفر لی ماقدمت وماأخّرت وماأسررت وماأعلّنت، وماأنت أعلم به منّی، أنت المقدم وأنت المؤخّر لا إله إلا أنت (به روایت مسلم. و سنت آن است که دعای امام جماعت از اصل تشهد و صلوات بر رسول خدا (ص) افزون تر نگردد. (۲) حنابله: أعوذ بالله من عذاب جهنّم ومن عذاب القبر ومن فتنة المحيا والممات ومن فتنة المسيح الدّجال .) (۳) سلفیه: أعوذ بالله من عذاب جهنم ومن عذاب القبر ومن فتنة المحيا والممات ومن فتنة المسيح الدّجال، اللهم إعنّی علی ذکرک وشکرک وحسن عبادتک، اللهم إنی ظلمت حج و عمره در آینه فقه مقارن،

۱- همان، چاپ استانبول.

۲- همان، چاپ استانبول.

۳- همان.

ص: ۱۳۲

نفسی ظلماً كثيراً وإینه لا یغفر الذنوب إلا أنت فاغفر لی مغفرة من عندک وارحمنی إنک أنت الغفور الرحیم (۱).

۱- الدروس المهمة، بن باز، ص ۷.

ص: ۱۳۳

سلام نماز

در این سر فصل درباره سه موضوع بحث می‌شود:

(۱) آیا سلام نماز واجب است یا خیر؟

شیعه امامیه: سلام نماز واجب است. (۱) شافعیه، مالکیه: سلام نماز واجب است. (۲) حنابله: دو بار سلام نماز واجب است. (۳) حنفیه: سلام نماز واجب است ولی فرض نیست یعنی اگر نماز گزار آن را ترک کند، نماز باطل نمی‌شود. پس خروج از نماز باهرکاری ولو به باطل نمودن وضو باشد، جایز است. (۴) سلفیه: دو سلام نماز، از ارکان آن می‌باشد و لازم است جمله: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» را یک بار به طرف راست خود و یک بار به طرف چپ خود بگوید. (۵) (۲) جملات سلام نماز چیست؟

۱- تحریر الوسیله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۷، چاپ بیروت.

۳- همان؛ والفقه علی المذاهب الخمسة، محمدجواد مغنیه، ص ۱۱۴.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۶،

چاپ بیروت؛ وابدایة المجتهد، ج ۱، ص ۱۲۶.

۵- الدروس المهمة، بن باز، ص ۶؛ صفة صلاة النبي، بن باز

ص: ۱۳۴

جمله: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» به اتفاق مذاهب اسلامی (شیعه و سنی) جزء تشهد است نه سلام، لیکن اهل سنت آن را در وسط جمله‌های تشهد قرار می‌دهند و شیعیان در آخر تشهد و قبل از سلام نماز آن را می‌خوانند.

شیعه امامیه: جملات سلام نماز دارای دو عبارت است:

۱ «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»

۲ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

اگر نماز گزار فقط جمله دوم را گفت، کافی است؛ اما اگر جمله اول را بیاورد، ذکر جمله دوم مستحب است.

لازم به یادآوری است که جمله:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

از توابع تشهد می‌باشد و از جملات ویژه سلام نماز نیست. (۱) حنابله: لازم است برای خروج از نماز از لفظ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ

اللَّهِ» استفاده شود و گرنه نماز باطل است. (۲) مالکیه: لازم است برای خروج از نماز از لفظ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» استفاده شود. (۳)

۱- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۷، چاپ بیروت.

۳- همان.

ص: ۱۳۵

شافعیه: ترتیب در الفاظ سلام لازم نیست؛ پس اگر بگوید: «علیکم السلام» (صحیح است ولی کراهت دارد). (۱)

حنفیه: خروج از نماز باهرکاری ولو به باطل نمودن وضو باشد، جائز است. (۲) (۳) جملات سلام نماز چند بار تکرار شود؟

شیعه امامیه: واجب است سلام نماز: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ» یکبار گفته شود. (۳) حنابله: واجب است سلام نماز: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» دو بار تکرار شود وگرنه نماز باطل است. (۴) مالکیه، شافعیه: گفتن سلام نماز یک بار کافی است. (۵)

حنفیه: اگر نمازگزار فقط «السلام» را بگوید، واجب است دوبار بگوید؛ لیکن مستحب است کامل‌ترین را که عبارت است از: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» دو بار تکرار کند. (۶) (۴) کیفیت سلام آخر

۱- همان.

۲- همان.

۳- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی ره، ج ۱، ص ۱۶۴.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۷، چاپ بیروت.

۵- همان؛ والفقه علی المذاهب الخمسة، محمدجواد مغنیه، ص ۱۱۴.

۶- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبه الزحیلی، ج ۱، صص ۶۷۲ ۶۷۳.

ص: ۱۳۶

شافعیه، حنفیه، حنابله: نماز گزار دو سلام در آخر می‌دهد. با سلام اول صورت خود را به طرف راست بگرداند؛ آنگاه با سلام دوم به طرف چپ، صورت خود را بگرداند. (۱) البته حنفیه توضیحی در این خصوص دارند که توجه شما را به آن جلب می‌کنم: مأموم سلام اول را به نیت جواب امام جماعت، به طرف راست بگوید. و سلام دوم در حالی که سر را به طرف سمت چپ بدن گردانیده است، ادا نماید. (۲) مالکیه: مستحب است مأموم سلام آخر را همان سلامی که به وسیله آن از نماز خارج می‌شود به طرف راست بگوید. اما سلام به امام جماعت و نیز سلام به طرف چپ از سنت است. سلام به امام جماعت به طرف قبله است و سلام به مأمومین طرف چپ خود را به همان طرف چپ خود بگوید. (۳) سلفیه: کیفیت سلام آخر، با گفتن دو سلام «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» یکی به طرف راست و دیگری به طرف چپ، محقق می‌شود. (۴)

- ۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۸۴. چاپ بیروت.
- ۲- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبة الزحیلی، ج ۱، صص ۶۷۲-۶۷۳.
- ۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۸۴، چاپ بیروت.
- ۴- صفة صلاة النبی، بن باز، ص ۸.

ص: ۱۳۷

تکبیر، بعد از سلام نماز

شیعه امامیه: یکی از مختصات فقهی شیعه امامیه گفتن تکبیر بعد از هر نماز است. این مطلب در فقه اهل سنت وجود ندارد. اینک به نکات مهم این فرع توجه فرمائید:

مستحب است نماز گزار بعد از هر نماز دستها را تا محاذات گوش بالا بیاورد و سه مرتبه «الله أكبر» بگوید. (۱) شیخ صدوق (ره) در علل الشرائع از مفضل بن عمر نقل می کند که او از امام صادق (ع) پرسید: علت اینکه نماز گزار دستها را بردارد و سه بار تکبیر بگوید چیست؟ امام صادق (ع) پاسخ دادند: «زیرا رسول خدا (ص) هنگامی که مکه را فتح کردند، نماز ظهر به امامت آن حضرت در مسجد الحرام و نزد حجر الاسود برگزار شد؛ رسول خدا (ص) پس از سلام نماز دستان مبارکش را بالا آوردند و سه بار تکبیر گفتند ... آنگاه رسول خدا (ص) فرمودند: این تکبیر را در آخر هر نماز واجب بگوئید». (۲)

۱- مقنعه، ج ۱، ص ۳۳۰؛ الحدائق الناضرة، ج ۸، ص ۵۲۶.

۲- وسائل الشیعه

ص: ۱۳۸

و نیز زراره از امام باقر (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمودند:

«إِذَا سَلَّمْتَ فَأَرْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ ثَلَاثًا» (۱) یعنی: «هرگاه سلام نماز را گفتی دستها را بالا بیاور و سه بار تکبیر بگو».

از دیرباز تعدادی از تفرقه افکنان اهل سنت که همواره بر ضد وحدت مسلمین گام بر می دارند و همیشه با اعمال ناپسند خود دشمنان اسلام را تقویت نموده اند و تمامی پیروان مذاهب اسلامی آنها را می شناسند؛ تهمت ظالمانه ای علیه شیعه امامیه در کتابها و نیز سخنرانیها رواج دادند.

تهمت آنها چنین است: شیعه هنگامی که در پایان نماز دستها را بالا می آورد سه بار می گوید: خان الأمین! به این معنا که جبرئیل

امین (ع) باید وحی را برای امیرالمؤمنین (ع) می برد! او (نعوذ بالله) خیانت کرد و برای رسول خدا (ص) برد!

اکنون بطلان این افترای عظیم را با مطالعه سطور بالا ملاحظه فرمودید و معلوم گردید که اگر بین مسلمانان وحدت اسلامی ایجاد شود، دیگر جایی برای جولان دادن این نابخردان وجود نخواهد داشت.

ص: ۱۳۹

بنا بر این لازم و ضروری است که زائران گرامی در حرمین شریفین بهانه به دست ناآگاهان ندهند و در حرمین شریفین از بالا آوردن دستها به هنگام تکبیر گفتن پایان نماز، خودداری کنند؛ تا احترام پیروان اهل بیت عصمت و طهارت بدست تعدادی معلوم الحال مخدوش نگردد.

ص: ۱۴۰

قنوت

یکی از مستحبات و سنن در نماز، انجام قنوت است. قنوت در لغت به معنای دعا و تضرع آمده است و در اصطلاح فقهی عبارت است از: «بالا آوردن کف دستان به طرف آسمان و قرار دادن آنها مقابل صورت».

(۱) حکم شرعی قنوت

شیعه امامیه: قنوت مستحب مؤکد است و انجام آن در نمازهای واجب سفارش شده است. (۱) حنفیه، شافعیه، حنابله: هر گاه مصیبتی و فاجعه‌ای بر مسلمین وارد شود، مستحب است در نمازهای واجب قنوت آورده شود. این قنوت را (قنوت نازله) می‌گویند. (۲) مالکیه: قنوت در نماز صبح هنگامی که بلا و مصیبتی نازل شده باشد، مشروع است. و نیز از مالکیه نقل شده است که قنوت نازله فقط در نماز صبح مستحب است و در نماز وتر قنوت نیست. (۳)

۱- توضیح المسائل، مبحث نماز.

۲- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبة الزحیلی، ج ۱، ص ۸۰۹.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۵۹.

ونیلا لأوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۳۹۴.

ص: ۱۴۱

شافعیه: در نماز وتر و نیز در نماز صبح و در رکعت دوم آن، قنوت مستحب است. (۱) حنفیه: قنوت در نماز وتر و قنوت نازل فقط در نماز صبح مشروع است هرگاه بلایی بر مسلمانان نازل شود. (۲) پس قنوت در غیر نماز وتر جایز نیست مگر بلایی نازل شود. حنابله: قنوت فقط در نماز صبح و نماز وتر و نیز در هنگامه نزول بلا مستحب است. پس قنوت در غیر این موارد سه گانه و غیر زمان نزول بلا و مصیبت، کراهت دارد. (۳) سلفیه: قنوت در نماز وتر و نیز قنوت نازل در نمازهای واجب اگر بلایی نازل شده باشد مشروع است. (۴) جایگاه قنوت در نماز

شیعه امامیه: جایگاه قنوت همیشه قبل از رکوع و در رکعت دوم همه نمازهای واجب و مستحب، جهریه و اخفاتیه است و در نماز وتر هم که یک رکعت است قبل از رکوع می‌باشد، مگر

۱- أمّ، شافعی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۱۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة،

الجزیری، ج ۱، ص ۳۵۶ ۳۵۷.

۳- همان.

۴- کتاب فتاوی المرأة، فتاوی بن عثمان، ص ۴۹.

ص: ۱۴۲

در نماز جمعه که قنوت رکعت اول آن قبل از رکوع است و در رکعت دوم بعد از رکوع و قبل از سجده قنوت انجام می‌شود. (۱) حنفیه: قنوت در رکعت آخر و بعد از رکوع، سنت است. (۲) مالکیه: مستحب است قنوت در رکعت آخر و قبل از رکوع انجام گیرد و مستحب است قنوت فقط در نماز صبح باشد و در غیر نماز صبح کراهت دارد ظاهراً. (۳) شافعیه، حنابله: قنوت باید بعد از رکوع رکعت آخر باشد. حنابله: در نماز وتر، قنوت مستحب است. شافعیه: در نماز صبح و در رکعت دوم و بعد از رکوع، قنوت مستحب است. (۴) سلفیه: قنوت نازل بعد از رکوع رکعت دوم انجام می‌شود. قنوت در نماز وتر و نیز در نمازهای واجب اگر بلایی نازل شده باشد مشروع است. (۵) دعای قنوت

۱- توضیح المسائل، مبحث نماز.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۵۷.

۳- الفقه الإسلامی و أدلته، ج ۱، ص ۸۰۹؛

الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۵۹، چاپ بیروت.

۴- همان.

۵- فتاوی بن باز، فتاوی المرأة، ص ۴۷.

ص: ۱۴۳

مذاهب چهارگانه اهل سنت، دعاهای مختلفی را برای قنوت ذکر کرده‌اند که یکی از مشهورترین آنها این دعا است: «اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنَا فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنَا فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا أُعْطِيتَ، وَقِنَا شَرَّ مَا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ...» (۱)

شیعه امامیه: نمازگزار در حال قنوت می‌تواند هر دعایی را که خواست بخواند؛ و قرائت قرآن به ویژه خواندن آیاتی که مشتمل بر دعاء است، جایز می‌باشد؛ مانند این آیه شریفه: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

همچنین بهترین دعائی که در خصوص قنوت از معصومین روایت شده است این دعاء می‌باشد:

«إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَافِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۲)

۱- الفقه الاسلامی وأدلته، وهبه الزحیلی.

۲- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۶۰.

ص: ۱۴۵

تکّف

تکّف به معنای گذاردن دستها روی سینه یا شکم در حال قیام نماز است؛ به طوری که دست راست بر روی دست چپ، یا میچ و ساعد قرار گیرد.

فقهای اهل سنت از آن به «قبض» تعبیر می کنند و فقهای شیعه به آن تکفیر (پوشاندن) می گویند.

این روش در هیچیک از مذاهب چهارگانه اهل سنت واجب نیست.

شیعه امامیه: تکف در نماز جایز نمی باشد و موجب بطلان نماز می شود. (۱) در همین خصوص توجه خوانندگان محترم را به دو روایت جلب می کنم:

قال الإمام الباقر (ع): «... ولا تکفّر فإنّما يفعل ذلك المجوس ...» (۲) وقال (ع): «إذا كنت قائماً في الصلاة فلا تضع يدك اليمنى على اليسرى ولا اليسرى على اليمنى، فإنّ ذلك تكفير أهل

۱- تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ کتاب الصلاة، شیخ انصاری، ج ۲، ص ۴۷۸.

۲- لکافی، ج ۳، ص ۲۹۹

ص: ۱۴۶

الكتاب، ولكن أرسلهما إرسالاً فإنه أحرى أن لا تشغل نفسك عن الصلاة». (۱)

مرحوم طباطبائی در فقه منظوم چنین آورده است:

ويبطل الكفّ بها عن عمد

وهكذا التأمين بعد الحمد

مالکیه: در نمازهای واجب این عمل کراهت دارد و مستحب نیست؛ زیرا امام مالک گفته است: من کراهت دارم که در قیام نماز دست روی سینه گذاشته شود؛ زیرا امامان اهل بیت (علیهم السلام) را دیدم که دستها را پایین می‌اندازند؛ لیکن جایز است در نمازهای مستحبی، دو دست را زیر سینه و بالای ناف قرار دهد. (۲) سخون بن سعید در کتاب المدونه الکبری به نقل از مالک ابن انس می‌گوید: اینکه تکتف فقط در نوافل جایز است، مقصود نوافلی است که طولانی می‌شود و نماز گزار در حال قیام با انجام دادن تکتف، خسته نمی‌شود.

در کتاب مزبور و در پانوشت همین بحث چنین آمده است: این کلام که تکتف در فریضه جایز نیست و در نافله جایز است،

۱- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲- بدایه‌المجتهد، ابن رشد، ج ۱، ص ۱۱۲؛ الفقه علیالمذاهب الأربعة،

الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۱، چاپ بیروت.

ص: ۱۴۷

مطلب صحیحی نیست؛ زیرا ماهنوز در اصل تکتف بحث داریم که آیا از افعال نماز است یاخیر؟ لذا دیگر جایی برای مطلب فوق وجود نخواهد داشت. (۱) حنابله، شافعیه، حنفیه: از جمله سنن و مستحبات نماز، تکتف است. (۲) سلفیه: نماز گزار در حال ایستادن دست‌ها را بر روی سینه قرار دهد. (۳) کیفیت تکتف:

شافعیه: دست راست بر روی ساق دست چپ، زیر سینه چپ و بالای ناف قرار گیرد. (۴) حنفیه: دست راست بر روی میچ دست چپ و در پایین ناف قرار گیرد. (۵) حنابله: کف دست راست روی میچ و ساعد دست چپ و در قسمت پایین ناف قرار گیرد. (۶)

۱- المدونۀ الکبری، ج ۱، ص ۷۴.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۱، چاپ بیروت.

۳- فتاوی المرأة، بن باز، ص ۴۹.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۱، چاپ بیروت.

۵- همان.

۶- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۵۱۴ ۵۱۵.

ص: ۱۴۸

سلفیه: قرار دادن دست راست بر پشت دست چپ در حال نماز، سنت است. این روش در حال قیام قبل از رکوع و نیز در قیام بعد از رکوع مراعات شود. (۱) آیا زن و مرد در انجام تکْتَف باهم فرق دارند؟
حنفیه، شافعیه: زن دو دست خود را روی سینه قرار می‌دهد و دست راست به صورت عادی روی دست چپ باشد و میچ دست چپ را نگیرد؛ زیرا این عمل برای پوشش زن بهتر است. (۲)

۱- فتاوی بن‌باز، کتاب فتاوی المرأة، ص ۴۴.

۲- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبه الزحیلی، ج ۱، صص ۶۸۸ ۶۸۷.

ص: ۱۴۹

آمین

شیعه امامیه: آمین گفتن در حال نماز، پس از حمد حرام است و نماز را باطل می‌کند؛ زیرا آمین کلام اجنبی از نماز است و اضافه نمودن چیزی که در نماز نیست؛ بدعت می‌باشد و جایز نیست. در این حکم فرقی بین امام جماعت و مأوم و فرادا نمی‌باشد. (۱)

قال رسول الله (ص): «إن هذه الصلاة لا يصلح فيها شيء من كلام الناس، إنما هو التسبيح والتكبير وقراءة القرآن». (۲)

قال الصادق (ع): «إذا كنت خلف إمام فقرأ الحمد ففرغ من قرائتها فقل أنت: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَا تَقُلْ: آمِينَ». (۳) حنابله، شافعیه، حنفیه: گفتن آمین بعد از قرائت فاتحه‌الکتاب در تمام نمازها چه نماز واجب باشد و چه نوافل برای امام جماعت، مأوم و نمازگزار فرادا سنت است. (۴)

۱- المعتبر، محقق حلی ره، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۷، حدیث ۷۳۶۲.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۰، چاپ استانبول؛

ومغنی المحتاج، ج ۱، ص ۱۶۰.

ص: ۱۵۰

مالکیه: گفتن آمین برای امام جماعت سنت نیست. [\(۱\)](#) سلفیه: گفتن «آمین» بعد از قرائت «و لا الضَّالِّین» برای امام جماعت، مأوموم و فردی که نماز را به‌طور فرادا می‌خواند، سنت است. [\(۲\)](#)

۱- حاشیه دسوقی فقه مالکیه، ج ۱، ص ۲۴۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۰، چاپ استانبول؛ المعتبر، محقق حلّی، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲- کتاب فتاوی اللجنه الدائمه، بن باز، ج ۶، ص ۴۲۱.

خارج نشدن از مسجد هنگام نماز

حضور در نماز جماعت از سوی پیامبر خدا (ص) و ائمه طاهرين تأکيد شده است و در محیطی که برادران اهل سنت زندگی می کنند، حضور در نماز جماعت آنان نیز از سوی اهل بیت توصیه گردیده است.

خارج شدن از مسجد در زمان اقامه نماز توسط اهل سنت و یا هنگام اذان، امری نادرست است و باعث می شود فردی که مراعات نکند مورد تهمت یا اهانت قرار گیرد. بنابراین به منظور حفظ وحدت و جلوگیری از اختلاف و درگیری بین مسلمانان، همواره از سوی ائمه طاهرين و فقهای شیعه امامیه تأکید بیشتری بر رعایت این امر مستحبی شده است تا مؤمنین در نماز جماعت اهل سنت حاضر شوند.

اهل سنت به این مسأله اهمیت فراوانی می دهند، در روایتی از طریق اهل سنت چنین آمده است: «کسی بعد از اذان هرگز از مسجد خارج نشود مگر آنکه اراده برگشت داشته

ص: ۱۵۲

باشد. اگر کسی بعد از اذان از مسجد خارج شود، منافق است»^(۱). امام خمینی (ره) در این باره نوشته‌اند: «در وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند»^(۲).

۱- الموطأ، مالک بن انس، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲- مناسک حج محشی، ص ۵۰۸، مسأله: ۱۳۱۳.

ص: ۱۵۳

نماز تحیت مسجد

مستحب است هر فردی از افراد مسلمان، هنگامی که وارد مسجدی می‌شود، قبل از نشستن در مسجد، دو رکعت نماز تحیت مسجد بخواند. (۱) رسول خدا (ص) درباره همین موضوع فرموده‌اند:

«إذا دخل أحدكم المسجد فلا يجلس حتى يصلی رکعتین». یعنی هر گاه هر یک از شما داخل مسجد شد، قبل از آنکه بنشیند، دو رکعت نماز بگذارد. (۲) زائران محترم به این نکته مهم توجه داشته باشند که در بعضی از اماکن مانند مکه و مدینه که اهل سنت به انجام دادن نوافل اهتمام می‌ورزند، عمل نمودن به این عمل مستحبی ضرورت پیدا می‌کند؛ زیرا در صورت عدم توجه شیعیان به این گونه مسائل مهم استجابی، مذهب شیعه امامیه مورد تهمت قرار می‌گیرد و بر علیه شیعیان تبلیغ می‌شود که پیروان این مذهب اهمیتی برای اماکن مقدس قائل نیستند.

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۲- مبسوط، شیخ طوسی ره، ج ۸، ص ۹۰.

ص: ۱۵۴

مالکیه: این دو رکعت نماز تحیت واجب نیست، بلکه کار نیکویی است. (۱) شافعیه، حنابله: هنگام ورود به مسجد، یکی از سنت‌ها خواندن دو رکعت نماز تحیت مسجد است. (۲)

حنفیه: نماز تحیت مسجد دو رکعت است و چهار رکعت نماز تحیت افضل است و افزون‌تر از چهار رکعت به نیت نماز تحیت انجام نشود. (۳)

۱- الموطأ، مالک بن أنس، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۳۵۲، چاپ بیروت.

۳- همان.

تأکید بر حضور مؤمنین در نماز جماعت

یکی از زیباترین نماد وحدت و قدرت مسلمانان، نمازهای جماعت پر شکوه و پر جمعیت است. استعمارگران در طی سالهای متمادی تلاشهای شبانه روزی داشته‌اند تا این تجلی قدرت و وحدت را از مسلمانان بگیرند و با ایجاد اختلافات قومی و طایفه‌ای و عقیدتی، سعی کرده‌اند به اهداف شوم و تفرقه افکنانه خود برسند.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) معظم له تأکید بلیغ در این راستا اعمال کردند.

البته این تأکیدات امام امت، مطلب جدیدی در اسلام نبوده است؛ بلکه حضرت امام به پیروی از اجداد طاهرینش، سنگ بنای تعاطف و مهربانی بین برادران اهل سنت و شیعیان را تحکیم بخشیدند.

حضرت امام جعفر صادق (ع) در روایتی چنین فرمودند: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» یعنی: کسی که در نماز جماعت

ص: ۱۵۶

آنان خصوصاً در صف اول نماز جماعت شرکت کند، همانند آن فردی است که پشت سر پیامبر خدا (ص) به نماز ایستاده است. (۱)

و نیز حضرت امام جعفر صادق (ع) درباره همزیستی مسالمت آمیز با برادران اهل سنت به اصحاب خود این چنین توصیه و تأکید فرمودند: «عودوا مرضاهم، واشهدوا جنازتهم، وصلوا فی مساجدهم... یعنی: بیماران آنان اهل سنت را عیادت کنید، به تشییع جنازه آنان بروید، در مساجد آنان و همراه آنان نماز جماعت بخوانید...» (۲) امام خمینی (قدس سره) در این باره فرموده‌اند: «در وقتی که در مسجد الحرام و یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.» (۳)

۱- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق ره، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲- الهدایه، شیخ صدوق ره، ص ۵۵؛ سرائر، ابن ادریس، ج ۳، ص ۵۹۹.

۳- مناسک محشی، ص ۵۰۸، سؤال: ۱۳۱۳.

ص: ۱۵۷

در این خصوص نیز از مراجع عظام و مقام معظم رهبری مدّظله استفتائی شده است که توجه خوانندگان گرامی را به اصل استفتاء و پاسخ آنان جلب می‌کنم:

سؤال شرکت شیعیان در نماز جماعت اهل سنت در مسجد الحرام و مسجد النبی و سایر مساجد چه حکمی دارد؟
 جواب امام خمینی (ره): در مساجد دیگر هم کافی است. (۱) آیه الله گلپایگانی: اختصاص به مسجدین شریفین ندارد بلکه در تمام مساجد مستحب و مورد ترغیب و رجحان است. (۲) آیه الله فاضل: نماز با آنان کفایت از نماز واجب می‌کند و شرکت در نماز جماعت اهل سنت اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد. (۳) آیات عظام: خوئی، سیستانی، تبریزی: بلی نماز مجزی است، در صورتی که قرائت حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند؛ و اگر نمی‌شود آهسته قرائت کند، به حدیث نفس بخواند. (۴)

۱- استفتائات ویژه حج، ص ۱۳۲.

۲- همان.

۳- همان.

۴- مناسک محشّی، ص ۵۰۹، مسأله: ۱۳۱۳.

ص: ۱۵۸

مقام معظم رهبری: نماز صحیح است و اعاده ندارد؛ ولی باید شرائطی که آنها معتبر می‌دانند مراعات شود؛ مثلاً جلوتر از امام جماعت اقتدا نکنند. (۱)

۱- استفتاآت ویژه حج، ص ۴۱.

اقتدا به شخص مخالف در فروع

مقصود از فروع، تفاوت در فروع فقهی هر مذهب است

شیعه امامیه: اگر امام جماعت با مأموم در مسائل فرعی که متعلق به نماز است اختلاف داشته باشند، اگر چه از حیث اجتهاد یا تقلید خطا کرده باشند؛ این اقتدا صحیح است. (۱) مالکیه: اگر سنّی مالکی به سنّی حنفی اقتدا کند و امام جماعت حنفی ارکان نماز به نظریه مذهب مالکی را نیاورد، مثلاً سلام آخر نماز را ندهد یا قیام بعد از رکوع را انجام ندهد، نماز سنی مالکی که مأموم است باطل می‌باشد. (۲) حنفیه: اقتدا به امام جماعتی که مخالف با حنفیه در فروع احکام می‌باشد، از خواندن نماز فرادا افضل است؛ البته به شرطی که کسی غیر آن فرد یافت نشود؛ اگر یافت شد، اقتدا به موافق افضل است. (۳)

۱- تحریر الوسیله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲- حاشیه دسوقی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳- حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۶۰۷.

ص: ۱۶۰

شافعیه: اگر شافعی مذهب به امام جماعت حنفی مذهب اقتدا کند و او یکی از مبطلات نماز نزد مذهب شافعی را انجام دهد، مثلاً عورت خود را لمس کند، اقتدای او صحیح نیست؛ زیرا امام جماعت با این کار وضویش باطل شده است. ولی اگر امام جماعت حنفی بر آنچه که در فقه شافعی صحیح است مواظبت کند؛ اقتدای به او صحیح است. (۱) حنابله: اقتدای به مخالفین در فروع، مانند اقتدا به پیروان ابوحنیفه، مالک، شافعی صحیح است و مکروه نمی باشد و احمد بن حنبل بر این مطلب تصریح کرده است؛ زیرا اصحاب رسول خدا (ص) و تابعین همواره به یکدیگر اقتدا می کردند با اینکه در فروع فقهی با یکدیگر اختلاف نظریه داشتند. (۲) سلفیه: سؤال: آیا جزا است در منطقه‌ای که مسلمانان شافعی مذهب زندگی می کنند امام جماعت حنفی مذهب بر اساس مذهب آنان نماز بخواند؟ مثلاً:

بسمله قبل از فاتحه‌الکتاب را جهراً قرائت کند؟

بعد از قرائت حمد، توقف کند تا مأمومین بتوانند حمد را بخوانند؟

بسمله قبل از سوره را جهراً قرائت کند؟

۱- مغنی المحتاج، ج ۱، صص ۲۳۷ ۲۳۸.

۲- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۲، ص ۲۷.

ص: ۱۶۱

جواب: اختلاف در فروع اثری در صحت نماز مأمومین ندارد؛ اگرچه در مذهب با هم اختلاف داشته باشند. لذا بر امام جماعت و غیر او از اهل علم لازم است، تا آنچه را از دلائل فقهی ارجح می‌دانند؛ برطبق آن عمل نمایند و فرقی نمی‌کند مأمومین با وی موافق باشند یا اختلاف نظریه داشته باشند. (۱)

۱- فتاوی اللجنۃ الدائمۃ، بن باز، ج ۷، ص ۳۶۶، فتاوی شماره: ۶۳۲۱.

سلفیه نمازجماعت را واجب می‌دانند

زائرنی که برای اولین بار به عربستان مسافرت می‌کنند، نمازهای جماعت بزرگ و باشکوهی را در مسجدالنبی و مسجدالحرام مشاهده خواهند کرد.

برای آگاهی آن دسته از افراد که تحت تأثیر جمعیت فراوان نمازگزار در این دو مسجد معروف قرار می‌گیرند، بایستی به نکاتی چند اشاره کرد؛ لطفاً توجه کنید:

(۱) وهابیون نماز جماعت را واجب می‌دانند نه مستحب. پس بر همه آنان واجب است تا برای ادای نماز به صورت جماعت، به سوی مساجد بشتابند و اگر به نماز جماعت نیایند گناه کرده‌اند و در زمره اهل معصیت شمرده خواهند شد.

(۲) در سایر مساجد وضعیت این چنین نیست. به‌طور قطع در اماکن زیارتی همیشه نمازها با شکوه‌تر از سایر مکانها برگزار می‌شود. به‌عنوان مثال نمازهای جماعت در حرم حضرت رضا (ع) و سایر اماکن مقدسه شاهد بر این مطلب است.

(۳) آیا نمازهای عید فطر و جمعه و ... را مشاهده کرده‌اید؟ همانگونه که می‌دانید نمازهای جمعه و نماز عید فطر در ایران از لحاظ حضور باشکوه مردم مسلمان، مثال زدنی است؛ با اینکه شیعه امامیه نماز جماعت و نماز جمعه را مستحب

ص: ۱۶۳

می‌داند ولی در عین حال نمازها با جمعیتی انبوه، و به صورت باشکوه برگزار می‌شود.

۴) به این خبر مهم توجه کنید، این خبر در یکی از کتابهای رسمی چاپ وزارت ارشاد عربستان سعودی آمده است و حاکی از بی‌رغبتی نسل جوان عربستان سعودی درخصوص شرکت در نماز جماعت می‌باشد. به متن این گزارش دقت فرمایید:

«نماز صبح از کمبود نمازگزار شکایت دارد. نماز صبح از شرکت نکردن جوانان در مراسم فریضه صبح شاکی است.» این گزارش در ادامه به آمار و ارقامی رسمی که حاکی از بی‌توجهی جوانان به نماز است؛ اشاره می‌کند و می‌نویسد: «طبق آمار رسمی، ۷۹٪ از جوانان و دانشجویان، نماز صبح را نمی‌خوانند؛ این ارقام وحشتناک است و ترس را در دلها می‌افکند. والله تعجب آور است، ساعت ۷/۱۵ صبح، جوانان و دانش‌آموزان، فوج فوج از خانه‌هایشان به سوی مدارس در حال حرکت هستند؛ ولی اینان نماز صبح را کجا بودند؟!». (۱)

۱- قره‌العین، تألیف: محمد بن عبد الله الهمدان، ص ۴۰، چاپ عربستان ۱۴۲۲ هـ.

خوابیدن در مسجد

شیعه امامیه: خوابیدن در مسجد مکروه است. (۱) حنفیه: خوابیدن در مسجد مکروه است مگر برای شخص غریب و یا معتکف که خواب آنها در مسجد کراهت ندارد. (۲) مالکیه: خوابیدن در مسجد برای کسی که مسکن ندارد مباح است؛ ولی فردی که محل سکونت دارد، خوابیدن وی در مسجد جایز نیست؛ مگر آنکه برای عبادت به مسجد رفته باشد. (۳) حنابله: خوابیدن در مسجد جایز است، به شرطی که جلوی نماز گزاران ن خوابد؛ اگر در مقابل نماز گزاران خوابید، لازم است او را بیدار کنند؛ زیرا نماز خواندن به طرف فرد خواب مکروه است. (۴) شافعیه: خوابیدن در مسجد جایز می باشد. (۵)

۱- توضیح المسائل، مسأله: ۹۱۳.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۸۵، چاپ استانبول.

۳- همان؛ و نیالاًوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۸۵، چاپ استانبول.

۵- همان.

ص: ۱۶۶

سلفیه: خوابیدن در مساجد حرام نمیباشد. (۱)

۱- کتاب فتاوی اللجنه الدائمہ للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۶، ص ۲۷۸، فتاوی شماره: ۱۰۷۶۸.

ص: ۱۶۷

خوردن و آشامیدن در مسجد

شیعه امامیه: خوردن و آشامیدن در مسجد جائز است و نیز برای معتکف اشکالی ندارد؛ لیکن سزاوار است سفره‌ای پهن شود تا نظافت مسجد مراعات شود. (۱) شافعیه: مادامی که مسجد آلوده نشود، خوردن در مسجد مباح است. (۲) مالکیه: خوردن و آشامیدن در مسجد جائز است، اما خوردن آنچه که بوی بد دارد در مسجد حرام است. (۳) حنابله: خوردن در مسجد مباح است، به شرطی که مسجد آلوده نشود. (۴) حنفیه: خوردن در مسجد کراهت دارد؛ ولی خوردن آنچه که بوی بد دارد، مثل سیر و پیاز؛ در مسجد، حرام است و باید فردی که سیر و پیاز خورده، از داخل شدنش به مسجد جلوگیری کرد. (۵)

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۹؛ تذکره، علامه حلّی، ج ۱، ص ۲۷۶ ۲۸۷، چاپ قدیم.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۸۶ ۲۸۵؛ چاپ استانبول.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

ص: ۱۶۹

حکم نماز در داخل کعبه معظمه

خواندن نماز در داخل کعبه، از جمله مسائلی است که پیروان مذاهب اسلامی درباره آن بحث کرده‌اند. در ذیل، توجه خوانندگان گرامی را به موارد اختلافی جلب می‌کنم:

شیعه امامیه:

خواندن نمازهای فریضه در داخل کعبه مکروه است؛ ولی نماز مستحبی به طرف هر یک از دیوارهای داخلی کعبه جائز می‌باشد. (۱) در همین خصوص از حضرت امام صادق (ع) در روایتی صحیح نقل شده است که فرمودند: «لا تصل المكتوبه فی جوف الکعبه».

(۲)

مالکیه: خواندن نمازهای فریضه در داخل کعبه کراهت شدید دارد؛ ولی نماز صحیح است و اعاده آن در وقت مستحب می‌باشد.

۱- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۸۸، حاشیه حضرت امام خمینی ره؛

و شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۵۱.

۲- وسائل الشیعه، باب ۱۷ از ابواب قبله، حدیث ۳.

ص: ۱۷۰

خواندن نماز نافله‌ای که مستحب مؤکد باشد، در داخل کعبه مکروه است؛ ولی خواندن نافله عادی داخل کعبه مستحب می‌باشد. (۱) شافعیه، حنفیه: خواندن نمازهای واجب و نیز نمازهای مستحب در داخل کعبه جایز است. (۲) حنابله: خواندن نمازهای مستحبی در داخل کعبه جایز است ولی خواندن نمازهای واجب جایز نیست. (۳)

- ۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۲۳، چاپ بیروت؛ المدونه الكبرى، ج ۱، ص ۹۱.
- ۲- أم، شافعی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۲۷۵.
- ۳- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۷۲۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۲۳، چاپ بیروت.

حکم نماز میت در مسجدالحرام و سایر مساجد

شیعه امامیه: خواندن نماز میت در همه مساجد مکروه است مگر در مسجدالحرام، که نماز میت در آن مکروه نیست. (۱) حنفیه، مالکیه: خواندن نماز میت در همه مساجد کراهت دارد. (۲) شافعیه: خواندن نماز میت در همه مساجد مستحب است. (۳) حنابله: خواندن نماز میت در همه مساجد مباح است. (۴) سلفیه: خواندن نماز میت در مسجد و مصلی، برای مردان و زنان، مشروع است. (۵)

- ۱- تحریر الوسیله، امام خمینی ره، ج ۱، ص ۸۷؛ توضیح المسائل، مسأله ۶۱۲.
- ۲- حاشیه ابن عابدین، ج ۲ ص ۲۴۳؛ الموطأ، ج ۱، ص ۲۳۰، ۲۲۹؛ مواهب الجلیل: ۱: ۵۴.
- ۳- أم، شافعی، ج ۱، ص ۳۱۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۳۹، چاپ بیروت.
- ۴- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۲، ص ۳۷۵؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۱۹۴.
- ۵- الدروس المهمة، بن باز، ص ۱۶.

ص: ۱۷۲

حکم خواندن نماز در جلوی قبر مطهر پیامبر خدا (ص) و امامان

شیعه امامیه: یکی از اماکنی که لازم است انسان مسلمان ادب و احترام را رعایت کند، آن است که جلوتر از قبر پیامبر (ص) و امام (ع) نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن، بیاحترامی به صاحب قبر باشد، حرام است؛ ولی نماز باطل نیست. (۱) در خصوص این مسأله در کتب فقهی اهل سنت مطلبی یافت نشد؛ لیکن از نماز خواندن آنان در جلوی قبر مطهر رسول خدا (ص) چنین برداشت می‌شود که این عمل را جایز می‌دانند و منعی در این باره قائل نیستند.

۱- توضیح المسائل، مسأله ۸۸۴.

ص: ۱۷۳

حکم خواندن نماز در قبرستان

شیعه امامیه: یکی از مکانهایی که خواندن نماز در آن کراهت دارد، مقابر است. (۱) لازم به یادآوری است که نمازگزاردن در حرم انبیاء الهی و حرم ائمه معصومین و نیز مراقد علماء مکروه نیست. (۲) البته خواندن نماز در قسمت بالای سر حرم انبیاء الهی و ائمه معصومین و زیارت قبور آن انوار مقدس، از مستحبات مؤکده شمرده شده است. (۳)

حنفیه: نمازگزاردن در مقبره‌ها مکروه است؛ ولی نماز نزد قبور انبیاء کراهت ندارد. (۴) شافعیه: نمازگزاردن در مقبره‌هایی که نبش نشده‌اند مکروه است، مگر در مقابر شهدا و انبیاء که کراهت ندارد؛ به شرطی که نمازگزار قصد تعظیم آن قبور را نداشته باشد و چنانچه قصد تعظیم به قبور باشد؛ حرام است. (۵)

.)

۱- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۰۰.

۲- همان، ص ۴۴۶.

۳- مستندالشیعه، ج ۱۳، ص ۳۲۷؛ جامع الشرائع، ص ۱۲۴؛

و جامع المدارک، ج ۲، صص ۵۵۴ ۵۵۵.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۲۷۹ ۲۸۰.

۵- همان.

ص: ۱۷۴

مالکیه: نماز در مقبره جایز است، به شرطی که نجاست نباشد. (۱) حنابله: نماز گزاردن در مقبره باطل است؛ ولی نماز در جایی که یک یا دو قبر باشد صحیح است؛ به شرطی که قبر را قبله خود قرار ندهد؛ که در این صورت کراهت دارد. (۲) سلفیه: خواندن نماز در قبرستان جایز نیست و حرام است و در صورت انجام چنین کاری، نماز صحیح نمی‌باشد. (۳) زائران گرامی به این نکته بسیار مهم توجه و دقت بیشتر داشته باشند؛ چون سلفی‌ها نماز در کنار قبرستان (حرم) بقیع را حرام می‌دانند و احیاناً آن را به عنوان پرستش ائمه می‌انگارند و برخورد نامناسب با فرد نماز گزار می‌کنند؛ بنابراین از خواندن نماز در حرم بقیع و بیرون آن، خودداری نمایند و برای خواندن نماز زیارت ائمه بقیع، به مسجدالنبی مشرف شوند.

۱- همان.

۲- همان.

۳- فتاوی اللجنۃ الدائمۃ، بن باز، ج ۶، ص ۲۵۷ ۲۵۸.

آیا خواندن نماز در قبرستان حرام است؟

شیعه امامیه: نماز خواندن در قبرستان مکروه است؛ مگر حرم‌های انبیاء و ائمه معصومین که نه تنها مکروه نیست بلکه زیارت قبور آنان و خواندن نماز در قسمت بالای سر، از مستحبات مؤکده شمرده شده است. (۱) لیکن توجه به این نکته ضروری است؛ که در فضاهایی چون مدینه منوره و مکه مکرمه که سلفیه پیروان محمد بن عبدالوهاب که به آنها و هابیون می‌گویند در آنجا حاکم هستند و خواندن نماز در کنار بقیع را باطل دانسته و احیاناً آن را به عنوان پرستش ائمه، شرک می‌انگارند و در صورت نماز خواندن شیعیان و سایر مسلمانان در جوار بقیع، به آنان اهانت می‌کنند؛ بنا بر این لازم است با مراعات نمودن این گونه مسائل، از بروز درگیری جلوگیری شود؛ تا تضییقات و سوء برداشتها باعث نگردد درهای حرم مطهر بقیع، در مدینه منوره و درهای قبرستان ابوطالب، در مکه مکرمه به روی زائران بسته شود. باید تمامی زائران گرامی کوشش نمایند تا سایرین از فیض زیارت محروم نگردند.

حنابله: نماز خواندن در قبرستان حرام است. (۲) حنفیه: نماز خواندن در قبرستان کراهت دارد. (۳) مالکیه: نماز خواندن در قبرستان جائز است و کراهتی ندارد. (۴)

۱- مستندالشیعه، ج ۱۳، ص ۳۲۷؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۰۰؛

و جامع المدارک، ج ۲، صص ۵۵۴ ۵۵۵.

۲- المغنی، ابن‌قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۷۱۶؛ نیل الأوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۳- حاشیه ابن‌عابدین، ج ۱، ص ۷۰۴؛ نیل الأوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۱۳۷.

۴- همان؛ المدونه الکبری، ج ۱، ص ۹۰.

ص: ۱۷۷

شافعیه: اگر قبر نبش شده باشد، جائز نیست؛ ولی اگر نبش قبر صورت نگرفته باشد، خواندن نماز در آنجا جائز است. (۱)

سلفیه: نماز خواندن در قبرستان بدعت است و حرام می‌باشد و از وسائل شرک به حساب می‌آید. (۲)

۱- أم، شافعی، ج ۱، ص ۳۱۷؛ فتح‌العزیز، ج ۱، ص ۲۷۶؛

ونیل الأوطار، شوکانی، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲- فتاوی بن باز، فتاوی المرأة، ص ۸.

نحوه خواندن دعا در مسجدالنبی (ص) و حرم بقیع

زائران گرامی قبر مطهر رسول خدا (ص) و ائمه بقیع به این نکته توجه داشته باشند، هرگاه تصمیم داشتند در فضای روضه مقدسه، مسجدالنبی و نیز در حرم مطهر بقیع، دست به دعا بردارند، حتماً رو به قبله دعا کنند و به طرف قبور مطهر دست به دعا بردارند؛ زیرا گروه سلفیه برخلاف نص آیه شریفه قرآن، اعتقادی به ابتغاء وسیله ندارند.

قال الله تعالى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱)

آنان احترام به پیامبر خدا (ص) را شخصیت پرستی و قبر پرستی و در نهایت بت پرستی می‌دانند و روح پاک و مبارک رسول خدا (ص) و ائمه اهل‌البیت را مرده و ناشنوا می‌شمرند و دست توسل به سوی آنان را یک نوع عبادت غیر خدا تصور می‌کنند؛ درحالی که همه می‌دانیم بین توسل و عبادت، فرق آشکاری است.

ص: ۱۷۹

سلفیه با استناد به روایتی که فقط در چارچوب اعتقاد و ایدئولوژی خودشان قابل طرح است، ولی سایر مذاهب اسلامی آن را قبول ندارند؛ به مطالبی فتوا داده‌اند که هیچیک از علما و مسلمانان تأیید نمی‌کنند و اگر فردی برخلاف باور آنان کاری انجام دهد؛ بی‌درنگ وی را متهم به شرک و کفر می‌کنند.

حج و عمره در آینه فقه مقارن،

ص: ۱۸۱

حج و عمره

ص: ۱۸۳

عمره

شیعه امامیه: عمره مفرده از مستحبات است؛ ولی درباره انجام عمره مفرده رجیبه، تأکید فراوان شده است و ثواب افزون‌تر دارد؛ بطوری که در روایت آمده است: ثواب عمره رجیبه همسان حج مستحبی در فضیلت می‌باشد. (۱) مالکیه: عمره از سنت‌های مؤکده است. یعنی سنت است که عمره یک‌بار در طول عمر انجام شود. (۲) حنفیه: سنت است که عمره یک‌بار در طول عمر انجام شود؛ عمره سنت مؤکد است. (۳) حنابله، شافعیه: عمره، یک‌بار در عمر واجب است. (۴) سلفیه: عمره در طول عمر یک‌بار واجب است، گرچه آن را همراه حج انجام دهد. اگر آن را در ماه‌های حج انجام دهد، عمره تمتع می‌شود. لیکن اگر عمره را همراه با حج انجام دهد، حج او، حج قرآن می‌شود. (۵)

۱- جواهر الکلام، ج ۱۸، صص ۱۲۴۶۱.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۸۴؛

و کتاب الحج، فضایل و احکام، علوی مالکی، ص ۱۷۸.

۳- همان.

۴- همان.

۵- فتاوی الدائمة، بن باز، ج ۱۱، ص ۳۱۶، فتاوا یشماره: ۸۸۷۲ و ۴۵۱۷.

ص: ۱۸۴

اعمال عمره

شیعه امامیه: عمره مفرده دارای هفت عمل است:

احرام، طواف، نمازطواف، سعی بین صفا و مروه، تقصیر، طواف نساء، نماز طواف نساء. (۱)

فرد عمره گزار با تقصیر از احرام خارج می‌شود، لیکن هنوز مباشرت باهمسرش بر او حرام است و با انجام طواف نساء و نمازطواف نساء، این حرمت نیز پایان می‌پذیرد.

مذاهب اهل سنت: اعمال عمره بدین شرح است: احرام، طواف، سعی، حلق یا تقصیر. (۲) لازم است بدانیم، اکثر مذاهب اهل سنت نمازطواف را از سنن می‌دانند و آن را در مجموعه مستحبات و سنن ذکر کرده‌اند. (۳)

۱- مناسک حج محشی، مسأله: ۱۷۵، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

- ۲- حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۵۲۰؛ الشرح الکبیر، ابن قدامه حنبلی، ج ۳، ص ۴۹۸؛ المبسوط سرخسی، ج ۴، ص ۲۹؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۱۸.
- ۳- المجموع، نووی، ج ۸، ص ۱۴؛ أمّ، شافعی، ج ۱، ص ۱۱۸.

ص: ۱۸۵

ارکان عمره

رکن در ابواب فقهی حج و عمره، به عملی گفته می‌شود که اگر حاجی به طور عمد آن را ترک کند، حج ویاعمره او باطل می‌شود؛ چه عالم به حکم باشد و یا نباشد. (۱) شیعه امامیه: احرام، طواف، سعی بین صفا و مروه. (۲) مالکیه، حنابله: احرام، طواف، سعی بین صفا و مروه. (۳) شافعیه: احرام، طواف، سعی بین صفا و مروه، ازاله مو، ترتیب بین این ارکان. (۴) حنفیه: عمره فقط یک رکن دارد و آن اکثر شوطهای طواف است چهار دور؛ اما احرام، شرط عمره است ولی سعی بین صفا و مروه از واجبات عمره است؛ نه رکن. (۵)

۱- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی ره، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲- مبسوط، شیخ طوسی ره، ج ۱، ص ۳۰۷؛ مناسک حج محشی، مسأله: ۸۴۲.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۸۴.

۴- همان.

۵- همان.

ص: ۱۸۷

شرایط وجوب حج

شیعه امامیه:

۱ اسلام

۲ عقل

۳ حرّیت

۴ بلوغ

۵ استطاعت مالی و بدنی. (۱) مذاهب اهل سنت:

درباره شرائط وجوب حج و نیز مفهوم استطاعت، مذاهب اهل سنت اختلاف دارند. برخی از آنها اسلام را شرط صحیح بودن حج می‌دانند نه وجوب آن. (۲) اما در مورد سه شرط دیگر: بلوغ، عقل و حرّیت (حرّیت یعنی آزاد باشد، غلام و برده نباشد) تمام مذاهب اهل سنت اتفاق نظریه دارند. (۳)

۱- اللمعة الدمشقیة، ج ۱، کتاب الحج.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۴۴، چاپ بیروت.

۳- همان، ص ۶۴۵.

ص: ۱۸۸

همانطور که اشاره شد شرط استطاعت نیز از موارد اختلافی است. برخی از مذاهب استطاعت عقلی را کافی می‌دانند؛ یعنی اگر بتواند با زحمت، مقدار اندکی ثروت بدست بیاورد که یک حج کم هزینه و پرزحمت انجام دهد؛ او مستطیع می‌شود. (۱)

۱- همان؛ کتاب الحج، علوی مالکی، ص ۶۳.

ص: ۱۸۹

ماه‌های حج

ماه‌های حج ویژگی‌هایی دارد. به عنوان مثال یکی از ویژگی‌های ماه‌های حج، جایز بودن انجام اعمال مقدماتی حج از قبیل انجام دادن عمره تمتع در آن است؛ بنابراین حاجی می‌تواند در روزهای نخستین ماه شوال، اعمال عمره تمتع را انجام دهد و در مکه بماند تا در ماه ذی‌الحجه، اعمال ویژه حج تمتع را بیاورد.

شیعه‌امامیه: ماه‌های حج عبارت است از: شوال، ذوالقعدة و ذوالحجه. (۱) مالکیه: شوال، ذوالقعدة، ذوالحجه.

شافعیه: شوال، ذوالقعدة، ۱۰ شب از ماه ذی‌الحجه.

حنابله، حنفیه: شوال، ذوالقعدة، ۱۰ روز اول از ماه ذی‌الحجه. (۲)

۱- تحریر الوسیله، امام‌خمنی ره، ج ۱، ص ۴۰۶؛

المعتمد، ج ۲، ص ۲۴۲؛ مجله میقات الحج، شماره ۲۲، سال ۱۱.

۲- کتاب الحج، فضایل و احکام، سید محمد بنعلو یمالکی، ص ۵۲.

ص: ۱۹۱

مروه. اگر حاجی یکی از این ارکان را انجام ندهد، حج او باطل می‌شود. (۱) شافعیه: علاوه بر موارد فوق، حلق و ترتیب در انجام ارکان نیز از ارکان حج به حساب می‌آید. (۲) حنفیه: حج فقط دو رکن دارد: ۱. وقوف به عرفات ۲. طواف زیارت (حج). احرام از شروط صحت حج است نه رکن. و ترک نمودن سعی، با انجام قربانی جبران می‌شود؛ پس سعی از واجبات است، ولی رکن نیست.

(۳)

-
- ۱- کتاب الحج، فضایل و احکام، محمد بن علوی مالکی، ص ۵۲.
 - الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱ ص ۶۵۰.
 - ۲- کتاب الحج، فضایل و احکام، محمد بن علوی مالکی، ص ۶۳.
 - ۳- همان؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱ ص ۶۵۰.

ص: ۱۹۲

انواع حج

در فقه شیعه امامیه حج بر سه قسم است:

۱ تمتع

۲ قران

۳ افراد

حج تمتع، وظیفه کسانی است که شانزده فرسخ از مکه مکرمه دور باشند. حجقران و حجافراد وظیفه کسانی است که اهلمکه باشند و یا فاصله محل زندگی آنان تا مکه کمتر از شانزده فرسخ باشد. در حج قران، ذبیحه همراه حاجی است. و در حج افراد، حاجی در کشتن ذبیحه مخیر است و بر او واجب نیست. فردی که حج افراد و یا حج قران انجام داده است، پس از انجام حج، یک عمره مفرده نیز باید انجام دهد. (۱)

۱- المهدب، القاضی بن البراج ره، ج ۱، ص ۲۱۰؛

أحكام الحج، الفاضل اللنکرانی، ص ۷۳.

ص: ۱۹۳

حج تمتع دارای دو قسمت است:

۱. عمره تمتع

۲. حج تمتع

حاجی در انجام این گونه حج، دوبار محرم می‌شود. در مرحله اول با انجام اعمال عمره تمتع که عبارت است از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی، تقصیر از احرام خارج می‌شود. و در مرحله دوم در روز هشتم یا شب نهم ذیحجه الحرام در شهر مکه مکرمه محرم می‌شود و با انجام وقوف در صحرای عرفات، از ظهر روز نهم تا مغرب، و نیز بیتوته در شب دهم و سپس وقوف در صحرای مشعر الحرام (مزدلفه)، از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز دهم ذیحجه الحرام، به سوی منا حرکت می‌کند. و در روز عید قربان با انجام رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر از احرام خارج می‌گردد و اعمال مکه را بالباس دوخته به پایان می‌رساند. اعمال مکه عبارت است از:

طواف زیارت (طواف حج تمتع)، نماز طواف زیارت، سعی، طواف نساء، نماز طواف نساء.

شیعه امامیه: تمام شیعیان جهان که می‌خواهند حجة الإسلام انجام بدهند، بایستی حج تمتع انجام دهند. فقط اهالی مکه و اطراف آن نمی‌توانند حج تمتع انجام دهند و وظیفه آنان منحصر به انجام حج قرآن و یا حج افراد می‌باشد. اگر حج و عمره در آینه فقه مقارن،

ص: ۱۹۴

کسی که محل زندگی او از مکه دور است در حال اختیار، حج افراد یا قران انجام دهد، این حج گزارى اورا برىء الذمه نمى کند و کماکان انجام حجة الإسلام به عهده او باقى است و مشغول الذمه مى باشد. (۱) مذاهب اهل سنت: افرادی که از اهالی مکه مکرمه و اطراف آن نیستند مثل اهل سنت مقیم ایران می توانند در حال اختیار هم حج قران، حج افراد و یا حج تمتع انجام دهند و با انجام یکی از این انواع حج، حجة الإسلام از عهده آنان ساقط می گردد.

۱- مناسک حج محشّی، ص ۹۹، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

ص: ۱۹۵

اهل سنت و انواع حج:

مذاهب اهل سنت انجام دادن انواع حج را این گونه تشریح کرده‌اند:

۱. حج تمتع: فرد حج گزار از میقات محرم می‌شود به احرام عمره تمتع و پس از انجام عمره، از احرام خارج می‌شود و در حال مُجَل بودن هست تا روز ترویبه (۱) الفقه الاسلامی و أدلته، وهبه الزحیلی، ج ۳، ص ۲۲۱۲۲۰؛
الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری حج افراد چند فرق عمده با حج تمتع دارد:
۱. حاجی در آخر اعمال حج افراد باید عمره مفرده‌ای بیاورد.
۲. حج تمتع عمره مفرده ندارد و عمره تمتع آن هم باید در مرحله اول انجام شود.
۳. قربانی در حج افراد واجب نیست.
۲. حج قرآن: فردی که تصمیم دارد حج قرآن انجام دهد، در میقات باید به عمره و حج توأم با هم محرم شود؛ یعنی پس از محرم شدن اعمال عمره را انجام می‌دهد و در لباس احرام

- ۱- . در زمان قدیم از شهر مکه برای مشاعر مقدسه آب بر می‌داشتند چون در سرزمین عرفات و مزدلفه و منا آبی وجود نداشت. کار آب برداشتن در روز هشتم ذی‌الحجه انجام می‌شد. لذا ای (هشتم ذی‌الحجه) که احرام حج می‌بندد و اعمال حج را انجام می‌دهد و قربانی بر او واجب است.

ص: ۱۹۶

همچنان تا هشتم ذی‌الحجه باقی می‌ماند، سپس به منا و عرفات رفته و پس اتمام اعمال حج در عیدقربان، از احرام خارج می‌شود. عکس آن هم صحیح است؛ به این معنا که برای حج محرم شود، سپس عمره را در آن داخل کند. لیکن حنفیه این گونه نیت احرام را مکروه می‌دانند. (۱) قربانی در حج قران واجب است. (۲) ۳. حج افراد: حاجی تصمیم به انجام حج تنها بدون عمره می‌گیرد و احرام حج افراد می‌بندد، پس از انجام طواف قدوم و نیز سعی بین صفا و مروه در مکه مکرمه در حال احرام باقی می‌ماند، سپس در صبح روز هشتم ذی‌الحجه بسوی منا حرکت می‌کند آنگاه شب نهم را در منا بیتوته می‌نماید و در آنجا پنج نماز می‌گزارد (ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح).

در صبح روز نهم، به سوی عرفات حرکت می‌کند و نماز ظهر و عصر را بدون فاصله انداختن بین دو نماز در «مسجد نمره» و بصورت قصر (دورکعتی) می‌خواند و با انجام دادن اعمال حج، عمره مفرده‌ای در پایان می‌آورد. طبق رأی اهل سنت،

۱- همان.

۲- همان.

ص: ۱۹۷

قربانی برای کسی که حج افراد انجام داده است واجب نیست. (۱) سلفیه: کسی که حج افراد انجام دهد، قربانی به عهده او نیست. (۲) اگر عمره را در ماه‌های حج انجام دهد، عمره تمتع می‌شود. لیکن اگر با یک احرام عمره را همراه با حج انجام دهد، حج او حج قران می‌شود. (۳) شایان ذکر است، گرچه از خلیفه دوم چنین نقل شده: «متعتان کانتا علی عهد رسول الله (ص) وأنا أنهی عنهما وأعاقب علیهما، متعه النساء و متعه الحج». (۴) او حج تمتع را تحریم کرد اما فقهای اهل سنت در قرون بعدی تحریم را لغو کردند و آن را مختص شرائط خاص قرن اول هجری دانستند؛ زیرا در آن زمان مسلمانان با انجام اعمال عمره در حج تمتع، در ماه ذی‌الحجه، دیگر بار برای عمره گزاردن در ماه‌های باقیمانده سال، به مکه مکرمه نمی‌آمدند و این موجب می‌شد تا مسجدالحرام خلوت شود؛ اما اکنون که حج تمتع باعث نمی‌شود تا مسجدالحرام خلوت شود؛ لذا انجام حج تمتع حرام نمی‌باشد.

- ۱- الفقه الإسلامی و أدلته، وهبه الزحیلی، ج ۳، ص ۲۱۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۹۸؛ حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۵۹۲.
- ۲- فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۱۱، ص ۳۸۹.
- ۳- همان، ج ۱۱، ص ۳۱۶، فتاوی شماره ۸۸۷۲ و ۴۵۱۷.
- ۴- المحلی، ابن حزم، ج ۷، ص ۱۰۷.

نظریات مذاهب اسلامی درباره حج‌گزاری اهالی‌مکه

شافعیه: انجام یکی از سه نوع حج افراد، تمتع و قران برای آنان صحیح است. (۱) حنفیه: باید حج افراد انجام دهند و حج تمتع و حج قران برای آنها مکروه است؛ اگر حاجی مخالفت کرد و تمتع یا قران انجام داد، کفاره ذبح قربانی بر او واجب است. (۲) فتوای دیگر حنفیه: انجام حج قران و حج تمتع برای حاجیان اهل حرم صحیح نیست. (۳) حنبله: حج افراد انجام دهند و تمتع مکروه است ولی هر سه نوع حج؛ صحیح است. (۴)

۱- مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۶.

۲- حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۵۹۵؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۶۴۲؛

فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۶۴.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۷۰۶.

۴- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۳، ص ۵۰۳.

ص: ۲۰۰

مالکیه: حج افراد انجام دهند و تمتع و قران برای اهل مکه نیست؛ لیکن اگر انجام دهند صحیح است. قربانی و روزه برای کسی است که از اهل مکه نباشد. (۱) شیعه امامیه: وظیفه اهل مکه و اطراف آن فقط حج قران یا حج افراد است. (۲)

۱- المدونۃ الکبری، ج ۱، ص ۳۷۵؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۶۴.

۲- مناسک حج محشی، ص ۹۹، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

ص: ۲۰۱

کدام افضل است؟ حج تمتع، حج قران، حج افراد

شیعه امامیه: حج تمتع افضل از حج قران و حج افراد است. (۱) اکنون لازم است توضیح کوتاهی مطرح شود؛ با اینکه حج افراد و حج قران وظیفه اهل مکه است و حج تمتع، وظیفه افراد دور از آنجا است؛ لیکن مرحوم محقق حلی (ره) در کتاب شرائع چنین آورده است: اگر فردی مأمور شده است تاحج افراد و یا حج قران استجابی انجام دهد، لیکن او حج تمتع مستحبی انجام داد، این کار جائز است؛ زیرا عدول به افضل کرده است. (۲)

حنفیه: حج قران از حج تمتع و حج افراد افضل است و حج تمتع از حج افراد افضل است. (۳)

حنابله: حج تمتع افضل از حج قران و حج افراد است و حج افراد افضل از حج قران است. (۴)

۱- جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۶۱.

۲- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۹۳، چاپ استانبول.

۴- همان، ص ۶۹۲؛ نیل الأوطار، شوکانی، ج ۵، ص ۴۱.

ص: ۲۰۲

شافعیه: حج افراد از حج تمتع و حج قران افضل است، سپس حج تمتع از حج قران افضل می‌باشد. (۱) مالکیه: حج افراد افضل از تمتع و قران است و حج قران از حج تمتع افضل است. (۲) بیان این نکته لازم است که در حج قران و افراد فقط حاجی اعمال حج را انجام می‌دهد و پس از انجام اعمال حج، عمره مفرده‌ای را به جا می‌آورد.

لیکن به نظریه اهل سنت حج قران یعنی حجی که فرد در یک احرام عمره و حج را توأم و باهم انجام می‌دهد. بدین معنا که حاجی پس از محرم شدن، اعمال عمره را انجام می‌دهد و در حال احرامش باقی می‌ماند تا روز عید قربان فرا برسد. و با انجام حلق یا تقصیر، از احرام که طولانی هم شده است بیرون می‌آید. همچنین به نظریه اهل سنت اگر حاجی به عمره محرم شد، می‌تواند با نیت حج قران، حج را با همان احرام اولی (احرام عمره) انجام دهد. (۳)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۸۸، چاپ استانبول.

۲- همان، ص ۶۹۰.

۳- همان؛ الخلاف، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۸۰.

ص: ۲۰۴

اعمال عمره تمتع

شیعه امامیه: عمره تمتع دارای پنج بخش است:

۱ احرام

۲ طواف

۳ نماز طواف

۴ سعی

۵ تقصیر

در عمره تمتع، حلق جایز نیست.

تمامی مذاهب اهل سنت:

عمره دارای ۴ بخش است:

۱ احرام

۲ طواف

۳ سعی

۴ حلق یا تقصیر. (۱) برای مردان حلق افضل است.

۱- الفقه الاسلامی وأدلته، وهبه الزحیلی، ج ۳، ص ۷۹.

ص: ۲۰۵

لازم به ذکر است که اکثر مذاهب اهل سنت نماز طواف را از سنن می‌دانند و آن را در مجموعه مستحبات و سنن ذکر کرده‌اند. (۱) در بخش نماز طواف به نظریات آنان خواهیم پرداخت.

تمامی مذاهب اهل سنت: آنچه در حج واجب است در عمره هم واجب است؛ لیکن در اموری با هم مخالفند:

۱ عمره وقت خاص ندارد.

۲ عمره فوت نمی‌شود.

۳ عمره وقوف در عرفات ندارد.

۴ عمره وقوف در مزدلفه ندارد.

۵ عمره رمی جمرات ندارد. (۲) مالکیه: انجام دو عمره در یک سال کراهت دارد، مگر کسی که داخل مکه باشد. (۳) سلفیه: اگر عمره در ماه‌های حج انجام شود، عمره تمتع می‌شود. لیکن اگر عمره را همراه با حج انجام دهد، حج او حج قرآن می‌شود. (۴)

۱- المجموع، نووی، ج ۸، ص ۱۴؛ أمّ، شافعی، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۹۸، چاپ بیروت.

۳- همان، ج ۱، ص ۶۹۷، چاپ بیروت.

۴- فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۱۱، ص ۳۱۶،

فتاواهای شماره: ۸۸۷۲ و ۴۵۱۷.

ص: ۲۰۷

احرام قبل از میقات

شیعه امامیه: مُحرم شدن قبل از میقات جایز نیست. اگر کسی قبل از رسیدن به مواقیت معروفه (۱) محرم شود، احرام او صحیح نیست؛ مگر آنکه قبل از میقات با نذر محرم شود. پس احرام قبل از میقات، فقط بانذر صحیح است. (۲) حنفیه: افضل آن است که حاجی قبل از میقات (خصوصاً از وطن) محرم شود. (۳)

-
- ۱- میقات‌های معروف عبارتند از: الف مسجدشجره ذو الحلیفه، آبار علی ب جحفه ج یَلْمَلَم د قرن المنازل.
 - ۲- مناسک حجه محشی، مسأله: ۲۱۷، ص ۱۲۱، چاپ تابستان ۱۳۸۲.
 - ۳- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۲، ص ۲۱۵.

ص: ۲۰۸

شافعیه: احرام قبل از میقات صحیح است؛ ولی افضل محرم شدن از میقات است. قول دوم شافعی: افضل احرام قبل از میقات است. (۱) مالکیه: کسی که اراده کرده محرم شود، قبل از میقات لباس احرام را بپوشد، سپس هنگامی که به میقات یا محاذات میقات رسید، نیت احرام کند؛ لیکن اگر قبل از میقات نیت احرام کرد، مُحرم می‌شود و لازم است محرمات احرام را مراعات کند. (۲) حنابله: احرام قبل از میقات جائز است و احرام فردی که قبل از میقات محرم شده، صحیح است و احکام احرام بر او ثابت می‌شود. (۳) سلفیه: هر کس که اراده کرده حج یا عمره انجام دهد، باید در یکی از میقات‌های چهارگانه محرم شود و یا از محاذات آنها محرم شود و احرام قبل از میقات جایز نیست. (۴) آگاهی به این مطلب لازم است که حاجیان اهل سنت مقیم ایران که از مناطق سنی نشین مستقیماً عازم مکه

۱- أمّ، شافعی، ج ۲، ص ۱۳۵؛ الخلاف، شیخ طوسی ره، ج ۱، ص ۳۸۸.

۲- کتاب الحج، فضایل و أحكام، سید محمد بن علوی مالکی، ص ۶۷.

۳- المغنی، ابن قدامه، ج ۳، ص ۲۱۴؛ کشاف القناع، بهوتی حنبلی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۴- کتاب فتاوی اللجنه الدائمه، بن باز، ج ۱۱، ص ۱۳۱.

ص: ۲۰۹

هستند (مدینه بعد)، بر طبق مذهب خودشان از فرودگاههای ایران لباس احرام می‌پوشند و مُحرم می‌شوند و استظلال در مذهب آنان در حال احرام جایز است. بلکه عده‌ای از آنان چون پرواز به جده را عبور از موازی میقات دانسته و مُحرم بودن در حال عبور را شرط می‌دانند، احرام بستن قبل از جده را در داخل هواپیما یا فرودگاههای ایران واجب می‌شمارند. اما حاجیان مدینه قبل از ایران مُحرم نمی‌شوند؛ بلکه پس از زیارت پیامبر اکرم (ص) هنگام سفر به سوی مکه مکرمه در مسجدشجره مُحرم می‌گردند.

ص: ۲۱۰

محرّمات إِمْرَام كَفّارِه‌ها

شیعه امامیه: حج گزار و یا عمره گزار، پس از پوشیدن لباس احرام و نیت و گفتن لیّک، مُحْرَم می شود و باید تا پایان اعمال حج و یا عمره، از کارهایی که بر مُحْرَم حرام است پرهیز کند.

مجموع کارهای حرام، بیست و چهارتاست که چهارتای آن فقط بر مردان حرام است و دوتای آن بر بانوان حرام می باشد و بقیه آنها مشترکاً بر مردان و زنان مُحْرَم حرام است.

جهت آشنایی اجمالی، فهرست آنها را در اینجا می آوریم:

محرّمات مشترک بین زن و مرد:

۱ شکار حیوان صحرائی

۲ آمیزش یا هر گونه استفاده شهوانی دیگر

۳ عقد کردن

۴ استمنا (خود ارضائی)

۵ استعمال عطریات

۶ سر مه کشیدن

۷ نگاه کردن در آینه

۸ فسوق (دروغ گفتن، فحش دادن، فخر فروشی)

۹ جدال، سوگند به «الله»

ص: ۲۱۱

۱۰ کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند

۱۱ انگشتر به دست کردن برای زینت

۱۲ روغن مالیدن به بدن

۱۳ زدودن مو از بدن

۱۴ بیرون آوردن خون از بدن

۱۵ ناخن گرفتن

۱۶ کندن دندان

۱۷ کندن درخت یا گیاهی که در محدوده حرم روئیده باشد

۱۸ سلاح همراه داشتن.

آنچه فقط بر مردان حرام است:

۱ پوشیدن جامه دوخته

۲ پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد

۳ پوشاندن سر

۴ سایه قرار دادن بالای سر.

آنچه بر زنان مُحَرَّم حرام است:

۱ پوشیدن زیور برای زینت

۲ پوشاندن روی خود با نقاب (۱) و روبند. (۲)

۱- نقاب: پارچه‌ای که با آن چهره خود را می‌پوشانند.

۲- مناسک حج محشی، بخش محرّمات احرام، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

ص: ۲۱۲

برخی از محرّمات احرام در حالت عادی (غیر احرام) نیز حرام است؛ ولی در حال احرام گناهِش بیشتر است. ۱ پوشیدن لباس دوخته و کفش روپوشیده و کلاه، بدون عذر برای مردان، طبق فقه مذاهب اهل سنت (۱) و نیز در فقه شیعه امامیه حرام است.

کفاره: گوسفند. (۲)

۲ پوشاندن سر و صورت برای مردان

شیعه امامیه: فقط پوشاندن سر حرام است و کفاره آن یک گوسفند است. (۳) مذاهب اهل سنت: پوشاندن سر حرام است. شیعه امامیه، شافعیه، حنابله: پوشاندن صورت برای مرد در حال احرام حرام نمی‌باشد. (۴) حنفیه، مالکیه: پوشاندن صورت برای مرد در حال احرام حرام است. (۵)

۳ پوشاندن صورت برای زنان

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، صص ۶۸۶ ۶۸۹، چاپ بیروت

۲- مناسک حج محشی، مسأله: ۴۲۴.

۳- مناسک حج محشی، مسأله: ۴۲۶.

۴- همان؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۵۶.

۵- همان.

ص: ۲۱۳

شیعه امامیه: پوشاندن صورت حرام می‌باشد؛ لیکن جائز است برای رو گرفتن از نامحرم، چادر یا جامه را که به سر افکنده؛ پایین بیندازد. (۱) حنابله: پوشاندن صورت جائز است. (۲) شافعیه، حنفیه: هرگاه زن برای پوشش از اجنبی، صورتش را بپوشاند جائز است، به شرطی که پوشیه به صورتش اصابت نکند. (۳)

مالکیه: پوشاندن صورت برای زن حرام است ولی اگر بیگانه در حال نگاه کردن به او است و یا آنکه زن زیبا باشد؛ جائز است صورت خود را بپوشاند. (۴) کفّاره پوشاندن صورت در زن

سلفیه: پوشاندن صورت برای زن در حال احرام از محرّمات محسوب می‌شود و کفّاره‌اش یکی از موارد ذیل است:

۱ قربانی

۲ غذا دادن به ۶ نفر مسکین

۳ سه روز روزه بگیرد. (۵)

۱- مناسک حج محشّی، مسأله: ۴۳۳.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۵۶.

۳- همان.

۴- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۵۶ ۶۵۷.

۵- فتاوی المرأة، ص ۷۰.

ص: ۲۱۴

سلفیه دو فتوا دارند:

۱ نقاب زدن از محرمات احرام است و اگر زن عامداً نقاب بزند، واجب است کفاره بدهد. (۱) نقاب زدن از واجبات است و بر زن حرام می‌باشد صورت خود را باز نگهدارد و بدون نقاب باشد؛ چه در حال احرام باشد یا در حال نماز باشد، فرقی نمی‌کند. (۲)

۴ ازاله مو از بدن

همه مذاهب اسلامی ازاله مو در حال احرام را حرام می‌دانند.

شیعه امامیه: در حرمت ازاله مو، میان کم و زیاد و یا قیچی کردن و غیر آن فرقی نیست؛ بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

اگر عمداً سر را تراشد، کفاره آن یک گوسفند است.

کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد، دوازده مدّ (۳) طعام است، که باید به شش مسکین بدهد؛ یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. (۴)

۱- همان.

۲- فتاوی المرأة، ص ۷۷.

۳- مدّ، یک چهارم سه کیلو است و به آن یک چارک و نیز دهسیر هم گفته می‌شود. هر سیر ۷۵ گرم است. پس مقدار یک مدّ ۷۵۰ گرم می‌باشد.

۴- مناسک حجّ محشّی، مسأله: ۴۰۱، صص ۱۹۰، ۱۸۹، تابستان ۱۳۸۲.

ص: ۲۱۵

حنفیه: اگر یک چهارم موی سر ازاله شود، کفاره‌اش یک گوسفند است. و اگر کمتر باشد صدقه بدهد. (۱) مالکیه: بیشتر از ۱۰ عدد مو کفاره‌اش یک گوسفند است؛ و کمتر از آن، طعام کفاره بدهد. (۲) شافعیه: سه مو یا بیشتر کفاره‌اش یک گوسفند است؛ و اگر یک مو باشد، یک مدّ طعام و اگر دو مو باشد دو مدّ طعام صدقه بدهد. (۳) حنابله: سه مو یا بیشتر کفاره‌اش یک گوسفند است. و اگر کمتر باشد اطعام یک مسکین. (۴) ۵ گرفتن ناخن همه مذاهب اسلامی ناخن گرفتن در حال احرام را حرام می‌دانند. شیعه امامیه: جائز نیست بعض ناخن را هم بگیرد؛ مگر آنکه موجب آزار شود.

۱- الفقه الاسلامی وأدلته، وهبه الزحیلی، ج ۳، مبحث محرّمات احرام.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

ص: ۲۱۶

اگر تمام ناخن دستها را بگیرد، كفاره آن يك گوسفند است و اگر تمام ناخن پاها را بگیرد، يك گوسفند كفاره آن است. اگر يك ناخن از دست يا پا بگیرد، يك مدّ طعام بايد كفاره بدهد. (۱) حنفیه: اگر ناخن دست و يا پا را بگیرد، كفاره‌اش يك گوسفند است. (۲) مالکیه، شافعیه، حنابله: همان تفصیل در ازاله و كندن مو را در این مبحث نیز آورده‌اند. (۳) ۶ استعمال بوی خوش

شیعه امامیه: استعمال مطلق عطر، هر نوع كه باشد، حرام است و مالیدن آن به بدن و لباس جائز نیست و همینطور پوشیدن لباسی كه بوی عطر می‌دهد اگر چه قبلًا به آن عطر مالیده شده باشد؛ حرام است و كفاره‌اش يك گوسفند می‌باشد. (۴) مذاهب اهل سنت: كفاره‌اش يك گوسفند است. (۵)

۱- مناسك حج محشّی، صص ۲۰۳۲۰۲، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

۲- الفقه الاسلامی و أدلته، وهبة الزحیلی، ج ۳، مبحث محرّمات احرام.

۳- همان.

۴- مناسك حج محشّی، ص ۱۷۱، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

۵- الفقه الاسلامی و أدلته، وهبة الزحیلی، ج ۳، مبحث محرّمات احرام.

ص: ۲۱۷

۷ صید حیوان یا متعرّض شدن به آن

شیعه امامیه: همانطور که شکار حرام است خوردن گوشت آن بر مُحرّم حرام است و هرشکاری که حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام می‌باشد.

اگر محرّمی صید را ذبح کند در حکم میته خواهد بود و خوردن گوشت آن، هم بر محرّم و هم بر غیر محرّم حرام است. (۱)
 مالکیه، شافعیه، حنابلّه: جزا و کفاره: مثل و یا قیمت آن را صدقه (۲) بدهد، و یا به جای هر مدّ طعام، یک روز روزه بگیرد. (۳) حنفیه:
 جزا و کفاره: قیمت آن حیوان است و مختیر می‌باشد گوسفندی ذبح کند، یا طعام که به هر مسکین ۱/۵ کیلو گندم صدقه بدهد و یا
 بجای هر ۱/۵ کیلو گندم یک روز روزه بگیرد. (۴) ۸ کندن گیاه یا درخت حرم

۱- مناسک حجّ محشّی، ص ۱۵۹، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

۲- صدقه یعنی غذا دادن به فقیر.

۳- الفقه الاسلامی و أدلته، و هبة الزحیلی، ج ۳، مبحث محرّمات احرام.

۴- همان.

ص: ۲۱۸

شیعه امامیه: کندن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده باشد حرام است و اگر درختی را که کندنش جائز نیست بکنند، احتیاط آن است که اگر درخت بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند کفاره آن است. (۱)

مالکیه: کفاره ندارد. (۲) حنفیه: قیمت آن کفاره اش است. (۳) حنابله، شافعیه: کفاره گاو یا گوسفند کفاره است به حسب بزرگی و کوچکی درخت و قیمت درخت و گیاه. (۴)

شیعه امامیه: اگر کسی عمل آمیزش را در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد انجام دهد، بنا بر احتیاط واجب کفاره اش یک شتر است؛ چه ثروتمند باشد یا نباشد و عمره را پس از اتمام قبلی، دوباره اعاده کند.

اگر کسی این عمل را در احرام حج و قبل از وقوف در عرفات و یا بعد از آن و قبل از وقوف مشعر الحرام انجام دهد؛ حج او فاسد است و در هر دو صورت کفاره آن یک شتر است. (۵)

مذاهب اهل سنت: آمیزش به اتفاق فقهای اهل سنت حج را فاسد می کند. (۶)

۱- مناسک حجمحشی، ص ۲۰۶، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

۲- الفقه الاسلامیو أدلته، وهبه الزحیلی، ج ۳، مبحث محرّمات احرام.

۳- همان.

۴- ۹ آمیزش و مقدمات آن

۵- مناسک حجمحشی، ص ۱۶۴۱۶۳، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

۶- الفقه الاسلامی و أدلته، وهبه الزحیلی، ج ۳، مبحث محرّمات احرام.

ص: ۲۱۹

اگر بدون آمیزش انزال شد مالکیه: حج فاسد می‌شود و به اتفاق همه فقها، باید حج را قضا کند.

شافعیه، حنابله: یک شتر قربانی کند.

مالکیه: یک گوسفند قربانی کند.

حنفیه: اگر آمیزش بعد از وقوف عرفات باشد، کفاره‌اش یک شتر است؛ ولی حج فاسد نمی‌شود. (۱)

اگر آمیزش قبل از وقوف عرفات باشد، کفاره‌اش یک گوسفند است.

مذاهب اهل سنت: اگر در حال نسیان آمیزش کند و یا جاهل به حرمت آمیزش در حال احرام باشد و زن مُکَرّه واقع شود، کفاره ندارد

و حج هم فاسد نمی‌شود. ۱۰ زیر سایه رفتن

شیعه امامیه: مسافرت با ماشین مسقف در روز و نیز سایه قرار دادن مرد بالای سر خود مانند چتر، در حال مسافرت جائز نیست و کفاره

آن یک گوسفند است.

استظلال برای زنها و بیچه‌ها جائز است و کفاره هم ندارد. (۲)

۱- همان، ج ۳، صص ۲۸۱ ۲۸۲.

۲- مناسک حجمحشی، ص ۱۹۷، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

ص: ۲۲۰

مالکیه، حنفیه: جائز است استظلال به وسیله خانه و محمل و چتر و ... به شرطی که به صورت و سر اصابت نکند. (۱) شافعیه: استظلال به وسیله موارد فوق جائز است ولو به سر یا صورت او اصابت کند. (۲) حنابله: اگر به وسیله چیزی که غالباً همراه اوست استظلال کند، مانند محمل حرام است و اگر انجام داد قربانی بدهد. (۳) سلفیه: محرمات احرام عبارت است از:

۱ تراشیدن سر

۲ گرفتن ناخن

۳ پوشاندن سر برای مردان

۴ پوشیدن لباس دوخته برای مردان

۵ استعمال بوی خوش

۶ شکار

۷ عقد ازدواج

۸ جماع

۹ مباشرت با زن ولو جماع صورت نگیرد.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۶۲.

۲- همان.

۳- همان.

ص: ۲۲۱

اگر کسی در حال فراموشی یا جهل به مسأله، محرّمات بالا را به جز جماع و صید مرتکب شد کفاره ندارد؛ ولی اگر عامداً انجام داد کفاره‌اش عبارت است از: یا سه روز روزه بگیرد یا گوسفندی ذبح کند و بین فقراى حرم توزیع نماید و یا شش نفر مسکین را غذا بدهد.

اگر کسی در حال احرام مرتکب عمل جماع شد کفاره‌اش عبارت است از:

اگر جماع قبل از طواف و قبل از تمام شدن سعی صورت گیرد، عمره او فاسد است و باید قربانی کند و لازم است عمره را بار دیگر انجام دهد.

اگر جماع بعد از طواف وسیعی باشد، باید یکی از کفارات ذیل را بردارد:

یا سه روز روزه بگیرد و یا گوسفندی قربانی کند و بین فقراى حرم توزیع نماید و یا شش مسکین را غذا بدهد.

اگر کسی در حال احرام صید کرد، مثل آن صید را باید کفاره بدهد.

اگر فرد محرم عقد نکاح را در حال احرام انجام داد، عقد باطل است ولی کفاره ندارد. (۱)

۱- «صفة العمرة» تألیف: عبد العزیز بن عبد الله بن باز.

ص: ۲۲۳

واجبات حج

مذاهب اهل سنت:

۱. احرام از میقات. پس اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد و از میقات بدون احرام عبور کند، قربانی براو واجب است. برای هر منطقه میقات خاصی تعیین شده است.
 ۲. ماندن در مزدلفه. مزدلفه مکانی است که بین عرفات و منا واقع شده است. شب عید واجب است حاجی در مزدلفه بماند، ولو مقداری از شب باشد.
 ۳. رمی جمرات. در ابتدا روز عید فقط جمره عقبه رمی می‌شود، زمان رمی از نیمه شب عید و بعد از وقوف به عرفه است. رمی جمرات سه گانه در ایام تشریق است.
 ۴. بیتوته در منا، شبهای ۱۱ و ۱۲ ذی‌الحجه، بیشتر شب را در منا باشد. پس اگر مقداری از اول و یا آخر شب را در منا نباشد؛ ضرری ندارد.
- شایان ذکر است که اهل سنت روز هشتم ذی‌الحجه را که روز ترویبه نام دارد از مکه به سوی منا حرکت می‌کنند و شب نهم را در منا بیتوته می‌کنند، آنگاه پس از ادای نماز صبح به طرف عرفات کوچ می‌کنند.

ص: ۲۲۴

۵. خارج شدن از احرام به حلق یا تقصیر. حلق برای مردان افضل است و برای زنان تقصیر متعین است. (۱) ارکان حج به نظریه اهل سنت قبلاً ذکر شد.

شیعه امامیه: ارکان و واجبات حج تمتع به ترتیب زیر است:

۱. احرام از مکه مکرمه (رکن).
۲. وقوف به عرفات (رکن) از ظهر روز نهم تا غروب آفتاب.
۳. بیتوته در مزدلفه (مشعرالحرام) در شب عید. اگر حاجی قبل از طلوع فجر رسید، واجب است در مشعر بیتوته کند.
۴. وقوف در مزدلفه از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان (رکن).
۵. رمی جمره عقبه به هفت سنگریزه در روز عید، از طلوع آفتاب تا غروب.
۶. قربانی.
۷. حلق یا تقصیر.
۸. طواف حج تمتع (زیارت افاضه)، (رکن).
۹. نماز طواف حج تمتع.
۱۰. سعی بین صفا و مروه.
۱۱. طواف نساء.
۱۲. نماز طواف نساء.

ص: ۲۲۵

۱۳. بیتوته در منا در شب ۱۱ و ۱۲.

۱۴. رمی جمرات سه گانه در روز ۱۱ و ۱۲. زمان رمی از طلوع آفتاب تا غروب می باشد.

ص: ۲۲۶

طواف قدوم

طبق نظریه اهل سنت، عمره طواف قدوم ندارد؛ بلکه فقط یک طواف دارد که به آن طواف فرض یا طواف رکن می‌گویند. (۱) هنگامی که عمره گزار طواف عمره را انجام داد، دیگر نیازی به انجام طواف قدوم ندارد و همان طواف عمره از طواف قدوم کفایت می‌کند. (۲)

ابن رشد در کتاب «البدایه» می‌گوید: علما اجماع کرده‌اند که طواف بر سه نوع است: ۱. طواف قدوم ۲. طواف افاضه ۳. طواف وداع.

اهل سنت به طوافی که فرد محرم، هنگام ورود به مکه مکرمه و برای اولین بار انجام می‌دهد؛ طواف قدوم می‌گویند به شرطی که پس از طواف، سعی انجام دهد.

اما طواف قدوم در حج قران و یا حج افراد:

شافعیه، حنفیه، حنابله: سنت و مستحب می‌باشد.

مالکیه: بنا بر قول صحیح‌تر واجب است. (۳)

۱- المجموع، نووی، ج ۸، ص ۱۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة،

الجزیری، ج ۱، ص ۶۹۸، چاپ بیروت.

۲- المجموع، نووی، ج ۸، ص ۱۱.

۳- الفقه الاسلامی وأدلته، وهبه الزحیلی، ج ۳، صص ۱۱۹۱۱۸.

ص: ۲۲۷

شیعه امامیه: ممکن است مقصود از طواف قدوم همان طواف مستحبی باشد که حاجی مُفرد یا قارن هنگام ورود به مکه و قبل از وقوف انجام می‌دهد، همانند اهل سنت چون طواف قدوم نه در حق اهل مکه متصور است و نه درباره کسی که می‌خواهد عمره تمتع انجام دهد؛ و در خصوص حاجی به حج افراد نیز متصور نیست. [\(۱\)](#)

۱- الدروس، شهید اول ره، ج ۱، ص ۴۰۰؛

جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۵۳.

ص: ۲۲۸

اضطباع و رَمَل برای مردان

اضطباع، عبارت است از قرار دادن وسط حوله در زیر بغل راست و بیرون آوردن آن از زیر بغل و انداختن دو طرف آن بر روی شانه چپ.

رَمَل، عبارت است از سرعت در راه رفتن در هنگام طواف؛ ولی قدمها کوچک و نزدیک به هم باشد مثل هروله کردن. رمل فقط در سه دور اول طواف است.

شافعیه: اضطباع مرد ولو پسر بچه باشد، در طواف از سنن (مستحبات) است. رَمَل نیز از سنن طواف است و فقط در سه دور اول برای مردان می‌باشد. (۱) مالکیه: عمل رَمَل برای مردان سنت است، در سه دور اول طواف. اگر طواف قدوم را انجام نداده باشد مستحب است رَمَل در طواف افزایه انجام شود. (۲) شایان ذکر است که مالکیه عمل اضطباع را نگفته‌اند.

حنفیه: عمل اضطباع در طوافی که بعد از آن سعی انجام می‌شود؛ مستحب است. واما رَمَل؛ فقط در سه دور اول طواف انجام شود. (۳)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۶۷، چاپ بیروت.

۲- همان، ص ۶۶۸؛ الفقه الاسلامی و أدلته، وهبة الزحیلی، ج ۳، ص ۹۸.

۳- همان؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۶۹، چاپ بیروت.

ص: ۲۲۹

حنابله: برای مردان اضطباع کردن در طواف قدوم سنت است.

اما زَمَل در سه دور اول طواف از سنن و مستحبات می‌باشد. (۱) شیعه امامیه: عمل اضطباع و رمل از مختصات مذهب سنی است و در فقه شیعه امامیه حکم خاصی ندارد و در سطرهای قبلی ملاحظه شد که هیچیک از مذاهب اسلامی قائل به وجوب آن نیستند. لیکن لازم است نکته‌ای در این خصوص بیان شود که درباره دو عمل اضطباع و زَمَل، بعضی از قدمای امامیه چون شیخ طوسی مطالبی ذکر کرده‌اند؛ (۲) ولی در کتب متأخرین فقهای شیعه امامیه همانطور که نسبت به وجوب آن مطلبی نیاورده‌اند، درباره استحباب آن نیز ذکری به میان نیامده است.

۱- همان.

۲- مبسوط، شیخ طوسی ره، ج ۱، ص ۳۵۶.

ص: ۲۳۰

مرحوم صاحب جواهر درباره اضطباع و رمل مطالب سودمندی در کتاب ارجمندش آورده است که مطالعه آن برای فضلا و محققان محترم، مفید فایده خواهد بود. (۱) همانطور که قبلاً ذکر شد در مذهب مالکیه نیز اشاره‌ای به اضطباع نشده است. سلفیه: اضطباع فقط در طواف قدوم مستحب است، آن هم در تمامی شوطهای طواف قدوم؛ لیکن رمل در سه شوط اول طواف قدوم، چه در حج باشد و چه در عمره باشد، مستحب است. (۲) خوب است بدانید که بیشتر زائران سنی بخاطر ندانستن مسأله، حالت اضطباع را در غیر طواف هم حفظ می‌کنند که باعث التهاب و سوخته شدن پوست بدن آنها می‌شود.

۱- جواهر الکلام، ج ۱۹، صص ۳۵۲۳۵۱.

۲- فتاوی اللجنه الدائمه، بن باز، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

نماز طواف و وجوب ادای آن نزد مقام ابراهیم (ع)

وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی.. (۱).

شیعه امامیه: یکی از واجبات عمره و حج، دو رکعت نماز طواف است. بر هر حاجی و عمره گزار واجب است که پس از هر طواف، دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم بخواند و اگر بواسطه زیادی و ازدحام جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد، کافی است در هر نقطه‌ای که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند، نماز طواف را بخواند؛ گرچه از مقام دور باشد. حتی مقام معظم رهبری فرموده‌اند: بلکه در صورت ازدحام، صحت نماز در هر جای مسجد الحرام بعید نیست. (۲) بر این اساس زائران عزیز ایرانی باید توجه داشته باشند که اگر در شرایط ازدحام، نماز خواندن نزدیک مقام ابراهیم (ع) موجب اذیت و آزار دیگران شود و مانع حرکت طواف کنندگان گردد؛ بی‌تردید این رفتار بد، اثر سوء و نامطلوبی را به دنبال خواهد

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- مناسک حج محشی، ص ۳۲۰، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

ص: ۲۳۲

داشت و موجب بدبین شدن سایر مسلمانان به مذهب شیعه و وهن مکتب اهل بیت خواهد شد. بنابراین هنگام خواندن نماز طواف، مقداری از مقام فاصله بگیرند و در مکانی پشت مقام نماز بخوانند که خارج از مسیر طواف کنندگان باشد.

در همین خصوص توجه خوانندگان گرامی را به چند روایت جلب می‌کنم:

۱. معاویة بن عمار عن أبي عبدالله (ع) قال: «أحرم رسول الله (ص) من ذی الحلیفه ... ثم أتى مكة وطاف سبعة أشواط ثم صَلَّى ركعتين خلف مقام إبراهيم (ع)». (۱) صحیحہ علی بن رثاب عن أبي بصیر قال: سألت أبا عبدالله (ع) عن رجل نسي أن يصلي ركعتي طواف الفريضة خلف المقام وقد قال الله تعالى: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ...» (۲)، حتى ارتحل. فقال: «إن كان ارتحل فإني لأشق عليه ولا أمره أن يرجع ولكن يصلي حيث يذكر». (۳) صحیحہ معاویة بن عمار قال: قلت لأبي عبدالله (ع): رجل نسي الركعتين خلف مقام إبراهيم (ع) فلم يذكر حتى ارتحل من

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۲.

۲- سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۳- الحدائق الناضرة، ج ۱۶، ص ۱۴۱.

ص: ۲۳۳

مکه. قال: «فلیصلهما حیث ذکر، وإن ذکرهما وهو بالبلد فلا یرح حتی یقضیهما». (۱) منابع روایی و فقهی اهل سنت نیز درباره نماز طواف، مطالب فراوانی ذکر کرده‌اند که به عنوان نمونه دو مورد از آن را می‌بینید:

۱. عبدالله بن عمر: «قدم رسول الله (ص) وطاف بالبيت وصلى خلف مقام إبراهيم ركعتين وطاف بين الصفا والمروة، كان لکم فی رسول الله (ص) أسوة حسنة». (۲)

۲. محی‌الدین نووی می‌گوید: نماز طواف در نزد مقام ابراهیم (ع) واجب است واجماعاً غیر از طواف، نماز دیگری در نزد مقام ابراهیم (ع) واجب نیست. (۳) حنفیه: نماز طواف واجب است؛ ولی در هر جای مسجد الحرام بخوانند کافی است و لازم نیست پشت مقام ابراهیم باشد. (۴) شافعیه: یک قول: نماز طواف واجب است. قول دیگر: مستحب است.

۱- وسائل الشیعه، بخش حج، باب ۷۴ از ابواب طواف.

۲- المعجم الأوسط، طبرانی، ج ۴، ص ۳۷۰.

۳- المجموع، نووی، ج ۸، ص ۵۱.

۴- حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۴۰۳؛ فقه السنه، سید سابق، ج ۱، ص ۷۰۳.

المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۲۳؛ نیل الأوطار، شوکانی، ج ۵، ص ۱۲۴.

ص: ۲۳۴

مالکیه: از مستحبات مؤکده، خواندن دو رکعت نماز طواف است (۱) و هبه الزحیلی در کتابش چنین ذکر کرده است: در باور مالکیه خواندن نماز طواف واجب می‌باشد؛ ولی مستحب است نماز طواف نزد مقام ابراهیم خوانده شود. (۲) حنابله: مستحب است بعد از طواف دو رکعت نماز بخواند. (۳) توضیح این نکته ضروری است که هیچیک از مذاهب اهل سنت واجب نمی‌دانند که نماز طواف باید پشت مقام ابراهیم (ع) خوانده شود؛ بلکه آن را مستحب می‌دانند.

۱- حاشیه دسوقی، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲- الفقه الإسلامی وأدلته، و هبه الزحیلی، ج ۳، ص ۹۴.

۳- همان، ج ۳، ص ۱۱۳.

ص: ۲۳۶

حکم بیتوته شب نهم ذی الحجه در سرزمین منا

تمامی مذاهب چهارگانه اهل سنت اتفاق نظریه دارند که خواندن پنج نماز واجب در روز ترویبه در منا (ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح) و نیز بیتوته در منا در شب نهم ذی الحجه سنت است و مستحب می باشد؛ لذا جمعیت انبوهی از اهل سنت، در روز هشتم ذی الحجه از مکه مکرمه عازم منا می شوند و قبل از ظهر روز نهم به عرفات می آیند. (۱)

۱- همان، ج ۳، ص ۲۰۴.

ص: ۲۳۷

وقوف در عرفات

شیعه امامیه: وقوف به عرفات از ظهر روز نهم ذی الحجه تا مغرب، از ارکان حج می باشد و کسی که این وقوف را درک نکند حج او فاسد می شود.

آنچه رکن است، مقداری در سرزمین عرفات بماند، هر چند خیلی کم باشد؛ پس اگر هیچ به عرفات نرود، رکن را ترک کرده است. (۱) مالکیه: از ارکان حج، حضور در عرفات می باشد و آن از زوال روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب است. وقت دیگری نیز برای وقوف در عرفات وجود دارد و آن لحظه‌ای است از غروب شب دهم تا سحرگاه روز عید. (۲) حنابله: وقت معتبر شرعی در وقوف به عرفات، از سحرگاه روز نهم ذی الحجه تا سحرگاه روز عید می باشد. وقوف به عرفات

۱- مبسوط، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ مراسم، سلار ره، ص ۱۰۵؛

مناسک حج محشی، مسأله ۹۶۲۹۸۲ ۹۶۹۶۱ ۲۵۶۹۶۱.

۲- کتاب الحج، محمد بن علوی مالکی، ص ۵۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة،

الجزیری، ج ۱، صص ۶۵۰ و ۶۷۵، چاپ بیروت.

ص: ۲۳۸

از ارکان حج است؛ پس اگر حاجی این رکن را انجام ندهد، حج او باطل می‌شود. (۱) شافعیه: وقوف به عرفات از ارکان حج حساب می‌شود و وقت حضور در عرفات از زوال خورشید روز نهم ذی‌الحجه تا فجر روز دهم است؛ ولو لحظه‌ای حضور داشته باشد. (۲) حنفیه: حج فقط دو رکن دارد: ۱. وقوف به عرفات ۲. طواف زیارت (حج). وقت وقوف در عرفات از زوال شمس روز نهم ذی‌الحجه تا فجر روز عید است. (۳)

۱- همان.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۷۳؛

کتاب الحج، فضایل و احکام، علوی مالکی، ص ۶۳.

۳- همان؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، صص ۶۵۰ و ۶۷۴.

ص: ۲۳۹

وقوف در مشعرالحرام

شیعه امامیه: یکی از ارکان حج، وقوف در سرزمین مشعرالحرام (مزدلفه) است. برحاجی واجب است از طلوع فجر روز عید تا طلوع آفتاب در مشعر وقوف داشته باشد؛ لیکن تمام آن رکن نیست، اگرچه به قدر یک دقیقه بماند. پساگر کسی وقوف بینالطوعین را یکسره ترک کند؛ حج او باطل خواهد شد.

احتیاط واجب آن است که مقداری از شب دهم را در مشعر بیتوته کند و با قصد قربت هم باشد. (۱) شافعیه: حضور در مزدلفه واجب است، به شرطی که در نیمه دوم شب عید باشد و ماندن شرط نیست، بلکه مرور از مزدلفه کافی است؛ چه بداند اینجا مزدلفه است، یا نداند. (۲) حنفیه: یکی از واجبات حج، حضور در مزدلفه قبل از طلوع فجر است ولو ساعتی باشد؛ پس اگر این حضور را ترک کرد قربانی بر او لازم می شود، مگر آنکه مریض باشد که در این صورت فدیة لازم نیست. (۳)

۱- مناسک حج محشی، مسأله: ۹۷۹ و ۹۸۲.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۷۶، چاپ بیروت.

۳- همان، ص ۶۷۷.

ص: ۲۴۰

حنابله: حضور در مزدلفه ولو به مقدار کمی واجب است، به شرطی که در نیمه دوم شب عید باشد. اگر حاجی آبرسان و یا چوپان باشد، این حضور لازم نیست. (۱) مالکیه: بعد از وقوف به عرفات، هنگامی که حاجی عازم منا است، ماندن به مقدار کمی در مزدلفه بر او واجب است؛ اگر عذری نداشته باشد. (۲)

۱- همان، ص ۶۷۸.

۲- همان، ص ۶۷۹.

ص: ۲۴۱

آیا قربانی در حج افراد و حج قرآن

لازم است؟

هیچیک از مذاهب اسلامی قربانی را در حج افراد واجب نمی‌دانند، اما آن را مستحب می‌دانند. به همین دلیل است که بسیاری از حجاج سنی ایرانی، حج افراد انجام می‌دهند و با نیت حج افراد زحمت تهیه قربانی را به خود نمی‌دهند. اما در خصوص حج قرآن به مطالب ذیل توجه کنید:

شیعه امامیه: در حج قرآن، قربانی واجب می‌باشد. (۱) اما در حج افراد ذبح کردن قربانی واجب نیست ولی استحباب دارد. (۲) لازم به یادآوری است که حج قرآن و حج افراد، فقط وظیفه اهالی مکه و اطراف آن می‌باشد. حنفیه: برحاجی قارن قربانی لازم است. (۳)

۱- معالم المدرستین، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲- مناسک حج محشی، مسأله: ۱۷۴، ص ۱۰۰.

۳- حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۵۹۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۹۱؛

الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۷۰۶.

ص: ۲۴۲

مالکیه: برقرارن قربانی لازم است، ولی اگر از اهل مکه باشند و حج تمتع و یا حج قرآن انجام دهند؛ قربانی بر آنها لازم نیست. (۱)

شافعیه: کسی که حج قرآن می‌گذارد، قربانی بر او لازم است. (۲) حنابله: قربانی حج قرآن واجب است، و ما مخالفی در این باره سراغ نداریم ... (۳)

۱- المدونه الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۹۱.

۲- مختصر المزنی، ص ۶۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۹۰؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۲۶.

۳- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۳، ص ۴۹۷.

ص: ۲۴۳

ترتیب اعمال روز دهم ذی‌الحجه (عید قربان)

شیعه امامیه: در روز دهم لازم است حج گزار سه عمل مهم که شرعاً بر او واجب شده، انجام دهد. حاجی می‌بایست به ترتیب ذیل اعمال سه گانه روز عید قربان را به انجام برساند:

۱. رمی جمره عقبه

۲. قربانی

۳. حلق یا تقصیر. برای زنان تقصیر متعین است. (۱) حنفیه: رعایت ترتیب ذیل:

۱. رمی جمره عقبه روز دهم

۲. ذبح کردن قربانی

۳. حلق

واجب است. (۲)

۱- مناسک حج محشی.

۲- همان، ج ۳، ص ۳۰۸.

ص: ۲۴۴

شافعیه: ۱. رمی جمره عقبه ۲. ذبح قربانی تمتع و قران ۳. حلق؛ زیرا رسول خدا (ص) قربانی شتر را بدین ترتیب انجام داد و این ترتیب مستحب است نه واجب. (۱) حنابله: ۱. رمی جمره عقبه ۲. حلق. افضل ذبح کردن قربانی در منا است و مدت آن سه روز است: ۱۲ ۱۱ ۱۰ ذی‌الحجه. (۲) ولی مستحب است این ترتیب مراعات شود: ۱. رمی ۲. ذبح ۳. حلق. مالکیه: رمی، حلق در یکی از ایام تشریق در حرم انجام گیرد؛ اگر قربانی را همراه داشت و با آن در عرفات و قوف کرد باید در روز عید قربانی کند. ولی اگر قربانی را همراه نداشت، ذبح کردن قربانی را در مکه انجام دهد. (۳) قبلاً اشاره شد که حنابله و شافعیه می‌گویند مراعات ترتیب لازم نیست؛ پس اگر حاجی حلق را قبل از رمی انجام دهد صحیح است. (۴)

۱- الفقه الاسلامی وأدلته، وهبة الزحیلی، ج ۳، صص ۲۰۹ ۲۲۴.

۲- همان، ج ۳، ص ۱۱۹.

۳- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبة الزحیلی، ج ۳، صص ۲۰۹ ۳۰۸.

۴- همان، ج ۳، ص ۲۱۸.

ص: ۲۴۵

همچنین به نظریه آنان و نیز شیعه امامیه، ذبح در حج افراد واجب نیست، بلکه مستحب است. (۱)

۱- همان؛ و مناسک حج محشی.

ص: ۲۴۶

زمان رمی در روز دهم

حجاجی که مشکل ندارند و خودشان میتوانند اعمال را انجام دهند، برای رمی جمرات محدودیت زمانی ندارند. در ذیل با نظریات مختلف در این خصوص آشنا خواهید شد:

شیعه‌امامیه: از طلوع آفتاب تا غروب. (۱) حنفیه: از طلوع آفتاب تا صبح روز بعد.

مالکیه: از طلوع آفتاب تا ظهر، بعد از آن مکروه است.

شافعیه، حنابله: بعد از نیمه شب تا آخر ایام تشریق. (۲)

-
- ۱- مناسک حج محشی، بخش رمی جمرات.
 - ۲- کتاب الحج، فضایل و احکام، سید محمد بنعلوی مالکی.

ص: ۲۴۷

محرّمات باقیمانده پس از حلق یا تقصیر در روز دهم

شیعه امامیه: در روز عید قربان، پس از انجام اعمال سه گانه آن روز که عبارت است از: رمی جمره عقبه، قربانی، حلق یا تقصیر؛ تمام محرّمات احرام بر حاجی حلال می‌شود مگر چهار چیز:

۱ صید در حرم

۲ کندن گیاه حرم

این دو به حال احرام اختصاص ندارد؛ بلکه در همه حالات انجام آن‌ها حرام است.

۳ استعمال بوی خوش عطر(۱)

۴ آمیزش. پس می‌توان برای مُحلّ شدن سه مرحله در نظر گرفته شود:

۱ احلال اول، که حاجی با انجام رمی جمره عقبه، ذبح، حلق و یا تقصیر؛ از احرام خارج می‌شود و تمام محرّمات جز بوی خوش و زن، بر او حلال می‌شود.

۱- مناسک حج محشّی، بخش محرّمات احرام.

ص: ۲۴۸

۲ احلال دوم، که با طواف زیارت و نماز طواف وسعی، استفاده از بوی خوش بر او حلال می‌شود.

۳ احلال سوم: (حلال شدن زن برای همسرش و بالعکس)، با انجام طواف نساء و نماز آن حاصل می‌گردد. (۱) جمهور اهل سنت بر این باورند که تمامی محرّمات احرام پس از حلق یا تقصیر در روز عید قربان بر حاجی حلال می‌شود مگر سه چیز: ۱ زن.

۲ بوی خوش. براساس گفته نووی، شافعی معتقد است که قبل از طواف، عطر بر حاجی حلال می‌شود. (۲) صید. (۳) مالکیه: حاجی در دو مرحله از احرام خارج می‌شود:

۱ مُحَلّ شدن اول. این گونه مُحَلّ شدن به انجام دو عمل از اعمال سه گانه ذیل صورت می‌گیرد: ۱. رمی جمره عقبه ۲. حلق یا تقصیر ۳. طواف افاضه.

۲ مُحَلّ شدن دوم. این نوع مُحَلّ شدن، با انجام دادن طواف و سعی صورت می‌گیرد. (۴)

۱- همان؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۵۸.

۲- شرح مسلم، نووی، ج ۸، ص ۹۹.

۳- الفقه الاسلامی و أدلته، وهبه الزحیلی، ج ۳، ص ۲۱۸.

۴- کتاب الحج، فضائل و احکام، سید محمد بن علوی مالکی، ص ۱۵۰۱۱۳.

ص: ۲۴۹

حنابله: احلال اول با دومورد از سه مورد ذیل حاصل می‌شود: ۱. رمی جمره عقبه ۲. حلق یا تقصیر ۳. طواف زیارت. (۱)

حنفیه: تحلل اول فقط با رمی و حلق تحقق پیدا می‌کند، و رمی به تنهایی محلل احرام نیست. (۲) شافعیه: حج دو تحلل دارد که هر دو تحلل با انجام سه عمل: رمی جمره عقبه، حلق و طواف افاضه تحقق پیدا می‌کند؛ اگر قائل شویم که حلق، جزو مناسک حج است و الا دو تحلل فقط به رمی و طواف تعلق دارد.

پس اگر قائل شویم حلق از مناسک حج است، تحلل اول با انجام دو عمل از آن سه عمل تحقق پیدا می‌کند؛ حالا فرق نمی‌کند رمی و حلق باهم باشد، یا رمی و طواف و یا طواف و حلق.

اما تحلل دوم، با انجام باقیمانده از آن سه عمل حاصل می‌شود. (۳)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۸۶.

۲- حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۵۶۹.

۳- المجموع، نووی، ج ۸، ص ۲۲۸ ۲۲۹.

اعمال مکه مکرمه پس از اعمال روز دهم در منا

شیعه امامیه: حاجی پس از آنکه با تقصیر از احرام حج بیرون آمد، می‌تواند به مکه برود و اعمال پنج‌گانه مکه را انجام دهد:

۱. طواف زیارت (طواف حج تمتع)

۲. نماز طواف

۳. سعی بین صفا و مروه

۴. طواف نساء

۵. نماز طواف نساء

واجب است این اعمال را در ماه ذی‌الحجه به پایان ببرد. لیکن انجام دادن این واجبات در ایام تشریق مستحب است. (۱) مذاهب اهل سنت:

اهل سنت سعی می‌کنند که همان روز دهم ذی‌الحجه برای انجام بقیه مناسک، از منا به مکه بروند زیرا برخی مانند ابوحنیفه انجام دادن آن را در ایام تشریق واجب دانسته و تأخیر

۱- مناسک حج محشی، ص ۴۶۴.

ص: ۲۵۲

آن را موجب کفاره یک گوسفند می‌داند، و برخی مانند مالکیه تأخیر آن را از روز عید مکروه شمرده و برخی دیگر مانند حنبله انجام آن را در روز عید مستحب دانسته و شافعیه در ایام تشریق مستحب می‌دانند. (۱) اکنون به شرح و تفصیل نظریات اهل سنت توجه فرمائید:

حنفیه: واجب است طواف افاضه در ایام تشریق انجام شود.

مالکیه: واجب است طواف افاضه در ماه ذی‌الحجه انجام شود؛ لیکن تأخیر آن از روز عید، بدون عذر، کراهت دارد. (۲) شافعیه: انجام طواف افاضه واجب است؛ ولی در ایام تشریق مستحب است انجام شود.

حنبله: انجام طواف افاضه واجب است؛ ولی مستحب است در روز عید انجام شود. (۳)

۱- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبة الزحیلی، ج ۳، صص ۲۱۸، ۲۱۹.

۲- همان؛ کتاب الحج، فضائل وأحكام، ص ۱۳۶.

۳- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبة الزحیلی، ج ۳، ص ۱۲۰.

ص: ۲۵۴

اوقات رمی جمرات در ایام تشریق**(روزهای ۱۲۱۱۰ ذی الحجّه)**

(۱) رمی جمره عقبه در روز عید:

شیعه امامیه: زمان رمی جمره عقبه در روز دهم ذی الحجّه، از طلوع آفتاب آغاز می‌شود و تا غروب آفتاب ادامه خواهد داشت. البته افراد معذور مانند بیماران، زنان و همراهان آنها می‌توانند از نیمه شب عید شروع کنند. (۱) شافعیه، حنابله: از نیمه شب دهم؛ ولی افضل بعد از طلوع آفتاب روز دهم است. (۲) مالکیه، حنفیه: بعد از طلوع آفتاب روز عید. (۳) رمی جمرات در روزهای ۱۲۱۱ ذی الحجّه:

شیعه امامیه: زمان رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجّه، از طلوع آفتاب آغاز می‌شود و تا غروب

۱- مناسک حج محشّی.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۷۶؛ الفقه الإسلامی وأدلّته، وهبه الزحیلی، ج ۳، ص ۱۹۴.

۳- همان.

ص: ۲۵۵

آفتاب ادامه خواهد داشت. البته افراد معذور می‌توانند در شب رمی جمرات را انجام دهند. (۱) به اتفاق تمامی مذاهب چهارگانه اهل سنت وقت رمی جمرات سه‌گانه در روزهای ۱۲۱۱ ذی‌الحجه، از زمان زوال خورشید است. یعنی از ظهر شرعی استمرار دارد تا غروب آفتاب. (۲) سلفیه: زمان رمی جمرات ثلاث در روزهای ۱۲۱۱ ذی‌الحجه، بعد از زوال (بعد از ظهر) می‌باشد. پس اگر حاجی قبل از ظهر رمی را انجام داد و آن را در بعد از زوال اعاده نکرد، باید یک گوسفند ذبح کند و بین فقرا حرم مکه توزیع نماید. (۳)

۱- مناسک حج محشی.

۲- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبة الزحیلی، ج ۳، ص ۱۹۵.

۳- فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۱۱، ص ۲۷۳.

ص: ۲۵۶

بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اخیراً برخی از فقهای اهل سنت، فتوا به جواز شروع رمی جمرات از طلوع آفتاب داده‌اند. علت صدور این فتوا، ازدحام وحشتناکی است که اهل سنت برای رمی جمرات در روزهای ۱۲۱۱ ذی‌الحجه، بعد از زوال خورشید به وجود می‌آورند.

ص: ۲۵۷

طواف وداع

به طواف وداع، طواف صیدر هم می‌گویند. صدر به معنای رجوع نمودن است. (۱) شیعه امامیه: پس از انجام مناسک، طواف وداع برای کسی که عازم خروج از مکه است، مستحب می‌باشد. (۲) بعضی از فقهای شیعه امامیه مانند شیخ طوسی (ره)، انجام طواف وداع را مستحب مؤکد می‌دانند. (۳) مالکیه: پس از انجام مناسک، طواف وداع برای کسی که عازم خروج از مکه است مستحب است. (۴) بعضی از علمای مالکیه طواف وداع را واجب می‌دانند. از جمله مرحوم آقای علوی مالکی، از علمای نامور مذهب مالکیه به این مطلب تصریح کرده است. (۵)

- ۱- انتصار، سید مرتضی ره، ص ۲۵۵.
- ۲- مختلف، علامه حلّی ره، ج ۴، ص ۳۰۲.
- ۳- النهایه، شیخ طوسی ره، ص ۲۷۰.
- ۴- حاشیه دسوقی، ج ۲، ص ۵۳.
- ۵- کتاب الحج، فضائل و أحكام، ص ۱۷۷.

ص: ۲۵۸

شافعیه، حنفیه، حنابله: طواف وداع برای غیر اهالی مکه و برای کسی که بعد از بازگشت از منا عازم خروج از مکه مکرمه است، واجب می‌باشد. (۱) لازم به ذکر است که حنفیه، شافعیه، حنابله می‌گویند: اگر حاجی طواف وداع را که واجب است، ترک کند؛ جبران ترک طواف او، ذبح نمودن یک قربانی می‌باشد. (۲) سلفیه: طواف وداع واجب است. اگر کسی آن را ترک کند واجب است یک گوسفند در مکه ذبح کند و بین فقرای آنجا توزیع نماید و خودش از گوشت آن نخورد. اگر حاجی طواف افاضه را انجام نداد و به‌جای آن طواف وداع انجام داد، طواف وداع از طواف افاضه کفایت می‌کند. (۳)

- ۱- حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۳۱۱؛ نیالاًوطار، شوکانی، ج ۵، ص ۱۷۱؛ والفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۲۷۶.
- ۲- الفقه الإسلامی و أدلته، ج ۳، ص ۱۴۷؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۱۳.
- ۳- فتاوی اللجنة الدائمة، بن باز، ج ۱۱، صص ۳۰۰ ۳۰۱.

ص: ۲۵۹

حائض و طواف وداع

شیعه امامیه: برحائض حرام است طواف وداع و هرگونه طواف دیگر انجام دهد؛ زیرا هم فاقد طهارت است و هم داخل شدن در مسجد الحرام بر او حرام می‌باشد.

البته شیعه امامیه طواف وداع را برای سایر افراد مستحب می‌داند، ولی اهل سنت آن را واجب می‌دانند. (۱) مذاهب اهل سنت: درخصوص انجام طواف وداع، زن حائض هیچگونه وظیفه‌ای ندارد و جائز است طواف وداع را ترک کند و از مکه خارج شود. (۲) سلفیه: اگر زن اعمال حج را به پایان رساند و قبل از طواف وداع حائض شد؛ این طواف از او ساقط می‌شود و می‌تواند مسافرت کند از مکه خارج شود و حج او صحیح است. (۳)

۱- مناسک حج محشی، ص ۵۰۸، چاپ تابستان ۱۳۸۲

۲- أم، شافعی، ج ۲، ص ۲۴۳؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۴۱؛

حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۵۸۱.

۳- فتاوی المرأة، ص ۷۴.

لزوم وجود مَحْرَم برای زن مستطیع

شیعه امامیه: اگر وضع سفر حج طوری باشد که امنیت زن تأمین می‌شود؛ تشریف به تنهایی اوجائز است و نیازی به همراه ندارد. (۱)
وجود مَحْرَم شرط وجوب حج در مورد زن نمی‌شود و حج او به تنهایی هم صحیح است، زیرا آیه شریفه: **وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا** (۲) اطلاق دارد و رسول خدا (ص) (سبیل) را به زاد و راحله (توشه) تفسیر کردند و وجود مَحْرَم را همراه زن به عنوان شرط مطرح نفرمودند. (۳) در این خصوص توجه خوانندگان گرامی را به دو روایت جلب می‌کنم:

۱. صحیح‌ه سلیمان بن خالد، «عن أبي عبد الله الصادق (ع) في المرأة تريد الحج ليس لها محرم هل يصلح لها الحج؟ قال: نعم، إذا كانت مأمونة». (۴)

۱-۱. شرائع، محقق حلی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲-۲. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۳-۳. غنیه، ابي المکارم بن زهره، ص ۱۹۳.

۴-۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۸۲.

ص: ۲۶۱

۲. علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد بن عيسى عن معاوية بن عمار قال: «سألت أبا عبد الله (ع) عن المرأة الحرة تحج إلى مكة بغير ولي؟ فقال: لا بأس تخرج مع قوم ثقات». (۱)

حنفيه: اگر فاصله وطن زن با مکه سه روز یا بیشتر باشد، وجود همسر و یا مَحْرَم به همراه او واجب است و فرقی بین زن پیر، یا جوان نیست. (۲) حنابله، مالکیه: در صورتی زن واجب الحج می شود که همسر یا مَحْرَم همراه او باشد و یا افراد آشنایی که وی در کنار آنان مصون بماند. (۳)

شافعیه: واجب است که همسر، یا مَحْرَم و یا چند زن مورد اعتماد (دوزن یا بیشتر) همراه زن باشد و اگر یک زن همراه یافت، حج بر او واجب نمی شود؛ اگرچه با یک زن هم جایز است حج واجب (حجّه الاسلام) را انجام دهد؛ بلکه اگر امنیت باشد انجام حج فریضه به تنهایی هم بر او جایز است. (۴)

۱- جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۳۳۱.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، الجزیری، ج ۱، ص ۶۴۶.

۳- همان، ص ۶۴۷.

۴- همان، ص ۶۴۸.

ص: ۲۶۲

سلفیه: زن بدون مَحْرَم مستطیع نمی‌شود ولو سایر شرائط استطاعت را داشته باشد؛ زیرا واجب است زن به همراه مَحْرَم مسافرت کند و مسافرت با اجانب جایز نیست. (۱) اگر زنی از اقارب خود درخواست کرد تا با او به حج بروند؛ اقارب وی اجابت نکردند و زن با مردی اجنبی که دو زن دیگر همراه داشت به حج رفت و اعمال حج را انجام داد؛ در این صورت حج زن صحیح است، ولی نسبت به نبودن مَحْرَم به همراه وی؛ معصیت کرده‌است و باید توبه کند. (۲)

۱- کتاب فتاوی‌ المرأه، گروه دائمی فتوا، ص ۷۱ ۷۲.

۲- همان، فتاوی‌ بن باز، ص ۷۲.

ص: ۲۶۳

قرص جلوگیری برای ادای حج و عمره

شیعه امامیه: طبق نظریه فقهای شیعه امامیه، خوردن قرص‌هایی که از حامله شدن جلوگیری می‌کند و عادت ماهانه را به تأخیر می‌اندازد تا زن بتواند روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد، یا اعمالی که طهارت در آنها شرط است، جائز است. (۱) سلفیه: استعمال قرص‌های جلوگیری از عادت ماهانه برای زنان جایز است تا اینکه اعمال حج یا عمره را به انجام برسانند. (۲) نظریه مذاهب اربعه اهل سنت را در این خصوص نیافتیم.

۱- مناسک حج محشی، ص ۳۰۵، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

۲- کتاب فتاوی المرأه، فتاوی بن جبرین، ص ۷۰.

ص: ۲۶۴

حائض، می‌تواند طواف کند

شیعه امامیه: طواف حائض بدون تردید باطل است و همه فقهای شیعه در این خصوص اتفاق نظریه دارند؛ زیرا این مسأله یکی از مصادیق قطعی اجتماع امر و نهی می‌باشد که در علم اصول به طور مبسوط بحث شده است. اولاً: انطباق دو عنوان بر یک مورد صورت گرفته است. ثانیاً: ترکیب بین امر (انجام طواف) و نهی (حرمت مکث در مسجد) ترکیب اتحادی است. بنا بر این اگر زن حائض طواف کند، از آن رهگذر که طواف، عنوانی است که تحقق آن با انجام حرامی به نام مکث در مسجد آن هم مسجدی چون مسجد الحرام صورت می‌گیرد، یعنی مأمور به او که طواف است با نهی ورود به مسجد، در یک جا جمع شده است. روی همین اساس که بر طواف حائض، طبیعت مأمور به منطبق گردیده؛ پس طواف حائض فاسد می‌باشد. (۱) در این خصوص توجه خوانندگان گرامی را به دو روایت جلب می‌کنم:

۱- فقه الصادق، ج ۲، ص ۱۸۴.

ص: ۲۶۵

۱. قال الإمام الباقر (ع) في حديث الجنب والحائض: «ويدخلان المسجد مجتازين ولا يقعدان فيه ولا يقربان المسجدين الحرامين». (۱) ۲. قال أبو جعفر (ع): «إذا كان الرجل نائمًا في المسجد الحرام أو مسجد الرسول (ص) فاحتلم فأصابته جنابهُ فليتيّم ولا يمرّ في المسجد إلّا متيّمًا حتى يخرج منهما ثم يغتسل وكذلك الحائض إذا أصابها الحيض تفعل كذلك». (۲) از طریق اهل سنت نیز روایت شده است که پیامبر خدا (ص) به زن حائض فرمودند: «فاقضى ما يقضى الحاج غير أن لا تطوفى بالبيت حتى تغتسلى». (۳) و نیز رسول خدا (ص) فرمودند: «الحائض تقضى المناسك كلّها إلّا الطواف». (۴) حنفیه: در مذهب حنفیه دو قول وجود دارد:

۱ حائض می‌تواند همه اعمال حج را انجام دهد مگر طواف؛ چون طواف در حال حیض به دو جهت حرام است:

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۹؛ الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۲۵۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۵.

۳- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۵، ص ۱۱۹.

۴- همان.

ص: ۲۶۶

الف: ورود به مسجد. ب: ترک نمودن طهارت که واجب است. (۱) ۲ طواف زن حائض صحیح است، زیرا طهارت از حدث و طهارت از نجاست شرط صحت طواف نیست. (۲) و نیز درباره وجه صحت طواف حائض گفته‌اند که چون طواف، شرط صحت سعی است و سعی بدون طواف صحیح نیست؛ پس زن حائض باید همه مناسک حتی طواف را به انجام برساند. (۳) مالکیه: زنی که در ایام عادت ماهانه است، ولی خون قطع می‌شود و خودش را پاک می‌کند، طواف او صحیح است. (۴) پس برحائض جایز نیست نزدیک مسجد شود تا آنکه پاک گردد. (۵) شافعیه: در مذهب شافعیه دو قول نقل شده است:

۱ زن حائض می‌تواند تمام اعمال حج را انجام دهد مگر طواف و نماز. (۶) ۲ طواف زن حائض صحیح می‌باشد. (۷)

۱- حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۵۸۱.

۲- کتاب الحج، فضائل و أحكام، سید محمد بن علوی مالکی، ص ۱۱۵.

۳- حاشیه ابن عابدین، ج ۱، ص ۵۸۲.

۴- همان.

۵- الموطأ، مالک بن انس، ج ۱،

۶- أم، شافعی، ج ۲، ص ۱۵۸.

۷- کتاب الحج، فضائل و أحكام، سید محمد بن علوی مالکی، ص ۱۱۵.

ص: ۲۶۷

حنابله: یکی از دو روایت احمد بن حنبل، صحت طواف زن حائض را بیان می‌کند. بنابراین قول، ارتباط بین طهارت و طواف، همانند ارتباط بین طهارت و نماز نیست. در طهارت و نماز ارتباط شرط و مشروط وجود دارد؛ ولی در طواف چنین نمی‌باشد. (۱) اما قول دیگر چنین است: حائض از مکث نمودن در مسجد و طواف منع شده است. (۲) سلفیه: اگر زن قبل از انجام طواف حج افاضه حائض شد و برای او این امکان وجود نداشت که صبر کند تا پاک شود آنگاه طواف را انجام دهد، زیرا سایر مسافران برای او صبر نمی‌کنند و امکان بازگشت نیز وجود ندارد، چون از ساکنین کشورهای مثل اندونزی و مغرب و ... است. در این صورت جایز است پس از تحفظ خودش، طواف را انجام دهد و طواف او صحیح و مجزی است. (۳)

۱- همان.

۲- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳- کتاب فتاوی المرأة، فتاوی بن باز، ص ۷۶.

ص: ۲۶۹

طواف وداع در عمره مفرده

شیعه امامیه:

کسی که می خواهد از مکه بیرون برود، مستحب است طواف وداع انجام دهد. (۱) حنفیه: عمره مفرده، طواف وداع ندارد. (۲) مالکیه: انجام طواف وداع فضیلت دارد. (۳) شافعیه: طواف وداع نه از ارکان است و نه از واجبات، بلکه عبادت مستقل است. (۴) حنابله: اگر طواف واجبی که به عهده دارد، هنگام خروج از مکه انجام دهد؛ دیگر لازم نیست طواف وداع بنماید. (۵)

۱- مناسک حج محشّی، ص ۵۰۸، چاپ تابستان ۱۳۸۲.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۶۹۸؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۳۵.

۳- حاشیه دسوقی، ج ۲، ص ۵۳.

۴- مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ إعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۴۶.

۵- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۱، ص ۵۴۴.

ص: ۲۷۰

سلفیه: طواف وداع در عمره واجب نیست و لیکن افضل آن است که انجام شود ولی در حج، طواف وداع واجب است؛ زیرا کلام رسول خدا (ص) که فرمودند: «لایفرن أحدمنکم حتی یکون آخر عهده بالبیت» خطاب به حجاج بوده است. (۱)

۱- کتاب فتاوی المرأه، فتاوی بن باز، ص ۷۸.

ص: ۲۷۱

توصیه‌های مهم و ضروری

در پایان این مجموعه، توجه خوانندگان محترم را به نکات مهمی که مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای مدظله العالی فرموده‌اند جلب می‌کنم:

۱. بر پائی نمازجماعت در هتل‌های مکه و مدینه که موجب تفرقه بین مسلمانان می‌شود و وهن به مذهب شیعه می‌شود حرام است.
۲. هنگام برگزاری نماز جماعت در مسجدالنبی و مسجدالحرام و سائر مساجد مکه مکرمه و مدینه منوره، خروج از مسجد بخاطر عدم شرکت در نماز جماعت و یا ایستادن و گردش در اطراف مسجد، حرام است.
۳. استفاده از سجاده و حصیر و مُهر برای سجده کردن که باعث می‌شود فرد استفاده کننده انگشت نما شود و یا مورد اهانت قرار گیرد و در نتیجه وهن به مذهب حق خواهد بود، حرام است.
۴. لازم است تمامی مؤمنین از حکم قاضی عربستان درباره ثبوت هلال ماه ذی‌الحجه تبعیت کنند و حج آنان مجزی و موجب می‌شود که بری‌الذمه شوند.

ص: ۲۷۲

۵. باتوجه به اینکه کشتارگاه جدید، خارج از محدوده منا است و قربانی در خارج از محدوده کشتارگاه ممنوع است، قربانی در کشتارگاه جدید کافی و مجزی است و حاجی برئ الذمه می‌شود.
۶. اعمالی که عادتاً موجب اهانت به شیعه می‌شود از قبیل:
- تبرک نمودن، نماز خواندن در قبرستان بقیع و جلو قبرستان، خواندن دعاها و زیاراتی که موجب درگیری و اهانت می‌شود و نیز مرثیه خوانی جایز نیست، و واجب است مؤمنین از این گونه رفتارها اجتناب نمایند. (۱)

۱- توضیح المسائل مراجع، چاپجامعه مدرسین، ج ۱، ص ۱۹۶۱۹۷.

ص: ۲۷۳

زیارت قبور

شیعه امامیه: برای مردان، زیارت قبور مؤمنین یکی از مستحبات است. (۱) قال رسول الله (ص): «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَزُورُوهَا فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْمَوْتَ». (۲) قال الإمام الرضا (ع): «من أتى قبر أخيه المؤمن من أي ناحية يضع يده وقرأ إنا أنزلناه سبع مرّات، أمن الفزع الأكبر». (۳) تتبع و تحقیق در تاریخ اسلام بیانگر این حقیقت است که از صدر اسلام سیره مسلمانان بر این اساس استوار بوده که زیارت قبور را به عنوان یک خواست معنوی مورد توجه قرار می دادند در تاریخ آمده است: بلال مؤذن شریف رسول خدا (ص) پس از رحلت پیامبر سر قبر آن حضرت آمد و شروع به گریستن کرد، او صورتش را به خاک مطهر قبر رسول خدا (ص) می مالید، آنگاه

-
- ۱- تذکره، علامه حلی ره، ج ۲، ص ۱۲۸.
 - ۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۲؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۰.
 - ۳- الکافی، ج ۳، ص ۲۲۹؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۰۶.

ص: ۲۷۴

به اطراف نگریم، امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) را دید. آن دو را در آغوش گرفت و بوسید. رسول خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: «کسی که حج بگذارد و مرا زیارت نکند به من جفا کرده است» و نیز می‌فرماید: «کسی که برای انجام حج بیاید و بعد از وفات من به زیارت نائل شود بسان کسی است که در زمان حیات من زیارت کرده است». سلفیه از زیارت قبور نهی و جلوگیری می‌کنند؛ در حالیکه سایر فرق و مذاهب اسلامی با تأسی به روایات، زیارت قبور را جایز، بلکه مستحب می‌دانند.

مالک بن انس نقل می‌کند: رسول خدا (ص) برای زیارت قبور وارد قبرستان شد و چنین فرمود: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین و إنا إن شاء الله بکم لاحقون». (۱) نووی در ذیل این روایت می‌نویسد: با اینکه هیچ شکی در وقوع مرگ نیست لکن علما در این باره نظریاتی دارند که بهترین آن عبارت است از:

عبارت «إن شاء الله» معنایش شک و تردید نیست بلکه این جمله بمعنای تبرک و امتثال دستور خداوند می‌باشد. قال رسول الله (ص): «زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة» به زیارت قبور بروید، زیرا شما را به یاد آخرت می‌اندازد. (۲)

۱- الموطأ؛ مالک بن انس، ج ۱، ص ۲۸.

۲- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۵.

ص: ۲۷۵

اسلام به خاطر تحقق یافتن یک سلسله اهداف تربیتی، مسلمانان را به زیارت قبور توجه داده است که فهرست گونه به تعدادی از آن اهداف اشاره می‌کنیم:

۱ پند آموزی و عبرت گرفتن.

۲ انسان را به یاد آخرت می‌اندازد.

۳ عواطف انسانی را برمی‌انگیزاند و احساس دینی را رشد می‌دهد.

۴ طمع انسان را نسبت به مال و ثروت دنیا کاهش می‌دهد.

در خصوص زیارت قبور از عایشه روایت شده که گفت: «رسول خدا (ص) زیارت قبور را اجازه فرمودند». (۱) بدون تردید زیارت اعتبار مقدسه حضرات معصومین که انسان‌های کامل و از برگزیدگان خداوند هستند، از یک مقام ویژه و عظمت والایی برخوردار است.

۱- سنن ابی داود، کتاب الجنائز، باب زیارة القبور، ج ۳، ص ۲۱۸، حدیث ۱۹۵۵.

ص: ۲۷۷

زیارت قبر رسول خدا (ص)

همانطور که می‌دانیم شیعه امامیه زیارت قبر رسول خدا (ص) را از مستحبات مؤکده می‌داند. (۱) علمای اهل سنت نیز در این خصوص با ما موافق‌اند؛ لیکن سلفیه مخالفت خود را با زیارت قبر رسول خدا (ص) به صورت گوناگون اعلام داشته است. ابن قدامه حنبلی یکی از مستحبات را زیارت قبر رسول خدا (ص) ذکر کرده است آری، تأکید می‌کنم، زیارت قبر رسول خدا (ص) و برای اثبات نظریه خود به روایاتی چند استشهاد نموده است که توجه شما را به آن جلب می‌کنم:

قال رسول الله (ص): «من حجّ فزار قبری بعد وفاتی فکأنما زارنی فی حیاتی». (۲) قال رسول الله (ص): «من زار قبری وجبت له شفاعتی». (۳) قال رسول الله (ص): «ما من أحد یسلم علی عند قبری إلّا ردّ الله علی روحی حتی أوردّ علیه السلام». (۴)

۱- مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۲۷؛ جامع المدارک، ج ۲، صص ۵۵۵۵۵۴.

۲- المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۴، ص ۵۸۸.

۳- همان

۴- همان

ص: ۲۷۸

در کتاب «الأحكام السلطانية» ماوردی، یکی از وظایف امیر الحاج (سرپرست حجاج) را آوردن حجاج به مدینه و زیارت قبر مطهر رسول خدا (ص) ذکر کرده است.

او می گوید: هنگامی که حاجیان اعمال حج را به پایان رساندند؛ امیر الحاج آنان را به سوی مدینه بیاورد تا به زیارت قبر رسول خدا (ص) نائل شوند. انجام دادن این زیارت برای دو منظور است: ۱ رعایت احترام آن حضرت ۲ اقدام به استیفای حقوقی که آن حضرت بر گردن مسلمانان دارد.

اگر چه زیارت قبر رسول خدا (ص) از واجبات حج نیست؛ لیکن در شرع مقدس اسلام، زیارت قبر رسول خدا (ص) از مستحبات شمرده شده است و عادت نیکوی حاجیان از دیرباز، بر همین اساس بوده است.

عتبی می گوید: روزی من در کنار قبر رسول خدا (ص) نشسته بودم که مردی عرب آمد و مقابل قبر آن حضرت ایستاد و سلام نیکویی کرد، سپس چنین گفت: «ای رسول خدا (ص) من در کتاب خدای تعالی (قرآن) چنین یافتم که می فرماید: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ

ص: ۲۷۹

الرَّسُولُ لَوْ جَدُّوَاللَّهِ تَوَابًا رَحِيمًا. (۱) آن مرد ادامه داد: من نزد تو آمده‌ام درحالی که از گناهم توبه می‌کنم و تورا شفیع خود در درگاه خدا قرار می‌دهم.

آن مرد عرب شروع کرد به گریه کردن و شعری در فضیلت رسول خدا (ص) سرود:

يَا خَيْرَ مَنْ دُفِنَتْ بِالْقَاعِ أَعْظَمُهُ
فَطَابَ مِنْ طَيِّبِهِنَّ الْقَاعُ وَالْأَكْمُ
نَفْسِي الْفِدَاءُ لِقَبْرِ أَنْتَ سَاكِنُهُ
فِيهِ الْعَفَافُ وَفِيهِ الْجُودُ وَالْكَرْمُ

مرد عرب لحظاتی بعد مرکبش را سوار شد و رفت. (۲) قاضی ابوی علی حنبلی در کتاب «الأحكام السلطانية» درباره وظیفه امیرالحاج می‌نویسد:

امیرالحاج سرپرست حجاج حاجیان را برای زیارت قبر رسول خدا به مدینه بیاورد؛ زیرا زیارت قبر رسول خدا (ص)

۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- الأحكام السلطانية، ماوردی، ص ۱۹۷، چاپ اول،

دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۹۹۰ م.

ص: ۲۸۰

اگرچه از واجبات حج نیست؛ لیکن از مستحبات شرع می‌باشد. (۱)

۱- الأحكام السلطانية، أبو یعلی، بخش وظایف امیر الحاج.

ص: ۲۸۱

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الکافی، ثقة الاسلام کلینی (ره)، وفات: ۳۲۹ هـ، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
- ۳- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق (ره)، وفات: ۳۸۱ هـ، چاپ دوم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴- کتاب الهدایه، شیخ صدوق، مؤسسه امام هادی (ع)، قم، چاپ اول.
- ۵- مقنعه، شیخ مفید، وفات: ۴۱۳ هـ. مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ هـ.
- ۶- تهذیب، شیخ طوسی، وفات: ۴۶۰ هـ. دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ هـ.
- ۷- مبسوط، شیخ طوسی، المكتبة المرتضویة، تهران، ۱۳۸۷ هـ.
- ۸- النهایة، شیخ طوسی، دارالاندلس، بیروت، أفست انتشارات قدس، قم.
- ۹- الخلاف، شیخ طوسی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.
- ۱۰- انتصار، سید مرتضی علم الهدی علی بن الحسین الموسوی (ره)، وفات: ۴۳۶ هـ،
- ۱۱- مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.

ص: ۲۸۲

- ۱۲- مراسم، سلّار بن عبدالعزیز (ره)، وفات: ۴۴۸ هـ، مجمع جهانی اهل بیت، قم، ۱۴۱۴ هـ.
- ۱۳- المهذب، القاضي بن البراج (ره)، وفات: ۴۸۱ هـ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ هـ.
- ۱۴- غنیه، أبی المکارم بن زهره (ره)، وفات: ۵۸۵ هـ، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.
- ۱۵- سرائر، ابن ادریس (ره)، وفات: ۵۹۸ هـ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.
- ۱۶- شرایع الاسلام، نجم‌الدین جعفر بن الحسن، محقق حلّی (ره)، وفات: ۶۷۶ هـ، انتشارات استقلال، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ.
- ۱۷- المعتمر، نجم‌الدین جعفر بن الحسن، محقق حلّی (ره)، وفات: ۶۷۶ هـ، مؤسسه سید الشهداء (ع)، قم، ۱۳۶۴ شمسی.
- ۱۸- الجامع للشرایع، یحیی بن سعید الحلّی (ره)، وفات: ۶۹۰ هـ، مؤسسه سید الشهداء (ع)، قم، ۱۴۰۵ هـ.
- ۱۹- تذکره، علّامه حلّی؛ ابو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (ره)، وفات: ۷۲۶ هـ، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.
- ۲۰- منتهی، علّامه حلّی (ره)، چاپ قدیم، حاج احمد تبریز، ۱۳۳۳ شمسی.
- ۲۱- مختلف، علّامه حلّی (ره)، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.
- ۲۲- اللعنه الدمشقیه، شهید اول، شمس‌الدین محمد بن مکی‌العاملی (ره)، شهادت: ۷۸۶ هـ، دارالفکر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.
- ۲۳- دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی (ره)، وفات: ۳۶۳ هـ، دارالمعارف، قاهره، مصر، ۱۳۸۳ هـ.

ص: ۲۸۳

- ۲۴- جامع المقاصد، الشيخ علی بن الحسين الکرکی، وفات: ۹۴۰ هـ، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.
- ۲۵- وسائل الشیعه، شیخ حرّعاملی، وفات: ۱۱۰۴ هـ، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ.
- ۲۶- مستدرک الوسائل، محدّث نوری، وفات: ۱۳۲۰ هـ، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ.
- ۲۷- الحدائق الناضرة، شیخ یوسف محدّث بحرانی، وفات: ۱۱۸۶ هـ، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ شمسی.
- ۲۸- مستند الشیعه، المولی أحمد بن محمد مهدی النراقی (ره)، وفات: ۱۲۴۵ هـ، مؤسسه آل البيت، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.
- ۲۹- کتاب الصلاة، شیخ مرتضی انصاری (قدس سره)، وفات: ۱۲۸۱ هـ، مؤسسه باقری، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.
- ۳۰- جواهر الکلام، شیخ محمدحسن نجفی (ره)، وفات: ۱۲۶۶ هـ، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۷ شمسی.
- ۳۱- العروة الوثقی، سید کاظم یزدی (ره)، وفات: ۱۳۳۷ هـ، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ.
- ۳۲- مستمسک العروة الوثقی، السید محسن الحکیم (ره)، کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی (ره)، قم، چاپ چهارم، ۱۴۰۴ هـ.
- ۳۳- جامع المدارک، السید أحمد الخوانساری (ره)، مکتبه الصدوق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۵ هـ.
- ۳۴- الینایع الفقهیة، آقای شیخ علی اصغر مروارید، چاپ اول.
- ۳۵- الدرّوس، شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی العاملی، شهادت: ۷۸۶ هـ، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.

ص: ۲۸۴

۳۶- أحكام الحج، آیه‌الله فاضل لنکرانی، چاپ دوم، مهر قم، ۱۳۷۴ شمسی.

۳۷- منهاج الصالحین، السید محمد سعید الحکیم، دار الصفوة، چاپ اول، بیروت لبنان، ۱۴۱۵ ه.

۳۸- فقه الصادق (ع)، السید محمدصادق الحسینی الروحانی، مؤسسه دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ه.

۳۹- المعتمد، للسید اَبی القاسم الموسوی الخوئی.

۴۰- معالم المدرستین، علامه سید مرتضی عسکری، مؤسسه النعمان، بیروت لبنان، ۱۴۱۰ ه.

۴۱- السجود علی الأرض، الشیخ علی الأحمدی (ره)، مرکز الجواد، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ ه.

۴۲- هذه هی الشیعه، العلامه باقر شریف القرشی، النجف الأشرف.

۴۳- توضیح المسائل، حضرت امام خمینی (ره)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم.

۴۴- توضیح المسائل مراجع عظام تقلید، چاپ هفتم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تابستان ۱۳۸۱ شمسی.

۴۵- مناسک حج محشی، چاپ هفتم، تابستان ۱۳۸۲ شمسی، مرکز تحقیقات حج قم.

۴۶- استفتاءات ویژه حج، انتشارات مرکز تحقیقات حج قم.

۴۷- الفقه علی المذاهب الخمسه، مغنیه، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۲۵ ه.

۴۸- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی (ره)، نجف اشرف، ۱۳۹۰ ه.

ص: ۲۸۵

مسائل من الفقه المقارن، محمد حسن زمانی.

۴۹- مجله عربی میقات الحج، شماره ۲۲، سال ۱۱، مرکز تحقیقات حج قم.

۵۰- رجال کشی، حمدویة بن نصیر کشی (ره)، وفات: ۳۵۰ ه، مؤسسه انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ شمسی.

۵۱- لغت نامه دهخدا، چاپ اول، ۱۳۷۲ شمسی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۵۲- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، دارالفکر، بیروت لبنان.

۵۳- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل، دارالفکر، بیروت لبنان، ۱۴۰۱ ه.

۵۴- الموطأ، مالک بن انس، دارإحياء التراث العربی، بیروت لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه.

۵۵- المجموع، أبو زکریا محی الدین نووی، ت: ۶۷۶ ه، دارالفکر بیروت لبنان.

۵۶- سبل السّلام، محمد بن اسماعیل کحلانی معروف به امیرصنعانی، ت: ۱۱۸۲ ه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ه، شرکت و مطبعة مصطفی

البابی وأولاده، مصر.

۵۷- کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرسالة، بیروت لبنان، ۱۴۰۹ ه.

۵۸- مختارات من الأحادیث النبویة.

۵۹- دراسات فی الفلسفة الاسلامیة، تفتازانی.

۶۰- الفقه علی المذاهب الأربعة، عبدالرحمن الجزیری، چاپ استانبول / ترکیه.

-۶۱

ص: ۲۸۶

الفقه علی المذاهب الأربعة، عبدالرحمن الجزیری، شركة دارالأرقم بن أبی الأرقم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ، بیروت لبنان.

۶۲- بادیة المجهتد، ابن رشد، دارالفکر، بیروت لبنان، ۱۴۱۵ هـ.

۶۳- نیل الأوطار، محمد بن علی شوکانی، ت: ۱۲۵۵ هـ، دار الجیل، بیروت لبنان، ۱۹۷۳ م.

۶۴- حاشیه ابن عابدین (حاشیه رد المحتار علی الدر المختار) محمد امین عابدین بن عمرعابدین دمشقی حنفی، ت: ۱۲۵۲ هـ «فقه

حنفیه» دارالفکر، بیروت لبنان، ۱۴۱۵ هـ.

۶۵- فقه السنه، شیخ سیدسابق، دار الکتب العربی، بیروت لبنان.

۶۶- المغنی، عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه حنبلی، ت: ۶۲۰ هـ، چاپ رحلی، دارالکتب العربی، بیروت لبنان.

۶۷- فتح العزیز، عبدالکریم بن محمد الرافعی، ت: ۶۲۳ هـ، دارالفکر بیروت لبنان.

۶۸- فتح الباری، شهاب‌الدین أحمد بن علی بن حجر عسقلانی، دارالمعرفه، بیروت لبنان، چاپ دوم.

۶۹- الدروس المهمه، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، دارأضواء زمزم للنشر، ریاض، ۱۴۲۲ هـ.

۷۰- «الأم»، محمد بن ادريس شافعی، ت: ۲۰۴ هـ، چاپ دوم، دارالفکر بیروت لبنان، ۱۴۰۳ هـ.

۷۱- حاشیه دسوقی، شمس‌الدین محمد عرفه‌الدسوقی «فقه مالکیه»، دار إحياء الكتب العربیة.

۷۲- مبسوط، محمد بن أبی سهل سرخسی، دارالمعرفه، بیروت/ لبنان ۱۴۰۶ هـ.

-۷۳

ص: ۲۸۷

- فتاوی المرأه، عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، مطابع أضواء، جده، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.
- ۷۴- فتاوی اللجنة الدائمة، چاپ اول، دار العاصمه و أولى النهی ریاض، ۱۴۱۱ هـ و ۱۴۱۳ هـ.
- ۷۵- الفقه الإسلامی و أدلته، وهبه الزحیلی، دارالفکر، دمشق سوریه ۱۴۰۹ هـ.
- ۷۶- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، ت: ۲۷۵ هـ، دارالفکر، بیروت لبنان.
- ۷۷- مغنی المحتاج، شمس الدین محمد أحمد الشریینی القاهری الشافعی، ت: ۹۷۷ هـ، شرکت و مطبعة مصطفی البابی وأولاده، ۱۳۷۷ هـ مصر.
- ۷۸- شرح المهدب، أبوزکریا محی الدین نووی، ت: ۶۷۶ هـ دارالفکر، بیروت لبنان.
- ۷۹- المحلی، علی بن أحمد بن سعید بن حزم اندلسی، ت: ۴۵۶ هـ، دارالفکر، بیروت لبنان.
- ۸۰- سنن أبی داود، سلیمان بن أشعث سجستانی، ت: ۲۷۵ هـ، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ، دارالفکر، بیروت لبنان.
- ۸۱- فتح الوهاب، زکریا بن محمد انصاری، ت: ۹۳۶ هـ، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ، دارالکتب العلمیة، بیروت لبنان.
- ۸۲- بدائع الصنائع، ابوبکر بن مسعود کاشانی حنفی، ت: ۵۸۷ هـ، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ، المكتبة الحیبیة، پاکستان.
- ۸۳- شرح مسلم، أبو زکریا محی الدین نووی، ت: ۶۷۶ هـ، چاپ دوم، ۱۴۰۷ هـ، دار الكتاب العربی، بیروت لبنان.
- ۸۴-

ص: ۲۸۸

۸۵- مستدرک، أبو عبدالله حاکم نیشابوری، دارالمعرفه، بیروت لبنان، ۱۴۰۶ هـ.

۸۶- مسند، أحمد بن حنبل، دارصادر، بیروت لبنان.

۸۷- کتاب إزالة الخطر عمّن جمع بین الصلاتین فی الحضر.

۸۸- صفة صلاة النبي (ص)، عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، دارأضواء زمزم للنشر، ریاض، ۱۴۲۲ هـ.

۸۹- المدونة الكبرى، مالک بن أنس، به روایت سحنون بن سعید از عبدالرحمن بن قاسم عتقی، مطبعة السعادة، مصر.

۹۰- قره العين، محمد بن عبدالله الیهدان، چاپ عربستان، ۱۴۲۲ هـ.

۹۱- مواهب الجلیل، محمد بن عبدالرحمن مغربی، ت: ۹۵۴ هـ، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ، دارالکتب العلمیة، بیروت لبنان.

۹۲- کتاب الحج، فضایل وأحكام، السيد محمد بن علوی بن عباس المالکی المکی الحسنی، چاپ اول، ۱۴۲۴ هـ، مکه المکرمه.

۹۳- الشرح الكبير، عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه حنبلی، ت: ۶۲۰ هـ، دارالکتب العربی، بیروت لبنان.

۹۴- البحر الرائق، زین الدین بن ابراهیم، معروف به ابن نجیم مصری حنفی، ت: ۹۷۰ هـ، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ، دارالکتب العلمیة، بیروت

لبنان.

۹۵- کشف القناع، منصور بن یونس بهوتی حنبلی، ت: ۱۰۵۱ هـ، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ، دارالکتب العلمیة، بیروت لبنان.

۹۶- «صفة العمرة» عبد العزيز بن عبدالله بن باز، وزارة الشؤون الإسلامية والاوقاف والدعوة والارشاد، عربستان.

۹۷- سنن بیهقی، أبوبکر أحمد بن حسین بن علی، ت: ۴۵۸ هـ، دارالفکر، بیروت لبنان.

ص: ۲۸۹

۹۸- مختصر المزنی، اسماعیل بن یحیی «فقه شافعیه»، دار المعرفه، بیروت لبنان.

۹۹- إعانة الطالبین، أبوبکر مشهور به: السید البکری الدمیاتی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه، دارالفکر، بیروت لبنان.

۱۰۰- سنن ترمذی، أبو عیسی محمد بن عیسی ترمذی، ت: ۲۷۹ ه، چاپ ۱۴۰۳ ه، دارالفکر، بیروت لبنان.

۱۰۱- الأحکام السلطانیة، أبو الحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی، ت: ۴۵۰ ه، چاپ اول، دارالکتاب العربی، بیروت لبنان، ۱۹۹۰

.۴

۱۰۲- الأحکام السلطانیة، أبو یعلی أحمد بن علی بن المثنی التمیمی، ت: ۳۰۷ ه، دارالکتاب العربی، بیروت لبنان.

۱۰۳- المعجم الأوسط، سلیمان بن أحمد طبرانی، دارالحرمین، ۱۴۱۵ ه، مصر.

والحمد لله أولاً و آخراً وصلی الله علی نبینا و سیدنا محمد وآله أجمعین

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

